



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# احکام جانوان

کتابت باقر و انیس  
حضرت آیات نظام  
اعمال خوبی و کتب ایگالی  
اراحتی و خوبی

تیسرے ایڈیشن، رضا قریشیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# احكام بانوان (جلد 2 رساله آموزشي)

نويسنده:

رضا قربانيان

ناشر چاپي:

مولف

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	احکام بانوان (جلد ۲ رساله آموزشی)
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۲	تقدیم به :
۱۴	مقدمه
۱۵	اشاره
۱۸	ارزش و اهمیت تعلیم و تعلّم احکام دین
۲۶	بخش اول «دماء ثلاثه» (خونهای سه گانه)
۲۶	اشاره
۲۸	استحاضه
۲۸	اشاره
۲۹	مواردیکه استحاضه محقق می شود
۳۰	انواع و اقسام استحاضه
۳۱	واریسی
۳۲	مواردی که استحاضه تغییر می کند
۳۵	وظایف و تکالیف مشترک (قلیله، متوسطه، کثیره)
۳۸	احکام مشترک متوسطه و کثیره
۳۹	احکام خاص قلیله، متوسطه و کثیره
۴۱	خون حیض
۴۱	اشاره
۴۲	مواردیکه از حکم حیض خارج است
۴۳	خصوصیات سه روز
۴۴	سه روز بیشتر و ده روز کمتر

۴۷	شک در خون
۴۹	زمانهایی که زن حیض می شود
۵۰	تکالیف زن حائض
۵۶	کفّاره
۵۹	شناخت کلی از تمامی انواع زندهای حائض
۶۶	زنهایی که عادت وقتیه دارند
۶۸	زنهایی که عادت عددیه دارند
۶۹	مضطربه
۷۲	مبتدله
۷۳	ناسیه
۷۴	نفاس (خون ولادت)
۷۴	اشاره
۷۷	احکام و وظایف زن نفساء
۷۹	برخی از آداب فرزندداری
۸۴	زنهایی که بخاطر بچه، روزه بر آنها واجب نیست
۸۴	وظیفه زن بعد از پاک شدن از حیض و نفاس
۸۵	غسل
۸۶	جنابت
۸۷	مسائل دیگری درباره زنها
۸۹	اقسام احکام
۹۰	محارم
۹۲	احکام نگاه کردن
۹۹	بخش دوّم: خانواده
۹۹	اشاره
۱۰۱	هسته مرکزی و اصلی جوامع بشری
۱۰۳	حقوق متقابل

- حجاب ..... ۱۰۷
- وظایف زن نسبت به شوهر ..... ۱۱۲
- اشاره ..... ۱۱۲
- اهمیت حق شوهر ..... ۱۱۶
- بخش سوم : استفتائات ..... ۱۲۱
- اشاره ..... ۱۲۱
- استفتائات از حضرت امام خمینی «قدس سره» ..... ۱۲۳
- استفتائات از حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی «دامت برکاته» ..... ۱۳۱
- احکام بانوان از متن توضیح المسائل حضرت آیه الله العظمی اراکی «دامت افاضاته» ..... ۱۳۷
- احکام بانوان از متن توضیح المسائل حضرت آیه الله العظمی خوئی «دامت افاضاته» ..... ۱۵۷
- درباره مرکز ..... ۱۷۷

## احکام بانوان (جلد 2 رساله آموزشی)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: قربانیان، رضا، 1335-

عنوان و نام پدیدآور: احکام بانوان: مطابق با فتاوی حضرت آیه الله العظمی امام خمینی قدس سره ... / تهیه و تنظیم رضا قربانیان.

مشخصات نشر: اصفهان: رضا قربانیان، 1413ق. = 1371.

مشخصات ظاهری: [130] ص.

فروست: رساله آموزشی؛ ج. 2.

یادداشت: چاپ دوم: زمستان 1372.

یادداشت: عنوان روی جلد: احکام بانوان: مطابق با فتاوی حضرت آیات عظام: امام خمینی قدس سره، خوئی، گلپایگانی، اراکی...

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد: احکام بانوان: مطابق با فتاوی حضرت آیات عظام: امام خمینی قدس سره، خوئی، گلپایگانی، اراکی...

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

زنان (فقه)

رده بندی کنگره: BP189/ق42الف3 1371

رده بندی دیویی: 297/36

شماره کتابشناسی ملی: 8077491

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

احکام بانوان

(جلد 2 رساله آموزشی)

مطابق با فتاوی

حضرت آیه الله العظمی امام خمینی «قدس سره»



حضرت آية الله العظمى گلپایگانی «دامت برکاته»

حضرت آية الله العظمى اراکی «دامت برکاته»

حضرت آية الله العظمى خوئی دامت برکاته

تهیه و تنظیم : رضا قربانیان

ص: 1

**اشاره**

نشر غياث

نام کتاب: احکام بانوان

مؤلف: رضا قربانيان

ناشر: نشر غياث

چاپ سوم: تابستان 76

تیراژ: 5000 نسخه

چاپ و صحافی: شمشاد

ص: 2



## تقديم به :

پيشگاه با عظمت صديقه طاهره، مظلومه شهيده، أم الأئمة النَّبَّاء، سيّده نساء العالمين، نور چشم و پاره تن و روح رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم، فاطمة الزّهرا عليها السلام و هديه به محضر مقدّس فرزند عزيزش حضرت بقيه الله الاعظم، يگانه مصلح جهان بشريت حجة ابن الحسن العسكري ارواحنا و ارواح العالمين له الفداء.

ص: 4

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ص: 5



با توفیقات خداوند تبارک و تعالی و توجّه حضرت ولیّ عصر ارواحناله الفداء در سالهای گذشته مجموعه ای تحت عنوان رساله آموزشی که منتخبی از توضیح المسائل بود به چاپ رسید و بحمدالله با استقبال قابل توجهی مواجه گشت و مورد استفاده اقشار مختلف مردم و مراکز تحصیلی و تربیتی قرار گرفت، با توجّه به نیاز شدید به فراگیری احکام و تعلّم آن و اینکه این شیوه دسته بندی و تنظیم برای این منظور سهولتی فراهم می نماید اینک بعضی از مسائلی هم که به دلایل خاصی ذکر نشده بود در معرض نشر و استفاده قرار می گیرد البته در رساله آموزشی سعی بر آن بود که غالب احکامی که مورد ابتلاء و نیاز عمومی و مشترک بین زن و مرد، می باشد بصورت آموزشی در دسترس افراد قرار گیرد و در این مجموعه (جلد 2) سعی بر این است که گوشه ای از اهمّ تکالیف و وظائف خاص بانوان و به اصطلاح مسائل خاص زنانه (استحاضه حیض، نفاس) ذکر شود. ضرورت و اهمّیت

این موضوع به این دلیل است که:

اولاً بانوان مسلمان مرتب به این گونه احکام برخورد پیدا می کنند و با وظائف جدید و تازه ای مواجه می شوند و معمولاً بنابر خصوصیت و حساسیت این نوع مسائل و حیاء و عفت بانوان محترم ممکن است از پرسیدن و یادگرفتن کوتاهی ورزند و یا با مراجعه به رساله نتوانند بطور کامل و واضح مسائل مورد نیاز خود را پیدا کنند .

ثانیاً با کمال تأسّف بسیاری از پدران و مادران هم در آگاه نمودن دختران خویش به وظائف (آنان قبل از رفتن به خانه شوهر) کم لطفی می کنند و چون در بین خود زنها هم برای فراگیری احکام زنانه کمتر صرف وقت می شود و جلسات کمتری به این منظور منعقد می گردد، و در مجالس عمومی نیز در مساجد و غیره به حسب رعایت حیاء و عفت عمومی، از نقل و بیان این نوع مسائل خودداری می شود، در نتیجه بانوان در فهم مسائل مخصوص خود غالباً دچار تردید و حیرت گشته و به زحمت و مشقت می افتند و از عهده انجام وظائف مخصوص خود بر نمی آیند، ولی در هر حال فراگیری احکام و مسائل مورد ابتلاء از واجبات بوده و مسلماً خجالت و نظیر آن نمی تواند موجب اسقاط تکلیف شود و امید است این مجموعه راهی باشد برای بهتر یاد گرفتن احکام و قدم مثبتی در جهت آشنائی بانوان با مسائل اختصاصی آنها که به این وسیله بتوانند با سهولت کامل و براحتی مسائل مورد ابتلای خود را دریابند و از وظائف دینی خود مطلع شوند انشاءالله. در پایان مقدمه لازم است نظر خوانندگان محترم و گرامی به چند نکته جلب شود.

1\_ تنظیم این رساله در زمان حیات حضرت امام خمینی رحمة الله علیه انجام گرفت ولی با کمال تأسّف بیش از دو سال در دفتر انتشارات اسلامی متوقف گردید و پس از رحلت امام(ره) طبق فتوای ایشان و نیز مطابق با فتوای حضرت آية الله العظمی گلپایگانی (دام ظلّه) تنظیم گردید و موارد اختلاف فتوا نیز ذکر شد، بنابر این مجموعه حاضر حاوی فتاوا و استفتاءات هر دو مرجع بوده و منابعی هم که از آنها استفاده گردیده عبارت است از: عروة الوثقی، وسیلة النجاة، تحریر الوسیله، مجمع المسائل و توضیح المسائل هر دو مرجع. مسائل امام قدّس سرّه با کلمه (امام) و مسائل آية الله العظمی گلپایگانی با کلمه (گلپایگانی) مشخص شده و شماره ها بطور دقیق با توضیح المسائل معظّم لهما می باشد و ضمناً در آخر این



کتاب مسائل خاص بانوان از متن توضیح المسائل حضرت آیه الله العظمی خوئی (دامت برکاته) و حضرت آیه الله العظمی اراکی (دامت برکاته) ضمیمه گردیده است .

2\_ نظر به اینکه مسائل و احکام این کتاب اختصاص به زنها دارد لازم است برای آموزش و تدریس آن افرادی ذی صلاح و مطالعه کرده از بین خود بانوان انتخاب گریده و چنانچه ضرورتی ایجاب کرد که مرّبی مرد تدریس نماید (ضمن رعایت تمام جوانب و احتیاط کامل و با در نظر گرفتن مسائل شرعی و حفظ عفاف و پرهیز از هرگونه شوخی و خنده و امثال آن) با مطالعه قبلی تدریس کند.

3\_ اگر چه فراگیری این احکام با مطالعه و به تنهایی میسر است لکن با کیفیت خاصی که جمع آوری شده بهتر است بصورت آموزشی، تعلیم و تدریس گردد که در این صورت مرّبی محترم باید باشیوه های خاصّ تدریسی از طریق تابلو و غیره آشنا باشد، برای این منظور بد نیست به مقدمه رساله آموزشی جلد اول مراجعه فرمائید.

ضمناً بخاطر اهمیت فراوان موضوع احکام و جلوگیری از هرگونه دخالت بی مورد، نهایت سعی بعمل آمده تا شماره و منبع هر مسئله ای دقیقاً ذکر گردد، بنابر این پس از مطالعه عمیق هر بخشی، اگر در فهم مسئله ای دچار تردید شدید باید به اصل مسائل (به مأخذ مشخص) مراجعه نموده و اگر باز هم لازم بود و مطلبی خوب روشن نشد از علماء و روحانیون معظّم استفاده نمائید .

در پایان با کمال تشکر تقاضا می شود برای رفع نواقص در کمیّت و کیفیت و یا درخواست کتاب، انتقاد یا پیشنهاد خود را به آدرس زیر مرقوم فرمائید. خداوند متعال همه ما را در راه خدمت به اسلام و نشر احکام موفق فرماید.

زنی حضور فاطمه زهرا (سلام الله علیها) رسید و عرض کرد: مادری دارم که ضعیف المزاج است و درباره نماز با اشکالات و مسائلی مواجه می شود، مرا نزد شما فرستاد تا پرسشهای او را با شما مطرح سازم.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) به پرسش این زن پاسخ داد ولی این زن پرسش دیگری را مطرح می ساخت و آن حضرت پاسخ آن را نیز بیان فرمود و همین گونه پرسشهای متعددی را با آن حضرت در میان گذاشت تا به ده سؤال رسید و فاطمه زهرا \_ سلام الله علیها \_ به تمام آنها جواب لازم را دادند این زن به علت کثرت پرسشها احساس شرمندگی نمود و از بیان نمودن سئوالات بیشتر خجالت می کشید به همین جهت عرض کرد: بیش از این مزاحم نمی شوم، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که فرمود: هر سئوالی که به نظرت می آید بپرس و از بازگو کردن آن شرمگین مباش (آن حضرت برای آنکه این زن را به طرح سئوالاتش ترغیب و تشویق فرماید، از او پرسید) اگر کسی در مدت یک روز، بارِ گران و سنگینی را بدوش کشد و آن را به بالای بام خانه ای و ساختمانی حمل کند و در برابر آن حقّ الزحمه ای معادل هزار دینار دریافت نماید، آیا (با داشتن چنان مزد و پاداش فراوانی)، تحمّل رنج و زحمت بارگران بر او ناگوار و غیر قابل تحمّل است؟ عرض کرد نه آنگاه حضرت فرمود: مزد و اجرت من در ازاء پاسخ به هر سئوالی، بیشتر از مجموع دُرّ و مرواریدی است که فاصله میان آسمان و زمین را پر می کند.... تا آنجا که فرمود: از پدرم «رسول خدا صلی الله علیه و آله» شنیدم که می فرمود: دانشمندانی که پیرو مکتب ما هستند در روز قیامت محشور و زنده خواهند شد به گونه ای که به میزان علوم و دانشها و کوششهایشان در جهت ارشاد مردم با خلعتها و لباسهای کرامت آراسته می گردند.... (بحار الانوار ج 2 ص 3 ح 3)

و نیز در مورد اهمیت فراگیری احکام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

اُف باد بر هر مسلمانی که هر هفته یک روز را برای شناخت امر دین خود و پرسش از آن قرار ندهد. (بحار الانوار ج 1 ص 176 ح 44)

و همچنین فرمود:

کسی که یک مسئله یاد بگیرد خداوند متعال در قیامت هزار گردن بند از نور به گردن او می آویزد و هزار گناه او را می بخشد و برای او شهری بنا می کند و به اندازه هر موئی در بدن او ثواب حج و عمره می نویسد.

(عوامل - العقل و العلم. ص 130 ح 9)

و امام باقر علیه السلام هم فرمود:

اگر جوانی از شعبه به نزد من آورده شود که در صدد فهم و فراگیری احکام دین خود نباشد او را تنبیه دردناک می کردم.

(سفینه البحار ج 1 ص 680 باب شب)

و امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

راستی دوست می دارم که با تازیانه بر سر اصحابم زده شود تا احکام دین خود را فرا بگیرند و بفهمند.

(اصول کافی ج 1 ص 31 ح 8)

محقق بزرگوار مرحوم نائینی از شیخ انصاری رحمة الله علیه نقل نموده که در رساله عملیه خود حکم فرموده به فسق کسی که تعلّم

(یادگیری) مسائل مورد ابتلاء را ترک کند و در صدد یاد گرفتن آنها نباشد. (اجود التقريرات باب مقدمه واجب ص 158)

و طبق فتوای مراجع معظم تقلید: مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد.

(توضیح المسائل امام مسئله 11)

(توضیح المسائل گلپایگانی مسئله 11)

(توضیح المسائل خوئی مسئله 11)

(توضیح المسائل اراکی مسئله 11)

ص: 5

یک مسئله کاملاً قابل توجه

تقلید از مجتهد میّت

آیا از مجتهدی که از دنیا رفته می توان تقلید کرد یا خیر؟

1\_ تقلید ابتدائی:

تقلید ابتدایی از مجتهدی که از دنیا رفته مطلقاً جایز نیست (چه آنکه از اول تکلیف تاکنون اصلاً تقلید نکرده باشد و یا تازه اول تکلیف او بوده و اکنون می خواهد از مجتهدی جامع الشرائط تقلید کند) بنابر این چنین کسانی باید از مجتهد زنده تقلید نمایند. (تحریر الوسيله مسئله 13 ، وسیلة النجاة مسئله 13)

2\_ باقی ماندن بر تقلید

اما کسانی که از مجتهدی تقلید می کرده اند و فعلاً آن مجتهد از دنیا رفته است (مانند مقلّدین حضرت امام خمینی رحمة الله علیه) این نوع افراد باید به مجتهد زنده اعلم رجوع نمایند تا ببینند او باقی ماندن بر تقلید مجتهد اعلم را جایز میدانند یا نه.

(تحریر الوسيله مسئله 13 ، وسیلة النجاة مسئله 13)

قطعاً کسی که پس از فوت مجتهدی که از او تقلید می کرد بر تقلید او باقی بماند بدون رجوع به مجتهد زنده اعلم که بقاء را جایز می داند، مانند کسی است که اعمالش را بدون تقلید انجام داده باشد و بنابر این در مسئله مذکور نظر مرجع زنده اعلم ملاک است و در این مسئله بخصوص یعنی بقاء بر تقلید از مجتهد متوفی، انسان هر مرجعی را اعلم بدانند باید به همان مرجع رجوع کند.

ص: 6

س - برای رجوع به مجتهد زندهٔ اعلم و شناخت آن چه راهی وجود دارد؟

1\_ خود انسان یقین کند و بشناسد.

ج\_ از همان راهی که انسان اول برای انتخاب مجتهد قبلی اقدام نمود که راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط عبارت بود از:

1\_ خود انسان یقین کند و بشناسد.

2\_ دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص تصدیق کنند بشرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند.

(1)

3\_ از گفته اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند اطمینان حاصل گردد.

امام (مسئله 3)

گلپایگانی (مسئله 3)

خوئی (مسئله 3)

اراکي (مسئله 3)

نظر حضرت آية الله العظمى گلپایگانی دام ظلّه:

مسائلی را که مقلد، در زمان مجتهدی که از او تقلید می کرد یاد گرفته برای عمل نمودن:

به آن مسائل اعم از اینکه:

1\_ عمل کرده باشد

2\_ یا عمل نکرده باشد

می تواند در این صورت باقی باشد، البته تنها اکتفاء کردن به باقی ماندن در مسائلی که عمل نموده بهتر است و ضمناً احتیاط مستحب آن است که اصلاً از مجتهد زندهٔ اعلم تقلید کند. (توضیح المسائل گلپایگانی مسئله 9)

و اما در مسائلی که:

1\_ اصلاً یاد نگرفته

2\_ یا در مسائل جدید

3\_ یا مسائلی که یاد گرفته اما نه برای عمل نمودن بلکه به منظور دیگری یاد گرفته مثل اینکه شخص مسئله گوئی است و برای جوابگوئی فتاوی مراجع تقلید و\_ آموختن به مقلّدین آنان یاد گرفته باقی ماندن بر تقلید میت جایز نیست و لازم است به مجتهد زنده اعلم مراجعه نماید. (توضیح المسائل، مسئله 9)

ص: 7

---

1- خوئی : و ظاهر این است که اجتهاد یا اعلمیّت کسی به گفته یک نفر که مورد وثوق باشد نیز ثابت می شود

نظر حضرت آية الله العظمى خوئی دام ظلّه:

مسائلی را که مقلّد:

1\_ حضور ذهن ندارد اعمّ از اینکه:

1\_1 فتوای مجتهد قبلی فراموش کرده باشد.

1\_2 و یا اصلاً فتوای او را یاد نگرفته باشد.

لازم است به مجتهد زنده \_ رجوع کند (اگر چه آن مجتهدی که از او تقلید می کرده اعلم بوده باشد).

2\_ حضور ذهن دارد (یعنی فتوای آن مجتهد در نظرش بوده و فراموش نکرده باشد):

1\_2 اگر بداند مجتهد متوفی از دیگران اعلم بوده (یعنی اعلمیت برای مقلّد محرز شده) واجب است به تقلید همان مجتهد باقی باشد (چه آنکه به فتاوی او عمل کرده باشد یا عمل نکرده باشد).

2\_2 اگر بداند مجتهد دیگری از مجتهد متوفی اعلم است واجب است عدول کند (یعنی باید از مجتهد زنده اعلم تقلید کند).

2\_3 اگر اعلمیت هیچ کدام برای او معلوم نیست (یعنی نمی داند آیا مجتهدی که از او تقلید می کرده اعلم بوده یا مجتهد زنده) مختار است که باقی باشد یا از مجتهد زنده تقلید کند. توضیح المسائل (مسئله 9) منیة السائل. استفتاءات هامه ص 14

ص: 8

نظر حضرت آية الله العظمى اراكى دام ظلّه

كسى كه در مقدار قابل توجهى از مسائل به فتواى مجتهدى عمل کرده و همان گونه كه متعارف و معمول است بنا بر عمل در بقيه هم داشته، بعد از مردن آن مجتهد مى تواند در همه مسائل از او تقليد كند. (توضيح المسائل ، مسئله 9)

ص: 9



احكام بانوان

بخش اول

بخش دوم

بخش سوم

ص: 10

## بخش اول «دماء ثلاثه» (خونهای سه گانه)

### اشاره

1\_ استحضه

2\_ حیض

3\_ نفاس

ص: 11



یکی از خونهایی که زن می بیند خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه «مستحاضه» می گویند.

نشانه ها یا علامت های خون استحاضه چند چیز است:

1\_ بیشتر اوقات زرد رنگ است.

2\_ بیشتر اوقات سرد است.

3\_ بیشتر اوقات بدون فشار و سوزش بیرون می آید.

4\_ بیشتر اوقات غلیظ نیست.

ولی ممکن است گاهی نشانه های حیض را داشته باشد.

سرخ مایل به سیاهی، یا سرخ، و گرم، و غلیظ و با فشار و سوزش بیرون آید.

امام (مسئله 392)

گلپایگانی (مسئله 398)

ص: 13

1\_ هر خونی که زن قبل از بلوغ ببیند (یعنی قبل از تمام شدن نه سال قمری).

تذکر و توضیح

الف \_ منظور از 9 سالگی تمام آن است که دختر 9 سالش تمام شود و پا به 10 سالگی بگذارد نه آنکه اول پا گذاشتن به 9 سالگی مکلف شود.

ب \_ دختری که شک دارد به سنّ بلوغ (تکلیف) رسیده یا نه در حکم کسی است که به تکلیف نرسیده و همچنین است کسی که شک دارد یائسه شده یا نه.

امام (تحریر الوسیله، ج 1، ص 44، فصل في الحيض)

گلبایگانی (وسيلة النجاة، ج 1، ص 53، في غسل الحيض)

ج \_ یائسگی به معنای یأس و ناامیدی بوده و آن هنگامی است که زن از بچه دار شدن و دیدن خون ناامید شود. (وزنهای سیّده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شوند و زنهایی که سیّده نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال).

امام (مسئله 435) گلبایگانی (مسئله 441)

2\_ یا خونی که بعد از یائسگی ببیند.

3\_ یا خونی که دیده کمتر از سه روز باشد البته به شرط آنکه آن خون، خون زخم و جراحت نباشد و خون نفاس هم نباشد.

4\_ و همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر نداند خون زخم و جراحت است در صورتی که زن دارای زخم و دمل نباشد.

5\_ اگر بیش از ده روز خون ببیند که در این صورت خون حیض و استحاضه ممزوج می شود و این دارای چند صورت است که حکم آنها در بحث حیض به تفصیل خواهد آمد.

امام (تحریر الوسیله، ج 1، ص 56، فصل في الاستحاضة)

گلبایگانی (وسيلة النجاة، ج 1، ص 65، فصل في الاستحاضة)

6\_ اگر زن بداند خونی که از او خارج می شود خون زخم نیست (1) و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد بنابر احتیاط واجب باید به دستور استحاضه عمل کند.

7\_ بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد بنابر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

امام (مسئله 433) گلیپایگانی (مسئله 439)

## انواع و اقسام استحاضه

استحاضه سه قسم است:

1\_ قلیله: آن است که خون پنبه ای را که زن داخل فرج می نماید سوراخ (نفوذ) نکند و از طرف دیگر هم ظاهر نشود.

توضیح: یعنی بعد از اینکه زن خون کمی (قلیله) دید با مقداری پنبه آزمایش می کند و می یابد که خون بقدری کم است که فقط ظاهر پنبه و تنها اطراف را آلوده کرده است (فقط یک طرف پنبه آغشته می شود).

2\_ متوسطه: آن است که خون در پنبه فرو رود و از طرف دیگر ظاهر شود ولی به دستمالی که معمولاً زنها برای جلوگیری از خون می بندند نرسیده باشد.

3\_ کثیره: آن است که خون از پنبه به دستمال جاری شود. (امام مسئله 393) گلیپایگانی (مسئله 399)

توضیح: یعنی علاوه بر آنکه خون در داخل پنبه فرو رفته و از طرف دیگر هم خارج شده و دو طرف پنبه آغشته شده به دستمال هم سرایت کرده باشد.

تذکر وظایف هر سه دسته در صفحه پانزده خواهد آمد. 2\_ برای خون استحاضه حدی از نظر زمان نیست یعنی ممکن است از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر باشد. امام (تحریر الوسیله، ج 1، ص 5) گلیپایگانی (وسیله النجاة، ج 1، ص 64)

ص: 15

---

1- گلیپایگانی و بداند حیض است یا استحاضه و یا نفاس است و علامت حیض و نفاس نداشته باشد باید بدستور استحاضه عمل کند ...  
مسئله (439)

1\_ اصل واریسی و امتحان: اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است واجب است (1) (بنا بر احتیاط) بر مستحاضه خود را واریسی کند (بخاطر تعیین و تشخیص اقسام خون برای انجام وظیفه مخصوص شرعی) به این صورت که: مقداری پنبه و یا نظیر آن را داخل فرج (محل بیرون آمدن خون) نموده و کمی صبر کند آنگاه پنبه را بیرون آورد و بعد از آنکه فهمید کدامیک از سه قسم خون است به مقتضای همان و به آنچه دستور داده شده عمل می نماید.

امام (مسئله 404)

گلپایگانی (مسئله 410)

2\_ واریسی قبل از نماز: قبل از رسیدن وقت نماز آزمایش کافی نیست مگر آن که بداند استحاضه اش تا بعد از دخول وقت تغییر نمی کند.

امام (تحریر الوسیله، ج 1، مسئله 1، ص 57)

گلپایگانی (وسیله النجاة، ج 1، ص 66، مسئله 10)

3\_ اگر پیش از واریسی مشغول نماز شود. نماز صحیح است با دو شرط:

1\_3 قصد قربت داشته.

2\_3 و به وظیفه خود هم عمل \_ کرده باشد. (2)

امام (مسئله 405) گلپایگانی (مسئله 411)

4\_ واریسی بعد از نماز: زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واریسی کند و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می آید با وضویی که دارد می تواند نماز بخواند.

ص: 16

1- گلپایگانی: باید ...

2- مثلاً استحاضه اش قلیله بوده به استحاضه قلب به عمل نموده، پس اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آنکه استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده است نماز او باطل است

5\_ اگر نتواند خود را واریسی کند، در صورت دارد: 1\_ اگر بداند سابقاً کدامیک از آن سه قسم بوده باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.

امام (مسئله 406)

گلپایگانی (مسئله 412)

2- اگر حال سابق او معلوم نباشد باید به نحوی عمل کند که یقین به برائت ذمه حاصل کند پس در شک میان قلیله و متوسطه و کثیره، عمل به وظیفه هر دو نماید و در شک بین هر سه قسم، عمل به وظیفه هر سه قسم نماید. گلپایگانی (مسئله 412)

3\_ اگر حال سابق او معلوم نباشد باید آنچه مسلماً وظیفه اوست عمل کند. (مثلاً اگر نمی داند قلیله تست و یا متوسط باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد). امام (مسئله 406)

### مواردی که استحاضه تغییر می کند

1\_ اگر قلیله، متوسط شود

1\_1 بعد از نماز صبح: باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند.

1\_2 بعد از نماز ظهر و عصر: باید برای نماز مغرب و عشاء غسل کند. امام (مسئله 399) گلپایگانی (مسئله 405)

2\_ اگر قلیله، متوسطه یا کثیره شود:

1\_2 پیش از نماز: باید کارهای متوسطه یا کثیره را انجام دهد. امام (مسئله 420) گلپایگانی (مسئله 426)

2\_2 در بین نماز: باید به حکم تبدیل متوسطه به کثیره در بین نماز عمل کند. امام (مسئله 421) گلپایگانی (مسئله 427)

ص: 17



3\_ اگر متوسطه، قلیله شود: باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد، عمل قلیله را انجام دهد. امام (مسئله 425) گلیپایگانی (مسئله 431)

3\_1 پیش از نماز: باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد فایده ندارد و باید دوباره برای کثیره غسل کند. امام (مسئله 420) گلیپایگانی (مسئله 426)

3\_2 در بین نماز: باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد و کارهای دیگر آن را انجام دهد و همان نماز را بخواند و اگر برای هیچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد باید دو تیمم کند: یکی بدل از غسل، و دیگری بدل از وضو.

3\_3 در بین غسل کردن: واجب است چنانچه مشغول غسل ترتیبی (یا ارتماسی) بوده همان را از سر بگیرد. امام (مسئله 416) گلیپایگانی (مسئله 422)

3\_4 اگر متوسطه کثیره شود: اگر برای یکی از آنها وقت ندارد باید عوض آن تیمم کند و دیگری را بجا آورد ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارد نمی تواند نماز را بشکند و باید نماز را تمام کند و بنابر احتیاط واجب قضا نماید. امام (مسئله 421) گلیپایگانی (مسئله 427)

5\_ اگر قلیله یا متوسطه، کثیره شود:

5\_1 بعد از نماز صبح: باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشاء غسل دیگری بجا آورد.

5\_2 بعد از نماز ظهر و عصر: باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.

امام (مسئله 400)

گلیپایگانی (مسئله 406)

6\_ اگر کثیره قلیله شود: باید برای نماز اول، عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد. امام (مسئله 425) گلیپایگانی (مسئله 431)

ص: 18

7\_ اگر کثیره متوسطه شود: باید برای نماز (1) اول، عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل متوسطه را بجا آورد.

تذکر: مقصود از نماز اول، نمازی است که بعد از تغییر استحاضه (مانند نمازهای یومیه) واجب می شود.

جریان و یا قطع خون استحاضه:

1\_ اگر جریان دارد و قطع نمی شود (2)

1\_1 بعد از وضو و غسل باید فوراً شروع به نماز کند و از بیرون آمدن خون در صورتی که ترس ضرر نباشد، با داخل نمودن پنبه یا غیر آن و بستن پارچه جلوگیری نماید. پس اگر در جلوگیری و بستن پارچه تقصیر کرد و خون بیرون آمد باید نماز را اعاده کند، بلکه بنابر احتیاط واجب اگر اقوا نباشد باید غسل و وضو را هم اعاده نماید. اما اگر در اثر زیادی خون بدون تقصیر، خون بیرون آید، مانعی ندارد.

امام (تحریر الوسیله، ج 1، ص 58 مسئله 4)

گلپایگانی (وسيلة النجاة، ج 1، ص 66، مسئله 4)

2\_ اگر خون قطع شود

2\_1 اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره (گلپایگانی: یا متوسطه) قطع شود و دوباره بیاید باید برای هر نماز یک غسل بجا آورد. امام (مسئله 424) گلپایگانی (مسئله 430)

2\_2 اگر در بین نماز خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یا نه چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شده بوده باید وضو و غسل و نماز را دوباره بجا آورد.

امام (مسئله 422) گلپایگانی (مسئله 428)

ص: 19

1- مثلاً اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره، متوسطه شود باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشا فقط وضو بگیرد ولی اگر برای نماز ظهر غسل نکند و فقط به مقدار نماز عصر وقت داشته باشد باید برای نماز عصر غسل نماید و اگر برای نماز عصر هم غسل نکند باید برای نماز مغرب غسل کند و اگر برای آن هم غسل نکند و فقط به مقدار نماز عشاء وقت داشته باشد باید برای عشاء غسل کند. امام (مسئله 423) گلپایگانی (مسئله 429) و عروة الوثقی (مسئله 15)

2- گلپایگانی: (اگر خون استحاضه جریان دارد و قطع نمی شود) چنانچه برای او ضرر ندارد باید پیش از غسل و بعد از آن بوسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید. ولی اگر همیشه جریان ندارد فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره (غسل کند و وضو هم بگیرد «امام مسئله 415») بنابر احتیاط لازم غسل کند و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند. (توضیح المسائل مسئله 421)

2\_3 اگر بعد از وضو و غسل خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد بکلی پاک می شود باید نماز را تأخیر بیندازد، و موقعی که بکلی پاک شد دوباره وضو و غسل را بجا آورد و نماز را بخواند و اگر وقت نماز تنگ شد لازم نیست وضو و غسل را دوباره بجا آورد بلکه (1) با وضو و غسلی که دارد میتواند نماز بخواند. امام (مسئله 311) گلیپایگانی (مسئله 417)

2\_4 وقتی مستحاضه کثیره و متوسطه بکلی از خون پاک شد باید غسل کند ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده دیگر خون نیامده لازم نیست دوباره غسل نماید. امام (مسئله 412) گلیپایگانی (مسئله 418)

### وظایف و تکالیف مشترک (قلیله، متوسطه، کثیره)

1\_ باید برای هر نمازی (واجب یا مستحب) یک وضو بگیرند، و تجدید وضو واجب می باشد برای هر نمازی اگر آمدن خون ادامه داشته باشد. پس اگر مثلاً قبل از نماز ظهر خون قطع شد فقط برای نماز ظهر وضو واجب می شود و دیگر برای نماز عصر و همچنین نماز مغرب و غشاء واجب نیست دوباره وضو بگیرد، البته اگر با چیزهای دیگر وضو را باطل نکرده باشد. امام (عروة الوثقی، ج 1، ص 350)

امام (تحریر الوسیله، ج 1، مسئله 2، ص 57، و رساله مسئله 402)

گلیپایگانی (وسیله النجاة ج 1، ص 66، مسئله 2)

2\_ بنا بر احتیاط واجب باید پنبه را عوض نمایند یا تطهیر کنند. (2)

3\_ ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده آب بکشند. امام (مسئله 394) گلیپایگانی (مسئله 400)

صفحه بعد

ص: 20

---

1- گلیپایگانی: بلکه اگر وقت تیمم دارد بجای هر یک از وضو و غسل، تیمم کند و برای نمازهای بعد، غسل و وضو بجا آورد و اگر وقت تیمم هم ندارد به همین حال نماز بخواند و بعد با غسل و وضو آن را قضا کند. مسئله 417

2- گلیپایگانی: تطهیر پنبه بنا بر اقوی است. (وسیله النجاة، ج 1 ص 65)

تذکر: اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید وضو و غسل باطل با تایید نمی شود و اگر بیرون بیاید هر چند کم باشد. (1) وضو و غسل را باطل می کند. امام (مسئله 407) گلیایگانی (مسئله 413)

4 \_ مستحاضه قلیله بعد از وضو و متوسطه و کثیره بعد از وضو و غسل باید فوراً مشغول نماز شود. امام (مسئله 413) گلیایگانی (مسئله 419)

(تذکر 1) کسی که غسل استحاضه بر او واجب شد، برای نماز علاوه بر غسل وضو هم باید بگیرد.

(تذکر 2) روزه زن مستحاضه ای که غسل بر او واجب می باشد در صورتی صحیح است (2) که غسلهایی را برای نمازهای روزش واجب است انجام دهد و نیز بنابر احتیاط واجب غسل نماز مغرب و عشاء شبی را که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد بجا آورد ولی اگر برای نماز مغرب و عشاء غسل نکند و برای خواندن نماز شب پیش از اذان صبح غسل نماید و در روز هم غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است بجا آورد روزه او صحیح است.

(تذکر 3) اگر بعد از نماز عصر مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند روزه او صحیح است. (3) امام (مسئله 419) گلیایگانی (مسئله 425)

(تذکر 4) س: در صورتی که زن مستحاضه بین نماز و غسل فاصله بیندازد چه حکمی دارد؟

ج: اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود (در صورتی که خون جریان داشته باشد) ولی اگر خون (هنگام غسل و وضو تا هنگام خواندن نماز) در داخل فضای فرج نیاید اعاده وضو و غسل لازم نیست. امام (مسئله 414) گلیایگانی (مسئله 420)

ص: 21

---

1- گلیایگانی: یا از محل خود خارج شده و به محلی رسیده باشد که اگر پنبه داخل کند آلوده به خون می شود باید به وظائفی که گفته شد عمل کند. (مسئله 413)

2- گلیایگانی: که غسل مغرب و عشاء شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد بجا آورد و بلکه بنابر احتیاط لازم غسل نماز مغرب و عشاء شب بعد را نیز بجا آورد و نیز در روز غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است انجام دهد ولی اگر برای نماز مغرب و عشاء شب قبل، غسل نکند و نزدیک اذان صبح غسل نماید که با نماز صبح به مقدار نافله صبح زیادتراً فاصله نشود و غسلهای نمازهای روز و غسل مغرب و عشاء شب بعد را (بنابر احتیاط لازم) بجا آورد، روزهاش صحیح است. (مسئله 424)

3- گلیایگانی: و بنابر احتیاط لازم، شرط است در صحت روزه این روز، غسل نماز مغرب و عشاء شب بعد. (مسئله 424)

1\_ مستحاضه قليله اگر بخواهد طواف واجب خانه خدا يا مس قرآن بکند واجب است وضو بگيرد. امام (مسئله 427) گلبايگانی وسيله النجاة (مسئله 8)

2\_ مستحاضه متوسطه و کثيره اگر بخواهد طواف واجب خانه خدا يا مس قرآن کند واجب است غسل هم بکند. (1) گلبايگانی (وسيله من 68 مسئله 8) امام (مسئله 429)

نماز آیات: هر گاه در وقت نماز يومية نماز آیات بر مستحاضه واجب شود اگر چه بخواهد هر دو را پشت سر هم بجا آورد بايد برای نماز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز يومية او واجب است انجام دهد (2) و احتیاط واجب آن است که هر دو را با یک غسل و وضو بجا نیاورد. امام (مسائل 430 و 431) گلبايگانی (مسئله 437)

نماز قضاء: اگر زن مستحاضه بخواهد نماز قضا بخواند بايد برای هر نماز کارهایی را که برای نماز اداء واجب است بجا آورد. و احتیاط (3) مستحب این است که قبل از پاکی نماز قضا نخواند. امام (مسئله 432) امام (عروة الوثقی، ج 1، ص 358) گلبايگانی (مسئله 438)

رفتن در مسجد مکه و مدینه و توقف در سایر مساجد و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد برای مستحاضه: اشکال ندارد. (4) امام (مسئله 428) گلبايگانی (مسئله 434)

ص: 22

---

1- در تمام اینها وضو و غسلی که برای نماز بجا آورده کافی نیست بلکه بنابر احتیاط واجب باید برای طواف یا مس کتاب جداگانه وضو بگیرد با وضو و غسل بجا آورد. امام (تحریر الوسيله، ج 1، ص 60، مسئله 8) گلبايگانی (وسيله النجاة، ج 1، ص 68، مسئله 8)

2- گلبايگانی: و نمی تواند هر دو را با یک غسل و وضو بخواند. (مسئله 437)

3- گلبايگانی: لکن احتیاط لازم ترک قضا است تا موقعی که پاک شود مگر با خوف فوت. (مسئله 438)

4- گلبايگانی: اشکال ندارد بعد از انجام غسلهای واجب (مسئله 434)

نزدیکی یا مقاربت: بعد از غسل اشکال ندارد. (1)

امام (مسئله 428 و تحریر الوسیله ج 1 ص 60، مسئله 8)

گلپایگانی (مسئله 435)

روزه: احتیاط واجب آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است به مقداری که می تواند از بیرون آمدن خون جلوگیری کند.

امام (مسئله 417) گلپایگانی (مسئله 423)

### احکام مشترک متوسطه و کثیره

غسل قبل از وقت نماز برای نماز فایده ندارد:

اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز هم بیاید اگر چه زن برای آن خون، وضو و غسل را انجام داده باشد بنا بر احتیاط واجب باید در موقع نماز وضو و غسل را بجا آورد. (2) امام (مسئله 397) گلپایگانی (مسئله 403)

2- اگر پیش از داخل شدن وقت نماز برای نماز غسل کند غسل او باطل از وقت نماز است (3) بلکه اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح دوباره غسل و وضو را بجا آورد. امام (مسئله 401) گلپایگانی (مسئله 407)

3- مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی بکلی از خون پاک شدند باید غسل کنند ولی اگر بدانند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده دیگر خون نیامده لازم نیست دوباره غسل نمایند. امام (مسئله 412) گلپایگانی (مسئله 418)

(تذکر) چنانچه گذشت استحاضه (قلیله، متوسطه کثیره) یک وظائف مشترکی داشته که ذکر شد و هر یک دارای احکام خاصی هم می باشند که اکنون ذکر می شود.

ص: 23

---

1- در استحاضه قلیله نزدیکی اشکال ندارد

2- گلپایگانی: اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز بیاید و بعد قطع شود چنانچه برای آن خون وضو و غسل بجا نیاورده باشد باید در موقع نماز وضو و غسل را بجا آورد. (مسئله 403)

3- گلپایگانی: بلکه احتیاط لازم آن است که میان غسل و نماز فاصله نیاندازد مگر به خواندن نافله همان نماز مسئله (مسئله 407)

احکام خاص قلیله: مستحاضه قلیله اگر بخواهد غیر از نماز کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است (مثلاً بخواهد جانی از بدن خود را به خط قرآن برساند) باید وضو بگیرد. (و وضویی که قبلاً برای نماز گرفته بنابر احتیاط واجب کافی نیست مگر این که مس قرآن در حال نمازی که برای آن وضو گرفته انجام دهد).

امام (عروة الوثقی، ج 1، ص 356، مسئله 17 تحریر، ج 1 ص 59، مسئله 8)

احکام خاص متوسطه:

1\_ علاوه بر وظائفی که گذشت باید برای نماز صبح هم غسل نماید. و به فرض اینکه برای نماز صبح غسل نکرد باید برای نمازهای بعد غسل کند. (1) امام (عروة الوثقی، ج 1، 351)

2\_ اگر پیش از نماز یا در بین نماز خون استحاضه متوسطه ببیند باید برای آن نماز غسل کند. امام (مسئله 395) گلپایگانی (مسئله 430)

احکام خاص کثیره:

1\_ علاوه بر وظائف قلیله و متوسطه باید یک غسل هم برای نماز ظهر و عصر بجا آورد. امام (مسئله 396) گلپایگانی (وسيلة النجاة، ج 1، ص 65)

2\_ یک غسل هم برای نماز مغرب و عشا بجا آورد.

امام (مسئله 396) گلپایگانی (مسئله 402)

امام (تحریر، ج 1، ص 56، فصل في الاستحاضه)

گلپایگانی (وسيلة النجاة، ج 1، ص 65، و رساله مسئله 406)

3\_ اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره قطع شود و دوباره بباید برای هر نماز باید یک غسل بجا آورد. ولی اگر بعد از غسل و پیش از نماز قطع شود چنانچه وقت تنگ باشد که نتواند غسل کند و نماز را در وقت بخواند با همان غسل می تواند (2) نماز را بخواند و همینطور است حکم وضو. امام (مسئله 424) گلپایگانی (مسئله 430)

ص: 24

---

1- گلپایگانی: چه آن که خون بباید یا قطع شده باشد. (مسئله 401)

2- گلپایگانی: اگر خون قطع شد بعد از وضو و غسل اگر وقت نماز تنگ است لازم نیست وضو و غسل دو باره بجا آورد بلکه اگر وقت تیمم دارد باید بجای هر یک از وضو و غسل، تیمم کند و برای نمازهای بعد، غسل و وضو بجا آورد. و اگر وقت تیمم هم ندارد بهمین حال نماز بخواند و بعد با غسل و وضو آن را قضا کند. (مسئله 417)

(توجه) اگر بین نماز ظهر و عصر و همچنین بین مغرب و عشا فاصله انداخت باید برای هر نماز یک غسل جداگانه انجام دهد و بنابراین چنانچه قبل از اذان صبح مستحاضه کثیره بود باید پنج غسل بجا آورد.

امام (مسئله 396) امام (عروة الوثقی، ج 1، ص 351)

گلپایگانی (مسئله 402)

(تذکر) در مواردی که برای متوسطه و کثیره باید وضو و غسل انجام داد بهتر است اول وضو بگیرد. [\(1\)](#) امام (مسئله 398) امام (عروة الوثقی، ج 1، ص 353، مسئله 7)

ص: 25

---

1- گلپایگانی: چون وجوب وضو در استحاضه کثیره محل تأمل است احتیاط آن است که پیش از غسل به قصد رجاء وضو بگیرد. (مسئله

(402)



خون حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود وزن را در موقع دیدن خون حیض حائض می گویند (و در اصطلاح معروف است کسی که حیض می شود می گویند رگِل شده و یا در حال قاعدگی است). البته ممکن است در یک ماه دو بار و یا در هر چند ماه یک مرتبه رگِل شود و ناگفته نماند که منظور از یک ماه از ابتدای خون دیدن است تا 30 روز، نه از اول ماه تا آخر ماه.

چگونگی خون:

علامتها و نشانه های خون حیض:

1\_ بیشتر اوقات غلیظ

2\_ وگرم

3\_ و سرخ مایل به سیاهی یا سرخ است. (1)

4\_ و با فشار

5\_ و کمی با سوزش بیرون می آید.

امام (مسئله 434) گلبایگانی (مسئله 440)

ص: 26

---

1- گلبایگانی: و رنگ آن سیاه یا سرخ است. \_توضیح المسائل، مسئله 440)

در چند صورت بطور قطع حیض نیست:

1\_ کمتر از سه روز: خون حیض قطعاً باید سه روز پشت سر هم باشد و در بین سه روز اول قطع نشود و اگر مختصری از سه روز هم کمتر باشد حیض نیست. (1) امام (مسئله 440 و 441) گلیپایگانی (مسئله 446 و 447)

توجه: لازم نیست از اول صبح خون ببیند بلکه اگر مثلاً روز اول از وسط روز خون آمد و تا وسط روز چهارم ادامه داشت سه روز محقق شده و حیض است. (عروة الوثقی، ج 1، ص 319 مسئله 6) گلیپایگانی (مسئله 449)

2\_ بیشتر از ده روز: خون حیض بیشتر از ده روز نمی شود. امام (مسئله 440) گلیپایگانی (مسئله 446)

توجه: زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می بیند اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند و آن خون نشانه های حیض را داشته باشد چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد باید هر دو را حیض قرار دهد. امام (مسئله 503) گلیپایگانی (مسئله 509)

3\_ دخر: خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال میبیند حیض نیست. امام (مسئله 436) گلیپایگانی (مسئله 442)

دختری که نمی داند 9 سالش تمام شده یا نه خون ببیند.

1\_ اگر نشانه های حیض را داشته باشد (2) و اطمینان به حیض بودنش پیدا کند (حکم حیض را دارد). امام (مسئله 438) گلیپایگانی (مسئله 444)

2\_ و اگر نشانه های حیض را نداشته باشد حیض نیست. گلیپایگانی (مسئله 444)

ص: 27

---

1- گلیپایگانی: بنا بر احتیاط لازم در روزهایی که خون می بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض و در روزهایی که خون نمی بیند هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و هم عبادتهای خود را بجا آورد. (مسئله 447)

2- گلیپایگانی: اگر نشانه های حیض را داشته باشد حیض است و معلوم م شود که نه سال او تمام شده است. (مسئله 444)

4\_ یائسه: زندهای یائسه خون حیض نمی بینند. امام (مسئله 435) گلیپاگانی (مسئله 441)

زنی که شک دارد یائسه شده یانه :

اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه باید بنا بگذارد که یائسه نشده است. امام (مسئله 439) گلیپاگانی (مسئله 445)

### خصوصیات سه روز

1\_ منظور سه روز اول حیض است.

2\_ باید آن سه روز استمرار داشته باشد و لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید بلکه اگر در فرج خون باشد کافی است و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود و مدت پاک شدن بقدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج خون بوده باز هم حیض است.

(1)

امام (مسئله 442 و عروة الوثقی، ج 1، ص 319، مسئله 6) گلیپاگانی (مسئله 448)

زنی که در سه روز پاک شود:

اگر سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود:

چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده، روی هم از ده روز بیشتر نشود، (2) روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است. امام (مسئله 444) گلیپاگانی (مسئله 450)

ص: 28

1- گلیپاگانی: لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید بلکه اگر خون در فرج باشد به نحوی که در این سه روز هر موقع پنبه یا انگشت داخل کند آلوده شود کافی است به شرط آنکه از اول مقداری خون بیرون آمده باش دهر چند کم باشد و فرق نمی کند که بخودی خود یا بوسیله پنبه و غیر آن بیرون آمده باشد و اگر بیرون نیامده و فقط در فضای فرج ریخته احتیاط آن است که تا خون بیرون نیامده هم عبادتهای خود را بجا آورد و هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و هرگاه در بین سه روز مختصری پاک شود که در باطن خون نباشد حکم به حیض بودن مشکل است ولی اگر مدت پاکی کم باشد احتیاط لازم آن است که بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نماید. (توضیح المسائل، مسئله 448 وسیلة النجاة، جزء اول، ص 55، مسئله 9)

2- گلیپاگانی: احتیاط آن است که در روزهای پاکی، عبادتهای خود را بجا آورد و آنچه را بر حائض حرام است ترک کند. (توضیح المسائل ، مسئله 450)

اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود

و بعد، سه روز خون ببیند، (1) خون دوم حیض است و خون اول اگر چه در روزهای عادتش باشد حیض نیست. امام (مسئله 449) گلپایگانی (مسئله 455)

### سه روز بیشتر و ده روز کمتر

اگر زن خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد: سه روز بیشتر و ده روز کمتر

1\_ اگر بداند حیض است باید به وظیفه حائض عمل کند.

2\_ اگر نداند حیض است یا زخم:

واجب است خود را آزمایش کند اگر از طرف چپ بیرون آید حیض است و گرنه خون زخم است، و با تعذر آزمایش:

1\_ اگر قبلاً حیض بوده الان هم حیض

2\_ و اگر قبلاً پاک بوده الان هم پاک

3\_ و چنانچه نمیداند پاک بوده یا حیض، همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و همه عبادات را بجا آورد.

امام (رساله عملیه مسئله 446 و تحریر الوسيله، ج 1، ص 41)

گلپایگانی (وسيلة النجاة، ج 1، ص 55، مسئله 7)

ص: 29

---

1- گلپایگانی: و مجموع خون اول و دوم و پاکی در بین، از ده روز بیشتر نباشد، خون دوم را حیض قرار دهد و در خون اول احتیاط آن است که جمع کند، بین کارهای مستحاضه و ترک آنچه بر حائض، حرام است و در پاکی در بین کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و عبادتهای خود را بجا آورد. (مسئله 445)

زنی که پیش از ده روز پاک شده:

1\_ اگر احتمال دهد خون در باطن هست، باید خود را واریسی کند، پس اگر معلوم شد پاک است (یا از اول یقین داشت که پاک است).

1\_1 باید برای عبادت‌های خود غسل کند هر چند گمان داشته که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند.

1\_2 ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند باید به احکام حائض عمل کند. امام (مسئله 505)

\* گلبایگانی: احتیاطاً غسل کند و در پاکی در بین عبادت‌های خود را بجا آورد و آنچه را که بر حائض حرام است ترک نماید. (مسئله 511)

2\_ اگر بداند که در باطن خون هست یا احتمال دهد و پس از واریسی معلوم شود که خون هست اگرچه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد.

1\_2 اگر در حیض عادت مشخص ندارد

2\_2 یا عادت او ده روز است

باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شد باید غسل کند و اگر سر ده روز پاک شد یا خون او از ده روز سر ده روز غسل کند.

2\_3 و اگر عادتش کمتر از ده روز است.

صفحة بعد

ص: 30

1\_ اگر احتمال دهد خون او از ده روز می گذرد احتیاط واجب آن است که تا یک روز (گلپایگانی: بعد از عادت یک روز یا دو روز) عبادت را ترک کند (گلپایگانی: یا جمع کند بین ترک حائض و اعمال مستحاضه) و بعد از آن تا ده روز می تواند عبادت را ترک کند ولی بهتر است که تا ده روز کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای استحاضه را انجام دهد (گلپایگانی: و بعد از آن دو روز، تا روز دهم جمع کند بین ترک حائض و اعمال مستحاضه).

2\_ و در صورتی که بداند پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز پاک می شود. (نباید غسل کند).

پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز پاک شد تمامش حیض است.

و اگر از ده روز گذشت باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادتهائی را که بعد از روزهای عادت بجا نیاورده قضاء نماید.

امام (مسئله 506 و 505)

گلپایگانی (مسئله 512 و 511)

ص: 31

اگر زنی در اصل خون شک کرد:

1\_ اگر شک کرد که اصلاً چیزی از رحم خارج شده یا نه؟

2\_ اگر می داند چیزی بیرون آمده ولی نداند که خون است یا چیز دیگر؟

در این دو صورت پاک است.

3\_ می داند چیزی که خارج شده حیض است چند قسم می شود:

3\_1 از رحم یا غیر آن: یعنی نمی داند از رحم خارج شده یا از غیر رحم، خون نجس می باشد ولی غسل ندارد

امام (تحریر الوسیله ج 1، ص 45 مسئله 4 و عروة الوثقی ج 1، ص 317، مسئله 5)

گلپایگانی (وسيلة النجاة ج 1، ص 54، مسئله 4)

3\_2 شک بین حیض و نفاس: اگر شک کند که خون حیض است یا نفاس، چنانچه شرائط حیض را داشته باشد باید حیض قرار دهد. (1)

امام (مسئله 447) گلپایگانی (مسئله 453)

3\_3 شک بین حیض و بگارت: اگر شک کند که خون حیض است یا بگارت باید خود را با مقداری پنبه واریسی نماید اگر اطراف آن آلوده

باشد خون بگارت است و اگر به همه آن رسیده حیض می باشد. امام (مسئله 448) گلپایگانی (مسئله 454)

3\_4 شک بین حیض و استحاضه:

3\_4\_1 اگر از ده روز بیشتر نشود همه حیض است.

3\_4\_2 اگر از ده روز بیشتر بشود فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده حیض است و خونی که پیش از آن و بعد از آن دیده

استحاضه است.

امام (مسئله 481 و 486 و عروة الوثقی، ج 1، ص 317، مسئله 5)

گلپایگانی (مسئله 487)

ص: 32

---

1- گلپایگانی: اگر خون ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس بر احکام حیض و نفاس عمل کند و غسل را به قصد مافی الذمه

از حیض یا نفاس بجا آورد (مسئله 453)

5\_ شک بین حیض، دمل و جراحت:

5\_1 اگر ممکن است به این صورت واریسی کند: مقداری پنبه داخل کند و بیرون آورد پس اگر:

5\_1\_1 خون از طرف چپ بیرون بیرون آید حیض است.

5\_1\_2 وگرنه خون دمل است .

5\_2 و چنانچه ممکن نباشد واریسی کند:

5\_2\_1 در صورتی که میداند خون سابق حیض بوده حیض قرار دهد.

5\_2\_2 و اگر دمل بوده خون دمل قرار دهد.

5\_2\_3 و اگر نمی داند حیض بوده یا دمل باید جمع کند بین عبادات و تروک حائض. (1)

امام (مسئله 445 و تحریر ج 1، ص 46، مسئله 5)

ص: 33

---

1- اگر در ایام عادت خونی ببیند: 1\_ که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل و زخم است یا خون حیض باید آن را حیض قرار دهد. 2\_ اگر صاحب عادت وقتیه در ایام عادت خونی ببیند که نداند خون زخم است یا حیض باید آن را حیض قرار دهد. (گلپایگانی (451 و 452)



اصولاً زنها قبل از آنکه ایام قاعدگی ورگل شدن آنها برسد غالباً متوجه می شوند لکن تا خون حیض نبینند نمی توانند عبادات را ترک نموده و در صورتی که تخلف نمایند و قبل از دیدن خون عباداتی مثل نماز را ترک کنند هیچ عذری در پیشگاه خدا نخواهند داشت.

مواقعی که ممکن است زن حائض شود چند صورت دارد.

1\_ قبل از نماز: (هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می شود باید فوراً نماز بخواند). امام (مسئله 470) گلپایگانی (مسئله 476)

2\_ بعد از نماز: مسلم نمازی را که خوانده صحیح بوده.

3\_ در بین نماز: اگر زن در بین نماز خون ببیند یکی از دو صورت ممکن است باشد.

3\_1 ( اگر قطع پیدا کند به حیض) نماز او باطل است.

امام (مسئله 464)

گلپایگانی (مسئله 469)

3\_2 اگر شک کند که حائض شده یا نه نماز او صحیح است ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

امام (مسئله 465)

گلپایگانی (مسئله 470 و 471)

دو مسئله قابل توجه:

- 1\_ اگر زن چند روز را حیض قرار دهد و بعد بفهمد حیض نبوده باید نماز و روزه ای را که در آن روزها بجا نیاورده قضا نماید.
- 2\_ و اگر چند روز را بگمان اینکه حیض نیست عبادت کند بعد بفهمد حیض بوده چنانچه آن روزها را روزه گرفته باید قضا نماید.

امام (مسئله 507) گلپایگانی (مسئله 513)

## تکالیف زن حائض

### 1\_ محرمات

چند چیز بر زن حائض حرام است:

- 1\_ عباداتی که شرط آنها طهارت است.
- 2\_ تمام چیزهایی که بر جنب حرام است:
- 2\_1 رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و همچنین بنا بر احتیاط واجب اسن پیامبران و امامان (علیهم السلام). (1)

2\_2 رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر (صلی الله علیه وآله) مطلقاً

2\_3 توقف در مساجد دیگر. (2)

2\_4 گذاشتن چیزی در مسجد. (3)

3\_ جماع کردن امام (مسئله 450) گلپایگانی (مسئله 456)

(البته غیر از جماع، سایر لذتها حلال است)

ص: 35

---

1- گلپایگانی: و حضرت زهرا (علیها السلام)

2- ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد و احتیاط واجب نرفتن در حرم ائمه علیهم السلام است اگر چه از یک در وارد و از در دیگر خارج شود. (توضیح المسائل، اعمالیکه بر جنب حرام است)

3- گلپایگانی: بلکه بنا بر احتیاط لازم از خارج هم چیزی در مسجد نگذارد

5\_ خواندن سوره ای (1) که سجده واجب دارد و لو یک حرف از آن.

1\_ الم تبزیل

2\_ حم سجده

3\_ نجم

4\_ اقرء

(تذکر)

وطی (نزدیکی) کردن در دُبُر (عقب) زن حائض کراهت دارد البته کفاره ندارد و احتیاط مستحب آن است که وطی نکند. (2)

امام (مسئله 453 و تحریر، ج 1، ص 52 القول في احكام الحائض)

گلپایگانی (مسئله 456 \_ سوم)

توجه: جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است.

امام (مسئله 451) گلپایگانی (مسئله 457)

(بحث کفاره در صفحه 44 مفصل ذکر می شود.)

2\_ مکروهات

کارهایی که برای زن حائض مکروه است:

1\_ خواندن قرآن امام (عروة الوثقی، ج 1، ص 349، مسئله 42)

2\_ همراه داشتن قرآن

3\_ رساندن جایی از بدن به حاشیه و مابین خطهای قرآن.

4\_ خضاب کردن امام (مسئله 477) گلپایگانی (مسئله 483)

ضمناً: بودن زن حائض نزد محتضر مکروه می باشد.

امام (مسئله 540) گلپایگانی (مسئله 546)

3\_ مستحبات

آنچه برای زن حائض مستحب است:

1\_ مستحب است زن حائض در وقت نماز خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند.

ص: 36

- 
- 1- گلبایگانی : و اما الوطی فی دبرها فلاحوط اجتنابه \_ واحتیاط واجب آن است که در دبر و طی نکند (وسیلة النجاة، ج 1، ص 61)
- 2- گلبایگانی : و اما الوطی فی دبرها فلاحوط اجتنابه \_ واحتیاط واجب آن است که در دبر و طی نکند (وسیلة النجاة، ج 1، ص 61)

2\_ و وضو بگیرد و اگر نمی تواند تیمم نماید.

3\_ و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود. (امام (مسئله 476) گلیپایگانی (مسئله 482)

4\_ قرائت قرآن در وقت نماز

و بهتر این است که تسبیحات اربعه را اختیار کند.

(عروة الوثقی، ج 1، ص 348، مسئله 41)

5\_ غسلهای مستحب مثل غسل جمعه و احرام و توبه و نظیر آنها برای زن حائض مستحب است. وضوهای مستحب هم مستحب است.

(عروة الوثقی، ج 1، ص 349، مسئله 43)

4\_ واجبات

تکلیف زن بعد از پاک شدن:

1\_ از نظر طهارت غسل\_ وضو

1\_1 باید غسل کند و برای عبادات وضو هم بگیرد و نماز بخواند.

امام (مسئله 466) گلیپایگانی (مسئله 472)

توضیح: اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد (1) (بنابر احتیاط واجب) باید غسل کند و بدل از وضو تیمم نماید.

\* اگر آب فقط برای وضو کافی باشد باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید.

و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد باید بدل از هر دو تیمم نماید. امام (مسئله 468) گلیپایگانی (مسئله 474)

1\_2 اگر به اندازه غسل و وضو وقت ندارد که یک رکعت آن را هم در وقت بخواند نماز بر او واجب نیست.

امام (مسئله 473)

گلیپایگانی (مسئله 478)

1\_3 اگر به اندازه غسل و وضو وقت ندارد، ولی می تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند، نماز بر او واجب نیست.

امام (مسئله 473) گلیپایگانی (مسئله 479)

1- گلپایگانی: باید غسل کند

4\_ اما اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمم است باید نماز بخواند.

5\_ اگر شک دارد که برای نماز وقت دارد باید نمازش را بخواند. امام (مسئله 474) گلیپایگانی (مسئله 480)

2\_ عبادات دیگر روزه و نماز

2\_1 روزه های واجب را باید قضا کند. امام (مسئله 469)

2\_2 اگر زن نماز را بتأخیر بیاندازد و حائض شود قضای آن نماز بر او واجب است. (1)

2\_3 اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود باید (2) نماز را (بخواند اگر چه یک رکعت از نماز را با طهارت در وقت درک کند) و اگر نخواند باید قضای آنرا بجا آورد.

امام (مسئله 472) گلیپایگانی (مسئله 478)

2\_4 اگر به خیال اینکه به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته باید قضای آن نماز را بجا آورد. امام (مسئله 475) گلیپایگانی (مسئله 481)

دو مسئله قابل توجه:

1\_ مقصود از یک ماه از ابتدای خون دیدن است تاسی روز، نه از روز اول ماه تا آخر ماه. امام (مسئله 502) گلیپایگانی (مسئله 508)

2\_ اگر زن بگوید حائضم یا از حیض پاک شده ام باید حرف او را قبول کرد. امام (مسئله 463) گلیپایگانی (مسئله 468)

ص: 38

---

1- گلیپایگانی: بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن نماز را بجا آورد (توضیح المسائل مسئله 477)

2- گلیپایگانی: بلکه اگر فقط به اندازه یک رکعت نماز با طهارت از حدث وقت داشته باشد احتیاط لازم خواندن نماز با طهارت است اگر چه بقدر تهیه سایر مقدمات وقت نداشته باشد و اگر نخواند قضاء آن را بجا آورد. (مسئله 478)

کفاره جماع در حال حیض:

1\_ یک کفاره واجب می شود:

1\_1 اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود بنابر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

امام (مسئله 459)

2\_1 اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی بگمان اینکه عیال خود اوست جماع نماید احتیاط واجب آن است که کفاره

بدهد. (2) امام (مسئله 406)

\* اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسم تقسیم شود:

1\_ اگر مرد در قسمت اول آن با زن خود جماع کند و بداند که حائض و حرام است، بنابر احتیاط واجب باید 18 نخود طلا کفاره بدهد. و

در صورت ندانستن حرمت از روی تقصیر و کوتاهی بنابر احتیاط واجب باید کفاره بدهد. (3)

امام (مسئله 452) امام (تحریر، القول من احکام الحائض)

گلیپایگانی (مسئله 458)

2\_ اگر در قسمت دوم جماع کند 9 نخود.

مراد از قسمت اول سه روز اول حیض و قسمت دوم سه روز دوم و قسمت آخر سه روز آخر است.

امام (تحریر الوسیله ج 1، ص 53 مسئله 3)

گلیپایگانی (وسیله النجاة ج 1، ص 61 مسئله 3)

ص: 39

---

1- «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أذى فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ» راجع به دوران قاعدگی از تو می پرسند بگو: آن (موجب) یک نوع آزار و رنجی است از این رو در آن حال از زنان کنارگیری کنید و با آنان نزدیکی ننمایید تا آنگاه که پاک شوند. (سوره بقره آیه 222) آمیزش جنسی در ایام عادت علاوه بر آنکه تنفر آور است زیانهای فراوانی را بدنبال دارد زیرا مخاط رحم پر خون و دهان رحم باز و قدرت میکروبی در چنین حالی زیاد است و احتمال زخم شدن و بیماریها و عواقب خطرناکی را خواهد داشت (برای توضیح بیشتر به کتاب اسلام و تربیت ص 106 مراجعه شود.



2- گلبایگانی: احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد. (مسئله 465)

3- گلبایگانی: مستحب بلکه احوط است که هیچ‌ده نخود طلا کفاره بفقیر بدهد. (مسئله 458)

2\_ چند كفاره واجب می شود:

1\_2 اگر کسی در قسمت اول و دوم و سوم با زن خود جماع کند باید (1) هر سه كفاره را بدهد. امام (مسئله 456) گلیپایگانی (مسئله 458)

2\_2 اگر انسان بعد از آنکه در حال حیض جماع کرده و كفاره آن را داده دوباره جماع کند واجب (2) است یا ز هم كفاره بدهد. (تحریر الوسیله، ج 1، ص 53، مسئله 8)، امام (مسئله 457) گلیپایگانی (مسئله 462)

3\_ اگر در قسمت سوم جماع کند 4/5 نخود. امام (مسئله 452) گلیپایگانی (مسئله 458)

مثلاً: زنی که 6 روز خون حیض می بیند اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند بنا بر احتیاط واجب باید 18 نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم 9 نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید 4/5 نخود بدهد. امام (مسئله 452) گلیپایگانی (مسئله 458)

اگر بخواهد قیمت طلا بدهد:

1\_ باید قیمت طلای سکه دار بدهد. گلیپایگانی: بهتر آن است که طلای كفاره را سکه دار بدهد ولی اگر ممکن نباشد، قیمت آن کافی است. امام (مسئله 454) گلیپایگانی (مسئله 459)

2\_ باید قیمت وقتی را که می خواهد به فقیر بدهد حساب کند. امام (مسئله 455) گلیپایگانی (مسئله 460)

کسی که نمی تواند كفاه بدهد: بهتر آن است که صدقه ای به فقیر بدهد و اگر نمی تواند بنا بر احتیاط واجب باید استغفار کند و هر وقت توانست باید كفاره را بدهد. (3) امام (مسئله 461)

ص: 40

---

1- گلیپایگانی: مستحب بلکه احوط آن است که هر سه كفاره را ... بدهد. (مسئله 491)

2- گلیپایگانی: مستحب بلکه احوط آن است که كفاره بدهد. (مسئله 462)

3- گلیپایگانی: کسی که نمی تواند كفاره بدهد استغفار کند و هر وقت توانست احتیاط مستحب آن است که كفاره را بدهد. (مسئله 466)

## شناخت کلی از تمامی انواع زندهای حائض

زندهای حائض بر شش قسم تقسیم می شوند:

1\_ (صاحب عادت وقتیه و عددیه)، مثل اینکه در دو ماه پشت سر هم از اول تا هفتم خون ببیند.

2\_ (صاحب عادت وقتیه)، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه خون می بیند ولی ماه اول در روز هفتم و در ماه دوم روز هشتم از خون پاک می شود).

3\_ (صاحب عادت عددیه)، مثلاً اینکه ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون می بیند).

4\_ (مضطربه)، یعنی زنی که عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش بهم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده.

5\_ (مبتدئه)، یعنی زنی که دفعه اول است خون می بیند.

6\_ (ناسیه)، یعنی زنی که قبلاً عادت داشته لکن عادت خود را فراموش کرده. امام (مسئله 478) گلپایگانی (مسئله 484)

با توجه به اینکه زندهای صاحب عادت (وقتی و عددی) گاهی ممکن است کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز خون ببینند و یا مقداری زودتر یا دیرتر از زمان قاعدگی رگل شوند لذا موارد و انواع گوناگون و مختلف این مسئله و این دسته از بانوان بطور تفصیل ذکر می شود که هر خانمی بسادگی بتواند با مراجعه به این جدول از وضع و تکلیف خود مطلع گردد.

شکل و نوع مسئله:

1\_ زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و در وقت معین پاک شود.

حکم و تکلیف زن:

در این مدت معین حائض محسوب می شود.

شکل و نوع مسئله:

2\_ زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز معینی خونی می بیند که نشانه های حیض را دارد و بقیه نشانه های استحاضه را نیز دارد.

حکم و تکلیف زن:

در روزهای معین حیض و بقیه استحاضه می باشد.

شکل و نوع مسئله:

3\_ زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و در هر ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد.

حکم و تکلیف زن:

عادت او باندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است (و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده هر دو به یک اندازه باشد). مثلاً اگر در ماه اول روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و در ماه دوم بعد از آنکه سه روز خون دید سه روز یا کمتر یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از نه روز بیشتر نشود (1) همه حیض است و عادت این زن نه روز می شود.

ص: 42

---

1- گلیپایگانی: و در هر ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد که عادت او همان روزهایی است که بطور متفرقه خون دیده و در پاکی در بین، باید احتیاطاً عبادتهای خود را بجا آورد و آنچه را بر حائض حرام است ترک کند و اگر در روزهای

پاکی ماههای پیش، اتفاقاً خون ببیند، باید در آن روزها احتیاطاً جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض . (مسئله 485 قسمت سوم)

4\_ اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب تر خون ببیند به طوریکه بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون نشانه های حیض را حیض را نداشته باشد.

باید به احکامی که برای زن حائض گفته شده عمل کند و در صورت کشف خلاف عبادات را قضا نماید. امام (مسئله 480) گلپایگانی (مسئله 486)

5\_ اگر چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند.

روی هم از ده روز بیشتر نشود (همه حیض است)

6\_ اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند.

روی هم از ده روز بیشتر نشود (همه حیض است)

7\_ اگر همه روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند.

روی هم از ده روز بیشتر نشود (همه حیض است)

روی هم از ده روز بیشتر بشود.

فقط خونی را در روزهای عادت خود دیده حیض و بقیه استحاضه است (بنابراین باید عبادتهایی را که قبل از عادت و بعد از آن بجا نیاورده قضا نماید). امام (مسئله 481) گلپایگانی (مسئله 487)

8\_ اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند.

روی هم از ده روز بیشتر نشود (همه حیض است).

روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز پیش از آن که روی هم بمقدار عادت او شود حیض است و روزهای اول را استحاضه قرار دهد.

9\_ اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند.

روی هم از ده روز بیشتر نشود (همه حیض است).

باید روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز بعد از آنکه روی هم به مقدار عادت او بشود حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. امام (مسئله 482) گلپایگانی (مسئله 488)

10\_ اگر بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشد. (مثل آنکه پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند چند صورت دارد.)

1\_ تمام خونی که دفعه اول دیده یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می بیند در روزهای عادت نباشد که باید همه خون اول را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

ص: 43

2\_ خون اول در روزهای عادت نباشد و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد که (باید همه خون دوم را حیض و خون اول را استحاضه قرار دهد).

3\_ مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد و خون اولی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده (1) از ده روز بیشتر نباشد. (که در این صورت همه آنها حیض است) و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است. (مثلاً اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند از سوم تا دهم حیض است و از اول تا سوم و همچنین از دهم تا پانزدهم استحاضه می باشد).

4 - مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد ولی (2) خون اولی که در روزهای

ص: 44

---

1- گلبایگانی: و خون اولی که در روزهای عادت بوده از ده روز بیشتر نباشد که در این صورت اگر یک روز یا دو روز خون زودتر دیده باشد احتیاط آن است که در این دو روز آنچه را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای مستحاضه را بجا آورد و همچنین به مقدار آن از ایام عادت را در آخر ده روز احتیاط بنماید و مقداری از خون اول را که در عادت بوده با مقداری از خون دوم را که در عادت بوده حیض قرار دهد و در پاکی در بین احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و عبادتهای خود را بجا آورد. (مسئله 489)

2- ولی هر یک از خون اولی و دومی ... (گلبایگانی مسئله 489)



عادت بوده از سه روز کمتر باشد که باید در تمام دو خون و پاکی وسط کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای استحاضه را بجا آورد. امام (مسئله 483)، گلیپاگانی (مسئله 489)

چند مسئله دیگر در مورد زندهای صاحب عادت وقتیه و عددیه:

صورت مسئله:

1\_ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر در وقت عادت خود خون ببیند ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و بعد از پاک شدن دوباره به شماره روزهای عادت که داشته خون ببیند.

تکلیف و حکم

باید (1) در هر دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای استحاضه را بجا آورد. امام (مسئله 485) گلیپاگانی (مسئله 491)

2\_ زنی که در حیض عادت دارد:

چه در وقت، یا هم در وقت و هم در عدد، یا عدد

اگر دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن یا شماره روزهای آن یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد.

تکلیف و حکم:

عادتش بر می گردد به آنچه در این دو ماه دیده است. امام (مسئله 501) گلیپاگانی (مسئله 507)

3\_ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش (2) خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد چه پیش از وقت عادت دیده باشد چه بعد از آن. امام (مسئله 484) گلیپاگانی (مسئله 490)

ص: 45

---

1- گلیپاگانی: باید آنچه را در وقت دیده حیض قرار دهد و اگر شماره روزهایش کمتر باشد اگر ممکن است کسری عدد را از آنچه بعد از عادت دیده تمام نماید و در مابقی عمل مستحاضه نماید اگر از ده روز تجاوز کند و اگر تجاوز نکند تمام روزهایی را که خون دیده حیض قرار دهد و در پاکی در بین احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و انجام عبادتهای خود. (مسئله 491)

2- گلیپاگانی با صفات حیض (مسئله 490)

این چند دسته باید روز اول ماه را روز اول حیض خود قرار دهند.

1\_ زنی که دو ماه پشت سر هم روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود.

2\_ زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه های حیض را دارد و بقیه خونهای او نشانه استحاضه را دارد.

مثلاً در ماه اول از اول ماه تا هفتم و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم خون او نشانه های حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد.

3\_ زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد.

(مثلاً) در ماه اول هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد. امام (مسئله 487) گلپایگانی (مسئله 493)

صاحب عادت وقتی که اگر نتواند حیض را بواسطه نشانه های آن تشخیص دهد:

1\_ خویشاوند ندارد: در این صورت باید هفت روز ایام عادتش را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد امام (مسئله 491) گلبایگانی (مسئله 497)

2\_ خویشاوند دارد:

1\_2 چنانچه روزهای حیض آنان مساوی باشد باید مقدار عادت آنان را حیض قرار دهد.

2\_2 اگر روزهای حیض آنان مساوی نیست دو قسم دارد:

الف: اکثریت یکسان است در این صورت عادت اکثریت آنان را عادت خود قرار دهد.

ب: اکثریت یکسان نیست اگر شماره عادت خویشاوندان او مثل هم نباشد باید در هر ماه از روزی که خون می بیند تا (1) هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. امام (مسئله 489 و 491)

(توجه) زنی که عادت وقتی دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می دهد (باید روزی را که در هر ماه، اول عادت او بوده، اول حیض خود قرار دهد) مثلاً زنی که هر ماه روز اول ماه خون می دیده و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می شده چنانچه یک ماه دوازده روز خون ببیند و عادت خویشان او هفت روز باشد (باید هفت روز اول ماه را حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.) امام (مسئله 490) گلبایگانی (مسئله 496)

ص: 47

---

1- گلبایگانی: باید در هر ماه از روزی که خون می بیند سه روز پاشش روز یا هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و احوط آن است که آنچه را ماه اول حیض قرار داد، در ماههای بعد هم همان مقدار را حیض قرار دهد. (مسئله 497)

1\_ زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه باشد: باید همان چند روز را عادت خود قرار دهد.

2\_ زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی که می بیند نشانهٔ حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد و در هر دو ماه یک اندازه است اما وقت آن یکی نیست:

در این صورت هر چند روزی که خون او نشانهٔ حیض دارد عادت او می شود، (مثلاً اگر یک ماه از اول تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم خون او نشانهٔ حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد شمارهٔ روزهای عادت او پنج روز می شود).

3\_ زنی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون، در ماه اول یا ماه دوم فرق داشته باشد. (این مسئله دو صورت پیدا می کند که هر کدام حکم جدائی دارد)

3\_1 جمعاً از ده روز بیشتر نشود:

اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و شمارهٔ روزهای آن هم به یک اندازه باشد (1) تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می شود و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر ماه به یک اندازه باشد. مثلاً اگر ماه اول

ص: 48

---

1- گلبایگانی: تمام روزهایی که بطور متفرق خون دیده عادت او می شود و در پاکی در بین، احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و بجا آوردن عبادتهای خود ولی اگر روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه نباشد تحقق عادت عددیه محل اشکال است و ترک نشود احتیاط به اینکه: در روزهای پاکی جمع بین وظیفه طاهر و حائض کند و در روزهایی که خون می بیند جمع بین وظیفه حائض و مستحاضه نماید. (مسئله 498)

از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود عادت او هشت روز می شود. امام (مسئله 492) گلپایگانی (مسئله 498)

3\_2 جمعاً از ده روز بیشتر شود:

3\_2\_1 اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز بیشتر شود چنانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. (1)

3\_2\_2 و اگر همه خونهایی که دیده یک جور نباشد بلکه چند روز از آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد. (چند صورت دارد):

3\_2\_2\_1 اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد با شماره روزهای عادت او یک اندازه است باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

3\_2\_2\_2 و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او بیشتر است فقط به اندازه روزهای عادت او حیض و بقیه استحاضه است.

3\_2\_2\_3 و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او کمتر است باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم باندازه روزهای عادتش شود حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. امام (مسئله 493) گلپایگانی (مسئله 499)

### مضطربه

(نامنظم): زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده. (و یا عادت داشته و بعداً بهم خورده).

ص: 49

---

1- گلپایگانی: می تواند به شماره روزهای عادتش را از اول یا وسط حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. (مسئله 499)

زن مضطربه هنگامی که خون ممکن است همه می بیند ممکن است جزء یکی از این چند قسم باشد.

1\_ اگر از سه روز بیشتر و از ده روز تجاوز نکند: در صورتی که نشانه حیض را داشته باشد حیض حساب می شود.

2\_ اگر از ده روز بیشتر شود چند صورت دارد:

ممکن است همه خونها یک جور باشد.

2\_1 جنانچه عادت خویشان او هفت روز است (باید هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد). (1)

2\_2\_1 واگر عادت خویشان او از هفت روز کمتر است مثلاً پنج روز است (باید همان را حیض قرار دهد و بنابر احتیاط واجب در تفاوت بین شماره عادت آنان و هفت روز که دو روز است جمع کند بین اعمال مستحاضه و تروک حائض).

2\_2\_3 واگر عادت خویشانش بیشتر از هفت روز است (باید هفت روز را حیض و بنابر این احتیاط واجب در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان جمع کند بین اعمال مستحاضه و تروک حائض). امام (مسئله 494) گلپایگانی (مسئله 500)

ص: 50

---

1- گلپایگانی: باید: 1\_ به عادت خویشان خود رجوع کند چه عادت آنان: هفت روز باشد، یا کمتر باشد، یا بیشتر باشد 2\_ و اگر خویشانش عادتتی ندارند 3\_ یا در عادت مختلف باشند در این دو صورت باید در هر ماه از روزی که خون می بیند سه روز یا هفت روز یا شش روز را به دستوری که در مسئله 497 همین کتاب گذشت حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. (مسئله 500)

2\_ ممکن است همه خونها یک جور نباشد

2\_1 چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز نباشد همه آن حیض است.

2\_2 و اگر خونی که نشانه حیض را دارد کمتر از سه روز باشد باید همان را حیض قرار دهد و تا هفت روز بقیه به دستوری که در مسئله قبل گفته شد رفتار نماید. (1)

2\_3 و اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که آن هم نشانه حیض را داشته باشد مثل اینکه پنج روز هفت روز بقیه به خون سیاه ببیند، و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند باید (2) خون اول را حیض قرار دهد و بقیه آن را تا هفت روز به دستوری که در مسئله قبل گفته شد رفتار نماید. امام (مسئله 495) گلپایگانی (مسئله 501)

مسئله: اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض را دارد بعد ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد دوباره سه روز خونی به نشانه های حیض ببیند باید خون اول و خون آخر را که نشانه های حیض داشته حیض قرار دهد. امام (مسئله 504) گلپایگانی (مسئله 510)

ص: 51

---

1- صفحه قبل و نیز: توضیح المسائل آية الله العظمی گلپایگانی، مسئله 500)

2- گلپایگانی: باید در هر دو خون که نشانه حیض دارد احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و بجا آوردن کارهای مستحاضه .. (مسئله 501)

یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست

زنهای مبتدئه به چند دسته تقسیم می شوند:

1\_ آن زنی که خون ببیند و نشانه های حیض در او باشد و از سه روز بیشتر و از ده روز تجاوز نکند: حکم حیض را دارد.

2\_ آن زنی که از ده روز بیشتر خون ببیند:

1\_2 اگر همه خونهایی که دیده یک جور باشد (باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد). امام (مسئله 496) گلپایگانی (مسئله 503)

2\_2 خونهایی که دیده اگر یک جور نباشد دو صورت دارد.

1\_2\_2 اگر بیشتر از ده روز خون ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد (باید گلپایگانی: باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد). (مسئله 504) از اولی که خون نشانه حیض دارد حیض قرار دهد و در عدد، رجوع به خویشاوندان خود کند و بقیه را استحاضه قرار دهد).

1\_2\_2 ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه داشته باشد. (مثل اینکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند) (1) باید از اول خون اول که نشانه حیض دارد حیض قرار دهد و در عدد، رجوع به خویشاوندان خود کند و بقیه را استحاضه قرار دهد. امام (مسئله 497) گلپایگانی (مسئله 503)

ص: 52

---

1- گلپایگانی: باید در هر دو خون که نشانه حیض دارد احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و انجام کارهای مستحاضه. (مسئله

503)



یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است:

اگر بیشتر از ده روز خون ببیند باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد تا ده روز حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه قرار دهد.

و اگر نتواند حیض را بواسطه نشانه های آن تشخیص دهد (1) در صورتی که خویشانی نداشته باشد که عادتشان یک جور باشد. بنابر احتیاط واجب باید هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر خویشانی داشته باشد باید به عدد ایام عادت خویشان خود حیض قرار دهد. امام (مسئله 499 و تحریر الوسیله، ج 1، ص 45) گلپایگانی (مسئله 505)

احکام مشترک مبتدئه و مضطر به و ناسیه و زنی که عادت عددیه دارد.

اگر خونی ببیند:

1\_ اگر خونی ببیند که نشانه های حیض داشته باشد یا یقین کند که سه روز طول می کشد (باید عبادت را ترک کنند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده باید عبادتهایی را که بجا نیاورده اند قضاء نمایند).

2\_ ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می کشد و نشانه های حیض را هم نداشته باشد (بنابر احتیاط واجب باید تا سه روز کارهای استحاضه را بجا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند (2) و چنانچه پیش از سه روز پاک نشدند باید آن را حیض قرار دهند). امام (مسئله 500) گلپایگانی (مسئله 506)

ص: 53

1- گلپایگانی: باید سه روز پاشش روز یا هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اختیار اول بنابر احتیاط است و اقوی تخییر بین سه عدد است مطلقاً یعنی مقید به اول نیست. (مسئله 505)

2- گلپایگانی: اگر چه تا ده روز طول بکشد. (مسئله 509)

از وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید (هنگام زائیدن) هر خونی که زن می بیند اگر پیش از ده روز یا سرده روز قطع شود خون نفاس است و زن را در حال نفاس نفساء می گویند.

خونی که زن در ایام زائیدن می بیند:

1\_ قبل از زائیدن

2\_ بعد از ده روز

نفاس نیست.

3\_ در اولین هنگام که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید (هرخونی بیاید نفاس است).

4\_ ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید ولی بیشتر از ده روز نمی شود. امام (مسئله 511) گلپایگانی (مسئله 517)

5\_ اگر خون بسته ای از رحم خارج شود: و معلوم شود که اگر در رحم می ماند انسان میشد خونی که این زن تا ده روز می بیند نفاس است. امام (مسئله 510) گلپایگانی (مسئله 516)

زنی که شک دارد چیزی سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می ماند انسان می شد یا نه: خونی که از او خارج می شود نفاس نیست. امام (مسئله 512) گلپایگانی (مسئله 518)

اگر زن نفساء بیشتر از ده روز خون دید:

1\_ یا در حیض عادت معینی داشته:

1\_1 بعد از زائیدن همان روزهای عادت را نفاس و بقیه را استحاضه حساب کند. امام (مسئله 517) گلپایگانی (مسئله 523)

1\_2 و اگر بعد از زائیدن تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه پی در پی خون ببیند به اندازه روزهای عادت او نفاس است و ده روز بعد استحاضه است. اگر چه در روزهای عادت ماهانه اش باشد.

مثلاً: زنی که عادت حیض او از بیستم هر بیست و هفتم آن است اگر روز دهم ماه زایید و تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون دید تا روز هفدهم نفاس، و از روز هفدهم تا ده روز حتی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می بیند استحاضه می باشد و بعد از گذشتن ده روز اگر خونی را که می بیند در روزهای عادتش باشد حیض است چه نشانه های حیض را داشته باشد یا نداشته باشد، و اگر در روزهای عادتش نباشد (1) اگر چه نشانه های حیض را داشته باشد باید آن را استحاضه قرار دهد. امام (مسئله 519) گلپایگانی (مسئله 525)

2\_ یا عادت معینی نداشته

1\_2 تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می باشد. امام (مسئله 517) گلپایگانی (مسئله 523)

مسئله: احتیاط مستحب آن است که کسی که عادت دارد از روز بعد از عادت و کسی که عادت ندارد بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند. امام (مسئله 517) گلپایگانی (مسئله 523)

ص: 55

---

1- گلپایگانی: ولی نشانه حیض داشته باشد و اگر بعد از گذشتن ده روز از نفاس در روزهایی که عادت حیض او نباشد، خونی ببیند که نشانه حیض نداشته باشد، باید احتیاطاً تا وقتی که ممکن است آن خون حیض باشد آنچه را بر حائض حرام است ترک کند و کارهای مستحاضه را بجا آورد. (مسئله 525)

2\_2 و اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه خون ببیند.

1\_2\_2 ده روز اول آن نفاس

2\_2\_2 و ده روز بعد عمل کند به وظیفه مستحاضه، اگر چه احتیاط تا هیجده روز جمع است بین وظیفه نفساء و مستحاضه و ترک سزاوار نیست. گلپایگانی (وسيلة النجاة، ج 1، ص 70، مسئله 2)

3\_2\_2 و خونی که بعد از آن می بیند. (1)

1\_3\_2\_2 اگر نشانه حیض را داشته باشد (حیض است)

2\_3\_2\_2 و اگر نشانه حیض را نداشته باشد اگر خویشانی دارد بعدد ایام آنها حیض قرار دهد و اگر ندارد باید هفت روز اول حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. امام (تحریر الوسیله، ج 1، ص 55) گلپایگانی (وسيلة النجاة، ج 1، ص 70)

تذکر: 1\_ اگر هنگام ولادت تا روز دهم خون نبیند ولی روز یازدهم خون ببیند و یا اصلاً خون نبیند آن خون نفاس نیست. (تحریر الوسیله، ج 1، ص 61) وسیلة النجاة، ج 1، ص 69

تذکر: 2\_ خون نفاس بیشتر از ده روز نمی شود و ابتداء حساب کردن بعد از بدنیا آمدن بچه است. (تحریر الوسیله، ج 1، ص 61) وسیلة النجاة، ج 1، ص 69

احکام بعد از زایمان: آنچه بر حائض حرام و واجب و مستحب و مکروه بود بر زن نفساء هم هست. امام (تحریر الوسیله، ج 1، ص 62، مسئله 6) گلپایگانی (وسيلة النجاة، ج 1، ص 70، مسئله 5)

ص: 56

---

1- گلپایگانی: (و بعد از گذشتن ده روز دوم) اگر خونی را که می بیند در روزهای عادتش باشد حیض است چه نشانه حیض داشته باشد یا نداشته باشد. و هم همچنین است اگر در روزهای عادتش نباشد ولی نشانه حیض داشته باشد و اگر بعد از گذشتن ده روز از نفاس در روزهایی که عادت حیض او نباشد خونی ببیند که نشانه حیض نداشته باشد باید احتیاطاً تا وقتی که ممکن است آن خون حیض باشد آنچه را بر حائض حرام است ترک کند و کارهای مستحاضه را بجا آورد. (توضیح المسائل، مسئله 525)

چیزهایی که بر نفساء حرام است:

## احکام و وظایف زن نفساء

1\_ در حال نفاس:

1\_1 توقف در مساجد. (عروة الوثقی، ج 1، ص 364، مسئله 10)

2\_1 رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم اگر چه از یک در داخل و از دیگر خارج شود.

3\_1 گذاشتن چیزی در مسجد.

4\_1 رساندن جایی از بدن را به خط قرآن یا به اسم خدا و بنا بر احتیاط و وظایف واجب به اسم پیامبران و امامان علیه السلام.

5\_1 خواندن سوره هایی که سجده واجب دارد. (1)

6\_1 جماع (نزدیکی) کردن و اگر جماع کرد بنا بر احتیاط واجب کفاره دارد. (2)

امام (مسئله 514) گلپایگانی (مسئله 520)

7\_1 عبادتهایی که مانند نماز با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود. امام (مسئله 513) گلپایگانی (مسئله 519)

توجه: طلاق دادن زن هم در حال نفاس باطل می باشد. امام (مسئله 514) گلپایگانی (مسئله 530)

کارهایی که باید انجام دهد:

2\_ وقتی در ظاهر پاک شد: اگر احتمال دهد که در باطن خون هست باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند که اگر پاک است

برای عبادتهای خود غسل کند. امام (مسئله 516) گلپایگانی (مسئله 522)

3\_ وقتی پاک شد:

3\_1 باید غسل کند (به نیت غسل نفاس).

3\_2 عبادتهای خور را بجا آورد.

3\_3 اگر دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که خون دیده با

ص: 57

1- گلپایگانی: خواندن آیه هائی که سجده واجب دارند. (مسئله 520)

2- گلپایگانی: بنابر احتیاط مستحب کفاره دارد. (مسئله 520)

روزهایی که در وسط پاک بوده روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، تمام آن نفاس است و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باید قضا نماید. (1) امام (مسئله 515) گلپایگانی (مسئله 512)

3\_4 اگر نفساء روزه از او قضاء شده بعداً باید قضای روزه ها را بگیرد. (عروة الوثقی، ج 1، ص 364)

به دو حدیث توجه فرمائید:

1\_ پیامبر (ص) فرمود:

از آن هنگامی که زن آبستن می شود سپس وضع حمل می کند، آنگاه بچه راشیر می دهد تا از شیر خوردن باز گرفته شود در تمام این مدت زن همانند مردی است که در میدان جنگ جهاد می نماید، اگر در این مدت بمیرد درست به منزله یک شهید است. (2)

2\_ امام صادق (ع) از امام باقر (ع) نقل فرموده:

بدرستی که خداوند تبارک و تعالی قرار داد برای زن صبر ده مرد را (ده برابر مرد) پس هنگامی که زایمان نمود خداوند به اندازه ده برابر مرد دیگر صبر و استقامت او را زیاد می گرداند. (3)

### برخی از آداب فرزندداری

خوب است بانوان بدانند که در ایام بارداری و بعد از آن آدابی وجود دارد که عمل به آنها ثمره های شایان و نتایج قابل توجهی در بر خواهد داشت که در اینجا به مناسبت بحث نفاس به گوشه ای از آنها اجمالاً اشاره می شود:

1\_ قبل از زایمان

چون بدن انسان به انواع ویتامینها نیازمند است و زن باردار علاوه بر خود، حامل فرزند

ص: 58

---

1- گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب روزهایی را که خون دیده نفاس قرار دهد و در روزهایی که در بین پاک بوده آنچه را بر نفساء حرام است ترک کند و عبادت‌های خود را بجا آورد (مسئله 521)

2- مکارم الاخلاق، ج 1، ص 268

3- سفینه البحار، ج 2، ص 568

هم می باشد و طبیعتاً استخوان بندی و تغذیه بچه در شکم مادر با حکمت الهیه از همان غذایی که مادر استفاده می کند تأمین می گردد) عَدَاوَةٌ مِمَّا يَأْكُلُ أُمُّهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا يَشْرَبُ (1) و از سوی دیگر به دلیل تأثیر غذا در رحم و روح مادر باید توجه داشته باشد که اولاً لقمه ای که به دهان می گذارد حلال بوده و از غذاهای شبهه ناک خصوصاً در آن ایام جداً پرهیز نماید که بی توجهی به این امر قطعاً آثار سوء در بر خواهد داشت و شیطان هم از راه غذای حرام در انعقاد نطفه شرکت می کند، ثانیاً از غذاهایی که پروتئین فراوان دارد مانند گوشت گوسفند، ماهی، مرغ، تخم مرغ، پنیر و بطور کلی حبوبات و کلسیم که برای ساخته شدن استخوان لازم بوده و در شیر بیشتر وجود دارد یا آهن که برای رفع کم خونی در گوشت و جگر و سبزیها (خصوصاً اسفناج) و سیب زمینی و عدس و لوبیا و بادام و فندق هست استفاده کند که تجربه نشان داده در رشد و نمو جنین و سلامتی مادر و لطافت جسمی طفل تأثیر مثبت خواهد داشت و علاوه اثر روحی هم دارد، مادر در هنگام آبستنی اگر از غذاهای مقوی مثل سیب و خرما استفاده کند در شکیبایی و شجاعت فرزند مؤثر خواهد بود و در روایاتی اشاره شده خوردن «به» - خصوصاً صبح ناشتا - فرزند را خوشبو و زیبا می نماید و مایه قوت قلب و روشنائی ضمیر می باشد، و همچنین مکیدن کُندر موجب ازدیاد عقل و قوه حافظه و شجاعت طفل می گردد، و سفارش شده در همان ماهی که وضع حمل می کند خرما بخورد که فرزند را بردبار و پرهیزگار خواهد نمود. (2) (بدیهی است برای زن آبستن افراط در خوردن از هر نوعی که باشد ممنوع است). گذشته از همه اینها آن حالات روحی مادر از اهمیت بیشتری برخوردار است، بطور مثال اگر چه فکر گناه، گناه محسوب نمی شود ولی زن آبستن در ایامی که بچه در شکم دارد اگر فکر گناه بکند مسلماً در قلب و روح جنین اثر سوء خواهد داشت و اگر نطفه فرزند در

ص: 59

---

1- بحار، ج 60، ص 342، حدیث (23)

2- مکارم الاخلاق، ص 87 - حلیة المتّقین، ص 82 - فروع کافی، ج 6، ص 23 و 24 و کتابهای نظیر طب و بهداشت، ص 32 و طب الصادق (ع)



حالی بسته شود که پدر یا مادر در فکر گناه باشند روی فرزند تأثیر می گذارد و نیز طبق اصل محاکاة مجالست با افراد بی تقوی و فاسد الاخلاق انعکاس روحی خواهد داشت. در پایان این قسمت دو نکته دیگر قابل توجه است اولاً سفارش اکید شده با شکم پر مجامعت نشود و در آخر شب برای حفظ صحت بدن بهتر است و از جهت تولید فرزند آسان تر و کودک را با هوش تر تحویل خواهد داد و ثانیاً در ایام عادت زنانه که مقاربت حرام است از عمل زناشویی کاملاً اجتناب نماید.

## 2\_ بعد از زایمان

مادر سعی کند پس از تولد و سپاسگذاری پرودگار متعال، اولاً برای تغذیه طفل از شیر خود استفاده کند که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که: «نافع ترین و مبارک ترین شیرها برای فرزند، شیر مادر است» (1) و مشهور بین علما هم آن است که زیادتر از دو سال و کمتر از بیست و یک ماه شیر ندهد. ثانی به سر پرست طفلی که محروم از شیر مادر است فرض است که در مورد دایه و کسی که او را شیر می دهد کاملاً توجه نماید که دایه ای را انتخاب کند که پاکدامن و با ایمان و دارای اخلاق حسنه و اصیل باشد و بچه عزیز خویش را برای شیر دادن به هر زنی واگذار نکند، بد نیست به این داستان تکان دهنده توجه فرمایید:

مرحوم آیه الله شیخ فضل الله نوری چند روز قبل از شهادت خود هنگامی که در زندان توسط شخصی از وی سؤال شد چرا فرزند شما لاابالی و علیه شما اقدام می کند؟ فرمود: «این موضوع را از قبل می دانستم این فرزند در نجف بدنیا آمد و در آن هنگام مادرش شیر نداشت لذا مجبور شدم برای شیر دادن بچه زنی را در نظر بگیریم بعد از مدت زیادی که این کودک از شیر آن زن خورد ناگاه متوجه شدیم که آن زن لاابالی و دشمن علی (علیه السلام) است».

فرزندی که از این شیر بعمل آمد هنگامی که پدر را پای چوب دار بردند خوشحالی می کرد و پای دار کف می زد. بنابر این باید متوجه بود که حتی ممکن است یک نوبت شیر

ص: 60

مسئله دیگر اینکه سعی شود در هنگام شیر دادن ذکر شریف «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را بگویند و نیز در آن هنگام مادر یا دایه با طهارت و با وضو باشد در مورد بزرگانی همچون مرحوم شیخ انصاری نوشته اند مادر ایشان در ایام بارداری همیشه با طهارت بوده و در دوسالی که فرزند را شیر می داد با وضو بود مطالب دیگری در این زمینه هست که از آن جمله می توانید به هفت دستوری که در آیه 233 سوره بقره آمده به تفسیر آن مراجعه فرمایید. ضمناً علاوه بر رعایت کردن توصیه های قبل از زایمان مانند اجتناب از غذای حرام و پرهیز از نشستن و برخاستن با افراد ناشایسته نباید غافل بود که هنگام آمیزش جنسی در معرض دید کودک خرد سال همخواهی و ملاحظه آثار بسیار سوئی در بر خواهد داشت و زن و شوهر چنین حقی را ندارند و اگر چنین کنند و فرزند آنها زناکار بار آید باید تنها خود را سرزنش و ملامت کنند.

دو نکته دیگر هم بسیار قابل توجه است: یکی مسئله نامگذاری فرزند است که باید نام نیکو برای او انتخاب شود و دیگر موضوع عقیده کردن برای بچه می باشد که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «كُلُّ مَوْلُودٍ مُّرْتَهَنٌ بِالْعَقِیْقَةِ» هر فرزندی در گرو عقیده ای است که برای او می شود. (1)

ص: 61

قبل از زایمان:

1\_ استفاده از غذاهای حلال و اجتناب از غذای حرام و شبهه ناک.

2\_ اهمیت به غذاهای که بیشتر از ویتامینهای لازم برخوردار است.

3\_ خوردن کُندر

4\_ خوردن «به» و «سیب».

5\_ خوردن «خرما».

6\_ دوری از افرادی که دارای سوء اخلاق و ضعف ایمانند.

7\_ توجه به خدا و دور شدن از فکر گناه.

8\_ اجتناب شدید از عمل زناشویی وقتی که: شکم پر باشد، زن آلوده به خون باشد.

بعد از زایمان:

1\_ اجتناب شدید از عمل زناشویی وقتی که در معرض دید بچه باشد.

2\_ استفاده از شیر خود مادر.

3\_ در هنگام شیر دادن ذکر شریف بسم الله را بگوید.

4\_ در هنگام شیر دادن با طهارت و با وضو باشد.

5\_ عقیقه کردن برای بچه

6\_ نام گذاری خوب برای فرزند. (1)

ص: 62

## زنهایی که بخاطر بچه، روزه بر آنها واجب نیست

زنهایی که بخاطر بچه، روزه بر آنها واجب نیست:

1\_ روزه برای حملش ضرر دارد.

2\_ روزه برای خودش ضرر دارد.

3\_ روزه برای بچه اش که شیر می دهد ضرر دارد.

(تذکر) در هر سه صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید. (1) و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهند.

## وظیفه زن بعد از پاک شدن از حیض و نفاس

1\_ اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند و تا اذان غسل نکند و در تنگی وقت تیمم هم نکند روزه اش باطل است.

ولی چنانچه کوتاهی نکند (مثلاً منتظر باشد که حمام زنانه شود) اگر چه سه مرتبه بخواند و تا اذان غسل نکند (گلیپایگانی: و در تنگی وقت تیمم کند یا از تیمم هم عاجز باشد) در صورتی که تیمم کند روزه او باطل است. امام (مسئله 1642) گلیپایگانی (مسئله 1651)

2\_ اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد چنانچه بخواد روزه رمضان یا قضای آن را بگیرد (با تیمم روزه اش صحیح است) و لازم نیست تا صبح بیدار بماند. (2) امام (مسئله 1638) گلیپایگانی (مسئله 1647)

« البته اگر برای هیچ کدام از غسل و تیمم هم وقت نداشته باشد،

ص: 63

---

1- گلیپایگانی: ولی اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد یا برای بچه از پدر یا مادر بچه یا از کس دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، احتیاط. اجب آن است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد. (مسئله 1738)

2- گلیپایگانی: بنابر احتیاط تا اذان صبح بیدار بماند. (مسئله 1647)

یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده (روزه او صحیح است)». (1) البته در قضای روزه رمضان با سعه وقت محل اشکال است. (امام، مسئله 1639 و حاشیه عروة الوثقی) (گلیپایگانی، مسئله 1648)

3\_ اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک مغرب باشد (روزه او باطل است). امام (مسئله 1640) گلیپایگانی (مسئله 1649)

اگر غسل فراموش شود:

اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک روز یا چند روز یادش بیاید روزه هایی که گرفته (2) صحیح است. امام (مسئله 1641) گلیپایگانی (مسئله 1640)

## غسل

غسلهای واجب

1\_ غسل جنابت

2\_ غسل حیض

3\_ غسل نفاس

4\_ غسل استحاضه

5\_ غسل مسّ میّت

6\_ غسل میّت

7\_ غسلی که بواسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می شود.

ص: 64

---

1- گلیپایگانی و اگر روزه مستحب یا روزه ای باشد که مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست صحیح بودن آن اشکال دارد (مسئله 1948)

2- گلیپایگانی: روزه هایی را که گرفته اشکال دارد و احتیاط لازم آن است که قضای آنها را بگیرد (مسئله 1950)

غسل بر دو نوع است:

- 1\_ ترتیبی: در غسل ترتیبی باید، اول سر و گردن، بعد طرف راست و بعد طرف چپ و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا بواسطه ندانستن مسئله باین ترتیب غسل نکند غسل او باطل است. امام (مسئله 361 و تحریر الوسیله، ج 1، ص 40، مسئله 4) گلبایگانی (مسئله 367)
- 2\_ ارتماسی: در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرورود تا تمام بدن زیر آب رود غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود. (1) امام (مسئله 367) گلبایگانی (مسئله 373)

## جنابت

سبب جنابت:

1\_ جماع (آمیزش)

2\_ بیرون آمدن منی امام (مسئله 345) گلبایگانی (مسئله 351)

اختلام زن: زن هم مثل مرد محتلم می شود. (عروة الوثقی، ج 1، ص 283، مسئله 6)

رطوبت مشکوک: اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول، یاغیر اینها چنانچه این سه نشانه را داشته باشد منی است. (البته در مریض و زن اگر باشهوت تنها رطوبت خارج شود جنب است).

علائم جنابت:

1\_ با شهوت بیرون آمده 2\_ با جستن بیرون آمده 3\_ بعد از بیرون آمدن بدن سُست شود. امام مسئله (346) گلبایگانی (مسئله 352)

(توجه) کسی که غسل جنابت کرده نباید برای نماز وضو بگیرد ولی با غسلهای دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو گرفت. امام (مسئله 391) گلبایگانی (مسئله 397)

ص: 65

---

1- گلبایگانی: در غسل ارتماسی باید آب در یک آن تمام بدن را بگیرد، پس اگر به نیت غسل ارتماسی در آب فرورود چنانچه پای او روی زمین باشد باید از زمین بلند کند (مسئله 373)

تذکر:

1\_ منظور از احتلام جنب شدن در خواب است.

2\_ مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر حکم منی دارد. امام (مسئله 348) گلپایگانی (مسئله 354)

3\_ برای شخص جنب 9 چیز مکروه است. (1)

### مسائل دیگری درباره زنها

غسل شستن سوراخ چای گوشواره: س: در هنگام غسل آیا سوراخ جای گوشواره را هم باید شست؟

ج: دو صورت دارد:

1\_ اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن بقدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود (باید آن را شست).

2- و اگر دیده نشود (شستن آن لازم نیست).

امام (مسئله 376) گلپایگانی (مسئله 382)

نماز:

پوشش زن در نماز: زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند ولی پوشاندن صورت بمقداری که در وضو شسته می شود و دستها تا مچ و پاها تا مچ پا، لازم نیست اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ پا را هم بپوشاند. امام (مسئله 789) گلپایگانی (مسئله 797)

بنابر احتیاط واجب زن باید در حال نماز زیر گلو و چانه را بپوشاند. (عروة الوثقی، ج 1، ص 551، مسئله 6)

دو مسئله:

1\_ مستحب است زن در حال ایستادن (برای نماز) پاها را بهم بچسباند. امام (مسئله 977) گلپایگانی (مسئله 986)

2\_ مستحب است زنها در وقت خواندن تشهد، رانها را بهم بچسبانند. امام (مسئله 1104) گلپایگانی (مسئله 1113)

لباسهایی که برای زن مانعی ندارد ولی برای مرد حرام است در نماز و غیر نماز:

1\_ پوشیدن لباس طلا باف امام (مسئله 831) گلپایگانی (مسئله 839)

(زینت کردن به طلا هم اشکال ندارد) امام (مسئله 832) گلپایگانی (مسئله 840)

2\_ پوشیدن لباس ابریشمی امام (مسئله 838) گلپایگانی (مسئله 845 و 846)

تذکر: احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد، ولی اگر با آن لباس نماز بخواند باطل نیست. امام (مسئله 846)  
گلپایگانی (مسئله 854)

ص: 66

---

1- به توضیح المسائل: امام (مسئله 356) و گلپایگانی: (مسئله 362) مراجعه شود



بر پنج قسم تقسیم می شود:

1\_ واجب: آن حکمی است که باید حتماً آن را انجام داد و ترک آن گناه است مانند نماز خواندن در سن تکلیف.

(نشانه های تکلیف و بلوغ یکی از سه چیز است):

1\_ روییدن موی درست زیر شکم بالای عورت.

2\_ بیرون آمدن

3\_ تمام شدن 15 سال قمری در مرد و تمام شدن 9 سال قمری در زن.

امام (مسئله 2252) گلبایگانی (مسئله 2260)

2\_ مستحب: و آن کاری است که انجام دادن آن پسندیده و بهتر است و موجب رضای خدا و صلاح خود انسان و موجب ثواب آخرتی است مانند سلام کردن.

3\_ حرام: و آن کاری است که نباید آن را انجام داد و انجام آن گناه و موجب عذاب آخرتی و گرفتاری می شود. مانند دروغ گفتن

4\_ مکروه: و آن کاری است که ترک آن بهتر است و بجا آوردن آن عذاب آخرتی ندارد مانند نماز خواندن در مکانی که عکس باشد.

5\_ مباح: و آن کاری است که انجام دادن و ترک آن از نظر دینی مساوی باشد و بستگی به میل و اراده انسان دارد. مانند: خوردن و آشامیدن چیزهای حلال.

نظر مجتهد بر چند قسم تقسیم می شود:

1\_ حکم: آن است که مجتهد در موضوع مشخصی و معینی نظر دهد که واجب است یا حرام. مانند: حکم باینکه فردا اول شوال و روز عید فطر است).

2\_ فتوا: آن است که حکم را بطور کلی بیان کند. (مثل: اینکه حکم کند کسی که روزه واجب دارد روزه مستحبی او باطل است).

3\_ احتیاط واجب: آن است که پیش یا بعد از احتیاط فتوا نباشد. مانند: (احتیاط آن است احتیاط واجب که تسبیحات اربعه راسه مرتبه بگویند که مقلد باید به این احتیاط که احتیاط واجبش می گویند عمل نماید و سه مرتبه بگوید و یا به فتوای مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم کمتر است و از مجتهدهای دیگر محل تأمل یا محل اشکال است).

4\_ احتیاط مستحب: آن است که یا قبل از احتیاط یا بعد از احتیاط فتوی باشد (مانند اینکه ظرف نجس را یک مرتبه در آب کُر اگر بشویند پاک است اگر چه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند) برای اطلاع بیشتر به (وسيلة النجاة و تحریر الوسيلة، ج 1، ص 11 مسئله 34 مراجعه شود).

## محارم

یعنی زنهایی که از دواج با آنها حرام است و بر اساس آن محرم می شوند که محرمیت از سه راه ممکن است:

1\_ از راه ولادت (ارتباط نسبی) که 7 دسته از زنها بر 7 دسته از مردها محرمند.

1\_1 مادران شما *أُمَّهَاتُكُمْ*

2\_1 دختران شما و بناتکم *وَبَنَاتُكُمْ*

3\_1 خواهرانتان و اخواتکم *وَأَخَوَاتُكُمْ*

4\_1 عمه هایتان و عماتکم *وَعَمَّاتُكُمْ*

5\_1 خاله هایتان و خالاتکم *وَأَخَالَاتُكُمْ*

6\_1 دتران برادر و بناتُ الأخ *وَبَنَاتُ الْأَخِ*

7\_1 دختران خواهرانتان و بناتُ الأخت *وَبَنَاتُ الْأُخْتِ*

2\_ از طریق شیر خواری (ارتباط رضاعی) که همان 7 دسته محرمند که در آیه به دو مورد از آن اشاره شده است.

1\_2 مادران رضاعی (که شیر می دهند)

2\_2 خواهران رضاعی (وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي

3\_2 دختران رضاعی *أَرْضَعْنَكُمْ وَ*

4\_2 عمه های رضاعی *أَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ*)

5\_2 خاله های رضاعی

6\_2 دختران برادر رضاعی

7\_2 دختران خواهر رضاعی

3\_ از طریق ازدواج (ارتباط مسی) که تحت چند عنوان اشاره شده :

3\_1 مادران همسرانتان وجده های آنها

3\_2 دختران همسرانتان که در دامان شما قرار دارند به شرط اینکه با آن همسر آمیزش جنسی پیدا کرده باشید.

وَأَمّهَاتِ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ

3\_3 و همسران فرزندانان که از نسل شما هستند (و برای شما جمع در میان دو خواهر ممنوع است). (و حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ) (سوره نساء آیه 23)

ص: 68

هفده دسته ای که ذکر شد هم ازدواج با آنها حرام است و هم محرم هستند و لکن ازدواج با دو خواهر حرام است و اگر با یکی ازدواج کرد خواهر او محرم نیست و هم چنین است ریبیه ای که با مادرش آمیزش جنسی نکرده باشد.

حرمت دو قسم است:

1\_ حرمت جمعی: یعنی حرام است جمع بین دو خواهر و ریبیه ای که با مادرش آمیزش جنسی نکرده باشد که مثل ازدواج با خواهرزن حرام است و محرم نیست.

2\_ حرمت ابدی: غیر از خواهر زن و ریبیه (که با مادرش آمیزش نکرده) بقیه محارم انسان حرام ابدی هستند یعنی ازدواج با آنان همیشه حرام است.

تذکر: 1\_ منظور از مادران شما فقط آن زنی که انسان بلا واسطه از او متولد شده نیست بلکه جده و مادر جده و مادر پدر هم شامل می شود و همینطور است در موارد دیگر.

2\_ مقصود از مادر یا خواهر رضاعی آن است که بچه ای را که منسوب به آنها نیست و از آنها متولد نشده شیر بدهند که با 8 شرط محرم می شود. امام (مسئله 2474) گلپایگانی (مسئله 2483)

3\_ عده ای از زنان نیز بواسطه علت‌های دیگر حرام می شوند مثل زن شوهر دار یا زن پنجم برای مردی که چهار زن دائمی دارد یا زن کافر.

(غیر اهل کتاب)

## احکام نگاه کردن

مرد به زن:

1\_ به همسر خود مطلقاً جایز و حلال است.

2\_ به محارم غیر همسر خود (مثل عمه و خاله)

1\_2 با قصد لذت و ریبیه حرام است

2\_2 بدون قصد لذت و ریبیه

1\_2\_2 به عورت حرام

2\_2\_2 به غیر عورت حلال

3\_ به نامحرم:

3\_1 نابالغ

3\_1\_1 با قصد لذت و ریبه حرام

3\_1\_2 بدون قصد لذت و ریبه اشکال ندارد. (1) البته در صورتی که نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد، ولی باید بنابر احتیاط جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند.

3\_2 بالغ

3\_2\_1 بغیر از قرص صورت و دستها تا مچ چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام.

3\_2\_2 به قرص صورت و دستها تا مچ بدون ریبه مانع ندارد. امام (مسئله 2433) گلپایگانی (مسئله 2442)

زن به مرد:

1\_ به همسر خود مطلقاً جایز و حلال.

2\_ به محارم غیر همسر خود (مثل دائی و عمو):

2\_1 با قصد لذت و ریبه حرام

2\_2 بدون قصد لذت و ریبه:

2\_2\_1 به عورت حرام

2\_2\_2 به غیر عورت حلال

3\_ به نامحرم

1\_ حرام است مطلقاً لکن نظر کردن زن بصورت مرد و دستها تا مچ جایز است. (2)

2\_ بنابر احتیاط واجب بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و بحدی سیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند. امام (مسئله 2435) گلپایگانی (مسئله 2444)

مرد به مرد:

1\_ با تلذذ و ریبه حرام

2\_ بدون قصد لذت و ریبه به غیر از عورت اشکال ندارد.

زن به زن:

1\_ با تلذذ و ریبه حرام

2\_ بدون تلذذ و ریبه به غیر از عورت اشکال ندارد. امام (مسئله 2437) گلیپایگانی (مسئله 2447)

ص: 70

- 
- 1- گلیپایگانی : نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم و دختری که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می فهمد و نگاه کردن به او عادتاً امکان تهییج و تحریک شهوت دارد و همچنین نگاه کردن به موی آنان چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است بلکه حرام بودن نگاه به آنها بدون قصد لذت هم خالی از قوت نیست و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام م یباشد. (مسئله 2442)
- 2- امام مسئله (2432) گلیپایگانی (مسئله 2442)

قال الله الحكيم :

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُدْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الإِزْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (1)

ای پیامبر:

زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا بپوشانند) و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند عفاف خود را حفظ کنند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و گردنهای خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود و پدران خود و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسران برادر و خواهران خود و زنان خود (یعنی زنان مسلمه) و کنیزان ملکی خویش و اتباع (خانواده که رغبت بزنان ندارند) از زن و مرد یا طفلی که هنوز عورت و محارم زنان آگاه نیستند (و از غیر این اشخاص مذکور) اجتناب و پرهیز کنند آنطور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود و ای اهل ایمان همه به درگاه خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید.

توجه:

از مطالب مذکور روشن شد که گروهی از زنها محرم بعضی از مردها می باشند و مقصود از محرمیت آن است که: ازدواج با آنها حرام است ولی نگاه کردن به آنان (بدون قصد لذت) حرام نیست مگر خواهر زن که نظر به او نیز حرام است و ضمناً معلوم شد که علاوه بر محارم رضاعی چند دسته از مردها هم محرم زنها می باشند (پدر، برادر، عمو، دایی، پدرشوهر) یعنی بدون قصد لذت، زن می تواند به آنها نگاه کند و به طور کلی غیر آنچه ذکر شد بقیه نامحرم می باشند و نگاه کردن به آنها حرام است و خانمها باید بدانند که شوهر خواهر

ص: 71

یا برادر شوهر (شوهرخاله، شوهر عمه، پسرخاله، پسرعمه، پسردائی، پسرعمو) هم با بقیه نامحرمها فرقی ندارند و بایستی بهمان مقدار که زن در هنگام برخورد با دیگر نامحرمان حجاب خود را حفظ می کند در مقابل آنها هم بایستی خود را بپوشاند.

حدیث :

\* قال الصادق (علیه السلام): النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ مَسْمُومٌ وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةَ. (1)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: نگاه به نامحرم یکی از تیرهای مسموم و زهر آلود شیطان است و گاهی می شود یک نگاه حسرت دامنه داری ایجاد می کند.

\* قال الصادق (علیه السلام): مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ فَمَضَّ بَصَرَهُ لَمْ يَزِدْ إِلَّا إِلَيْهِ بَصَرَهُ حَتَّى يَزُوجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْحُورِ الْعَيْنِ. (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که چشمش بزنی بیفتد آنگاه چشمش را بطرف آسمان کند یا اینکه چشم را ببندد، چشم خود را نمی گشاید جز اینکه خدای بزرگ فرشته ای از بهشت را به همسری او در می آورد.

قال رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): أَيُّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ وَخَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر زنی خود را خوشبو کند و از خانه بیرون رود تا وقتی که بخانه بر می گردد خدا او را لعنت می کند.

\* قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلِ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا. (3)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هیچ چیز بیشتر از نگاه کردن زن شوهردار که چشمهای شهوت آلود خود را به مردهای دیگر می دوزد خدا را بخشم و غضب نمی آورد.

كان أبو عبد الله (عليه السلام) يقول: لا تدع النفس وهواها، فإنَّ هواها في رداها وترك النفس و ما تهوى أذاها

ص: 72

1- سفينة البحار، ج 2، ص 596

2- همان مدرک، ص 595

3- سفينة البحار، ج 2، ص 596



امام صادق (علیه السلام) پیوسته می فرمود: نفس و هواهای آنرا آزاد وامگذار، زیرا آزاد گذاردن هوی و تمایلات نفسانی باعث رنج و ملال و سقوط و نابودی انسان می گردد و رها کردن نفس و هواهای نفسانی آزار رساندن به نفس است و کنترل نمودن نفس را از هواها درمان امراض نفسانی است.

\* قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي وَكِبْرِيَاتِي وَنُورِي وَعُلُوِّي وَارْتِفَاعَ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَى هَوَايَ إِلَّا شَتَّتَ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَلَبَسَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاؤُهُ وَشَغَلَتْ قَلْبَهُ بِهَا وَلَمْ أَوْتِهِ مِنْهَا إِلَّا مَا فَدَرْتُ لَهُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي وَنُورِي وَعُلُوِّي وَارْتِفَاعَ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَى هَوَاهُ إِلَّا أَسَدَتْ حَفْظَتُهُ مَلَائِكَتِي وَكَفَلَتْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ رِزْقَهُ وَكُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ وَآتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ. (2)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: خدا می فرماید: بعزت و جلال و بزرگی و کبریایی و نور مقام بلند خودم سوگند، هیچ بنده ای خواسته های خود را برخواسته های من مقدم نمی دارد جز اینکه او را در کارش سرگردان می نمایم دنیا را برایش سرپوش می گذارم

(تشخیصش را نسبت بدنیا کور می کنم) و در اثر دل بستگی و علاقه شدید به دنیا و سرگرمی های آن دلش را مشغول می کنم و با وجود آن همه اشتغالات و کوششهای زیبایی غیر از آنچه مقدر کرده ام خیر اضافه تری به او نمی دهم اما بنده ای که رضایت و خواسته های مرا بر هوی و میلهای نفسانی خویش اختیار کند فرشتگانم را بر نگرهبانی او بر می گزینم. آسمان و زمین را کفیل روزی او می کنم و در کسب تجارت دلهای دیگران را متمایل به او می سازم و از او پشتیبانی می نمایم تا خیر و برکت یابد و دنیا خاضعانه به استقبال او آید.

ص: 73

1- اصول کافی، ج 2، ص 336

2- همان مدرک، ص 335



بخش دوّم: خانواده

اشاره

بخش دوّم: خانواده

ص: 75



جامعه سالم در گرو ایمان و تعهد خانواده ها

اسلام خانواده را پایه و اساس جامعه قرار داده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ. (1)

«ای مردم بدرستی که ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه های بسیار و فرقه های مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بدرستی که گرامی ترین شما نزد پروردگار، با تقوی ترین شما می باشد.»

آنچه در آغاز مطرح بوده، اجتماع کوچک و ازدواج زن و مرد و پس از آن بنای اجتماعات بزرگتر می باشد، و در حقیقت خانواده اجتماع کوچکی است که هسته مرکزی جامعه را تشکیل داده است. و اولین قدمی را که انسان از وضع انفرادی برداشته و به اجتماعی درآمده، موضوع تأسیس خانواده و زناشویی است.

ص: 77

از این رو سلامت و کامیابی یا بیماری و ناکامی جوامع هم کاملاً به آن بستگی خواهد داشت، یعنی اگر پایه و شالوده خانواده ها از نظر ایمان و اخلاق متزلزل و شیرازه زندگی زناشویی از هم پاشیده و در هم ریخته باشد قطعاً در جامعه ها اثر منفی داشته و آن را ویران می سازد، و به همان نسبت، رو به سقوط و انحطاط خواهد رفت. در صورتی که اگر زندگی توأم با ایمان و تعهدهای اخلاقی بوده باشد، در رشد و تکامل جامعه ها اثر می گذارد، و نکته قابل توجه اینکه در این میان آن کسی که از نقش بیشتری برخوردار بوده و پایه اصلی خانواده به حساب می آید، همانا «زن» می باشد، زیرا هر انسانی خوب یا بد، نخست در شکم مادر مرحله اول زندگی را طی می کند و آنگاه در آغوش مادر مهربان پرورش می یابد، بنابر این از دامن زن، مرد به معراج و ملکوت اعلی می رود، و از دامن زن انسانهایی ساقط و منحط می گردند.

در اینجاست که دنیا پیوسته به عناوین و بهانه های فریبنده با لگدمال کردن شخصیت اصیل و واقعی زن، ظلم بزرگی در حق تمام افراد بشر روا داشته اند. تنها دستورات آسمانی به ویژه شریعت مقدس اسلام است که همراه با فطرت و شکوفایی استعدادهای فطری و نیازهای طبیعی زن، احکام و حقوق خاصی پایه گذاری نموده و عالی ترین شخصیت وارزش را به وی عطا کرده است. و به همین وسیله اخلاق و نظام معنوی اجتماع و حیاء عمومی را - که از همان اجتماعات کوچک (خانواده) ها سرچشمه گرفته - تأمین و حفظ نموده است.

از جمله خواسته های طبیعی مرد و زن - که همراه با رشد جسم و غرایز نهفته آنان رشد می کند - گزینه جنسی می باشد که آیین آسمانی، قانون «ازدواج» را در جهت تعدیل، کنترل و هدایت آن وضع نموده و از این رهگذر، زن و مرد را از انحراف و سقوط رهایی بخشیده است.

بدین ترتیب یکی از عوامل پذیرفتن بار سنگین مسئولیتهای خانوادگی و زندگی زناشویی، همین گزینه جنسی می باشد که اسلام برای ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت فراوانی قائل است.

رُكْعَتَانِ يُصَلِّيْهَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً يُصَلِّيْهَا أَعْرَبٌ. (1)

«دو رکعت نمازی که انسان ازدواج کرده بخواند از هفتاد رکعت نماز کسی که ازدواج نکرده (عزب) بالاتر است.»

و نیز فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) نهی کرد از اینکه زنها ازدواج نکنند و خود را معطل نمایند. (2)

و در روایاتی اشاره شده که ازدواج سنت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده و در بناهای اسلامی محبوبترین چیزها نزد خداوند است و حتی کسی که اسباب و مقدمات ازدواج فرد عزبی را فراهم آورد در قیامت مشمول رحمت الهی خواهد بود. (3)

در حالی که اکثر اهل دوزخ را انسانهای عزب (ازدواج نکرده) خاطر نشان کرده است. و از سوی دیگر علاوه بر دعوت به تشکیل خانواده، دو طرف (مرد و زن) را به احترام متقابل و صمیمیت و مهربانی نسبت به یکدیگر راهنمایی فرموده که متأسفانه دنیای آلوده و نظامهای طاغوتی با زیر پا نهادن ازدواج مشروع، مردم را از همه این مزایا و امتیازات محروم و با ایجاد روابط نامشروع، اساس و بنای اجتماعات را متزلزل ساخته و افراد زیادی را از این جهت بسوی جهنم فرستاده است.

### حقوق متقابل

زندگی خانوادگی وقتی از حرکت و حیات انسانی برخوردار است که هر یک از زن و شوهر به وظایف خود آشنا بوده و در عمل به آن متعهد باشند.

قرآن مجید از این مسئولیت و حقوق متقابل که هر کدام از زن و مرد طبق استعداد ساختمان جسمی و روحی خود نسبت به یکدیگر دارند اینطور یاد می کند:

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ... (4)

ص: 79

1- وسائل، ج 14، ص 6

2- بحار، ج 7، ص 298 و وسائل الشیعه، ج 14

3- وسائل، ج 14، ص 117

4- سوره بقره آیه 227

«و زنان را حقوقی است بر شوهران چنانچه شوهران را بر آنها حقوقی مشروع است.»

و یا در تشبیه بسیار عالی و زیبا در مورد زن و مرد چنین می فرماید:

هُنَّ لِيَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٍ لَهُنَّ (1)

«زنان برای شما لباسند و شما نیز برای آنان لباس هستید.»

یکی از خصوصیات لباس آن است که بدن را از سرما و گرما و ظاهر شدن نواقص و عیبهای بدن حفظ نموده و جلوگیری می کند.

زن و مرد هم، هر دو مانند لباس برای یکدیگر می باشند، یعنی باید یکدیگر را از هر نوع آفت و خطر داخلی و خارجی و همچنین از نمایان شدن صفات مذموم و ناپسند حفظ نموده، و در برابر سرما و گرما و عوارض خارجی عفاف و شخصیت و تفاهم خود را نگهدارند.

گذشته از اینها و با توجه به آنچه قبلاً اشاره شد که پایه اصلی هسته مرکزی جامعه زن می باشد، قرآن کریم در تشبیهی بسیار عمیق چنین فرموده است:

نِسَائِكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ....

«زنان شما وسیله کشت (مرکز بذر افشانی) شما هستند.»

همانگونه که زمین در بدست آمدن محصول و کمه و کیف آن بیشترین سهم را داراست و برداشت محصول بیشتر تابع زمین پر قابلیت می باشد، زن هم در مورد حفظ حیات و ادامه حیات نوع بشر به هر اندازه لیاقت و قابلیت بیشتری داشته باشد، فرزندان شایسته تری توسط آنان پا به جامعه می گذارند و از همین جا معلوم می گردد زن در حیات و بقاء جوامع چه اندازه نقش مهم و قابل توجهی دارد. و لذا زن خوب برای مرد همچون گوهر گرانبهائی است که باید در حفظ شخصیت او غافل نماند و قدرشناس این نعمت گرانبهائی الهی باشد و با ملاحظت و مهربانی نه با خشونت و تندخویی \_ با او رفتار نماید.

ص: 80



امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ضمن حدیثی درباره خصوصیات زن چنین می فرماید: فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رُبْحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِفَهْرَمَانَةٍ . (1)

« زن همانند گُل (لطیف و خوشبو و نازک طبع) است نه همانند قهرمان (خشن و سخت) پس با او مدارا کن و رفتار نیکو نما تا زندگیت با صفا گردد.»

چنانچه داشتن همسر خوب و با ایمان برای مرد از سعادتهای بزرگ او بحساب آمده زیرا اوست که می تواند با اخلاق نیکو و برخوردهای محبت آمیز نسبت به شوهر و همچنین تربیت صحیح فرزند بعنوان مادر، رشد و تکامل و نتیجه سعادت دنیا و آخرت شوهر و فرزندان نقش بسزایی داشته باشد، شوهر هم متقابلاً باید از بد اخلاقی و بی توجهی نسبت به وظایف همسرمداری دوری نموده و با خوشرفتاری و حسن خلق و اظهار محبت به همسر خود زندگی آبرومندی را بگذارند.

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله)

خَيْرُكُمْ، خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي (2)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: بهترین شما (مردان) کسانی هستید که بهترین شوهران برای همسران خود باشید و من خود چنینم و در رعایت حقوق زنان از تمام شما برترم.»

بنابراین چنانچه گذشت وجود زن اهمیت حیاتی برای بشر داشته و در زندگی خانوادگی نقش مهمی دارد. و اگر چه بحسب طبیعی در این جریان ریاست را مرد بعهده داشته و او بعنوان رئیس خانه بشمار می آید، ولی حقیقت این است که با ضعف کانون مهر و محبت، و تزلزل رکن اصلی در تشکیلات خانواده، ریاست چندان نقشی نداشته و رنگ و آبی ندارد. گذشته از اینکه چه بسیار مرئوسیهایی که با کار شکنی ها و خودسری های خود عملاً فعالیت های شخص رئیس را خنثی و بی اثر نموده و او را دچار سردرگمی و ورشکستگی بنمایند، همچنان که می تواند با همکاری و صداقت، جامعه کوچک یا بزرگ را مملو از صفا و صمیمیت بکند.

ص: 81

1- وسائل الشیعیه، ج 14، ص 120 و نهج البلاغه، فیض، نامه 31 ص 939

2- وسائل الشیعیه، ج 14، ص 122 و من لا یحضره الفقیه، ص 458

بنیان خانواده هنگامی محکم و استوار است که بیش از هر چیز صلح و صفا در همه شئون خانوادگی حاکمیت داشته باشد و بجای حسن ارتباط و تفاهم، نفرت و انزجار جایگزین آن نشده باشد.

پس هرگاه تعهد اخلاقی و پای بند بودن به حدود وظایف از محیط خانواده برکنار رود، مطمئناً کانون گرم خانواده تبدیل به جهنمی سوزان و تاریک خواهد شد و بهمین دلیل عواقب تلخ و دردناکی که به سادگی قابل جبران نیست برای فرزندان آنان بوجود خواهد آمد.

در اسلام همانطور که در تمام شئون زندگی و اجتماعی، وظایف و مسئولیتهایی تعیین شده، بخاطر حسن تحکیم و ایجاد کانون محبت خانوادگی برای هر یک از زن و شوهر وظایف متقابل و خاصی در نظر گرفته شده که سر پیچی و یا کم توجهی هر یک از آنان موجب خسارت و ضرر آن دیگری خواهد شد و از همین جا نظام اجتماعی خانوادگی مختل خواهد گشت.

با توجه به اختصاص داشتن مجموعه حاضر به احکام بانوان، اجمالاً به بعضی از عمده ترین وظایف زن در خانه و بیرون خانه اشاره می شود.

از یک نظر وظایف زن دو گونه است:

1\_ خارج از منزل و در برخورد با نامحرمان.

2\_ داخل خانه و برنامه های خانواده.

ص: 82

ای زن به تو از فاطمه اینگونه خطاب است

ارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است

فرمان خدا، قول نبی (ص)، نص کتاب است

از بهر زنان افضل طاعات حجاب است

## حجاب

یکی از بزرگترین عوامل سلامت خانواده ها (هسته های مرکزی اجتماع) حفظ حجاب و عفت خانمهاست که از اهم وظایف آنان محسوب می شود و در تحکیم بخشیدن به روابط زناشویی هم سهم بسزایی دارد.

و به عبارتی دیگر، گر چه ریشه های تربیتی از زندگی خانوادگی سرچشمه می گیرد اما به یک معنی گاهی رفتار و اخلاق داخل و بیرون منزل اثر متقابل دارد. یعنی مثلاً اگر زن با قیافه های مختلف بیرون منزل در معرض دید مردم قرار گیرد بطور قطع در روابط زناشویی و محیط خانوادگی اثر منفی خواهد داشت و در این صورت چیزی برای جلب توجه شوهر خود باقی نمی گذارد و بی توجهی به پوشش اسلامی هم، جامعه را مختل ساخته و هم خانواده را از عظمت و اصالت ساقط می گرداند، همچنان که محیط خانوادگی در اخلاق جامعه کاملاً مؤثر خواهد بود.

با توجه به سازمان وجودی و خصوصیات روحی و جسمی و لطافت خاص زن،

ص: 83

حجاب نه تنها موجب حفظ شخصیت وی شده، بلکه همین امر سعادت جامعه را هم تأمین می کند و در صورتی که حریم عفاف و حجاب شکسته شود و حرمت زن بازیچه شهوات و در معرض چشم چرانها قرار گیرد، و زن هم طبق قانون اسلام به پوشش صحیح خود مقید و متعهد نباشد، با در نظر گرفتن غریزه حبّ جمال و تظاهر و جلوه گری، طبعاً به نگاههای ناروا آلوده گشته و با نمایاندن خویش و نمایش زر و زیور خود، زمینه خود باختگی و سوء استفاده برای افراد بی بند و بار فراهم خواهد شد.

معلوم است که در چنین صورتی چه بلاها و فسادهای اجتماعی رخ خواهد داد و چگونه با از بین رفتن حیاء و عفت زن و مرد عظمت و عفت عمومی نیز بسرعت تمام، در جوامع بزرگتر بخطر می افتد.

از یک سو خانواده دچار سردرگمی و آشفتگی و بالا رفتن آمار طلاق و جدایی می شود. از سوی دیگر بدبختی و فتنه هایی اجتماعی به بار خواهد آمد.

این نکته هم قابل توجه است که شیطان به حسب فصلهای مختلف عمر و حالات و نیازهای خاص آدمی با حيله ها و نقشه های مرموز و خاصی کمین کرده و درصدد نفوذ و فاسد نمودن افراد بشر بر می آید.

مثلاً در سن جوانی که دورانی بس عجیب و پر تحرک بوده و عطش غریزه و شهوت جنسی با شدت به اوج خود رسیده، شیطان هم از همین فرصت استفاده کرده و با استفاده از امکانات خود این انسان، یعنی از کانال چشم و بینایی، و وسوسه کردن، قلب با صفای آدمی را ویران و تیره و تاریک می سازد.

از این روی یکی از نخستین دریچه های گناه همین نگاههای عمیق و شهوت انگیز و از روی قصد چشم چرانی می باشد که از مهمترین سلاحهای شیطان بوده و هنگامی که چشم انسان در استخدام چنین دشمنی قرار گرفت از دور و نزدیک با ایجاد وسوسه های مختلف مفاسد زیادی بوجود می آید.

دیده فروپوش چه در صدف \*\*\* تا نشوی تیر بلا را هدف

آری در این میان تنها انسانهای با تقوی می باشند که از این دام بلا و خانمان سوز رهایی یافته و شکار شیطان مگّار نمی گردند و با سلاح تقوی بر او غلبه می یابند. و به پیروی از فرموده مولای متقیان امیرالمؤمنین (علیه السلام):

عَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ. (1)

«دیده از هر چه خداوند بر ایشان حرام و ناپسند دانسته پوشانده و خود را از شر شیطان برکنار می سازند.»

ز دست دیده و دل هر دو فریاد \*\*\* که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد \*\*\* زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

براستی اگر جامعه ما اعم از زن و مرد در همین یک مسئله اخلاقی و دینی درست عمل می کرد و بطور کامل توجه مینمود و زنها در پوشش اسلامی و همه افراد در نگهداری چشم خود از معصیت، کوشش بعمل می آوردند، شاهد بسیاری از نابسامانیها و مشکلات اجتماعی و اخلاقی نبودیم اما آیا براستی همه خانمها در موقع بیرون از منزل، یا در محیط کار و یا هنگام رجوع به در مغازه ها بمنظور خرید و امثال اینها رعایت کامل حجاب را می نمایند؟

و آیا میتوان ادعا کرد که بعضی از این حجابها واقعاً همان پوشش اسلامی است؟

و آیا فکر نمی کنید این کلمه مقدس در بسیاری از موارد حقیقت خود را از دست داده باشد و حجاب اسلامی معنای دیگری پیدا کرده باشد؟ و آیا این صریح آیه قرآن نیست که ظاهر کردن زینت را برای زنها (جز آنچه بدون اختیار ظاهر می شود) در برابر نامحرمان حرام دانسته؟

بنابر این اگر زن از جلوه دادن اندام و زیباییهای خویش، و از راه رفتن چشم گیرانه و از گفتار عشوه گرانه و تحریک آمیز (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ ..) (2) نهی شده و آن همه تأکید بر رعایت

ص: 85

1- نهج البلاغه، خطبه 184

2- سوره احزاب آیه 31

حجاب وی آمده، پس چگونه زن مسلمان حاضر می شود، آنچنان آراسته و معطر و با وضعی جدّاً زننده و تحریک آمیز و با استفاده از کفشهای مخصوص محرک و با لباسهای بدن نما و زننده که عامل تحریک بیگانگان بشود از خانه بیرون آید؟!

شما را به خدا قسم ای خانمها و دخترهای مسلمان آیا با چنین وضعی در پیشگاه پروردگار حجّتی دارید؟ و آیا فردای قیامت در حضور فاطمه زهرا(علیها السّلام) شرمنده نخواهید شد؟

آیا براستی راضی هستید شخصیت عالی خود را در معرض هوسهای شیطانی دیگران و نگاههای مسموم و آلوده قرار دهید؟ و با این حال جوانها را به صحنه گناه بکشید؟ و یا افراد جوانی را که امکانات ازدواج برای آنها فراهم نیست در آتش شهوت بسوزانید؟

البته مسلّم است که با وجود غرایز قوی و تمایلات جنسی که در باطن افراد نهفته است چنانچه با عوامل گوناگون از جمله عدم رعایت کامل حجاب، تحریک گردد و در شرایطی از کنترل خارج شود چه خرابیها ببار خواهد آمد که بسادگی قابل جبران و ترمیم نخواهد بود.

میلها همچون سگان خفته اند \*\*\* اندر ایشان خیر و شر بنهفته اند

چون در آن کوچه خری مردار شد \*\*\* صد سگ خفته به دان بیدار شد (1)

در این باره حدیث مفصّلی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده که در قسمتی از آن از عقوبت بعضی از زنها خبر دادند.

از جمله دسته ای از زنها با موهای آویزان در جهنّم معذب هستند و آنها کسانی می باشند که موهای خود را از نامحزمان نمی پوشاندند.

و بعضی دیگر با پاهای معلّق در عذاب الهی گرفتارند و آنها دسته ای هستند که بدون اذن شوهر از منزل خارج می گشتند.

و عده ای دیگر هم که خود را برای مردم زینت داده اند در حال خوردن گوشتهای بدن

ص: 86

خود بوده و همگی در آتش جهنم بسر می برند. (1)

واقعاً مایه بسی تأسف است که در بعضی از مجالس جشن و سرور و عقد و عروسی آنچنان که در خور یک زن مسلمان و زینده او باشد حجاب به خوبی مراعات نمی شود، و حتی بعضی اوقات در این نوع مجالس از زیباترین لباسهایی که ممکن است برای شوهر خود هم پوشیده باشند، استفاده شود.

ص: 87

---

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 156

#### 1\_ خوب شوهرداری کردن و اطاعت از شوهر

بطور طبیعی وظایف و مسئولیتهای سنگین اجتماعی به دوش مرد است، همچنین مسئولیت تأمین نفقه و لباس و مسکن خانواده را هم بعهده دارد، گاهی در میدان مبارزه زندگی و تحمل مسئولیتهای بزرگ ممکن است خسته شود و برای استراحت و آرامش، محیط خانواده مناسب ترین محل برای این منظور می باشد.

زن هم وظایفی دارد که یکی از آنها خوب شوهر داری کردن و فرمانبرداری از اوست، و همانگونه که ممکن است گاهی زن در برخورد با شوهر از روی غفلت و بی توجهی و یا خستگی از کارهای خانه و بچه داری و غیر ذلک سخنی تند بگوید و بر شوهر است که در این موارد جزئی روح گذشت از خود نشان دهد، بعکس آن هم اگر اتفاق افتاد یعنی شوهر بخاطر مشکلات و ناراحتیهای مختلف به ندرت سخنی که در شأن او نیست به همسرش گفت باید گذشت نموده و هر دو طرف با حسن تفاهم و گذشت از یکدیگر در موارد اشتباه و خطا، زندگی شیرین را تبدیل به تلخی و نفرت از یکدیگر ننمایند.

و البته در این میان کسی که زودتر گذشت و عفو و اغماض نماید اجر و پاداش زیادتری خواهد داشت.



در حدیثی آمده که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: هر زنی که به شوهرش بگوید من هرگز از تو نیکی ندیده‌ام ثواب عملهایش همه برطرف می‌شود. (1)

جابر از امام صادق (علیه السلام) نقل میکند که فرمود:

«خداوند بر مرد و زن جهاد را واجب کرد، جهاد مرد همان بذل مال و جان بوده تا در راه خدا شهید شود، و جهاد زن، شوهرداری خوب است.» (2)

و نظیر این سخن را امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

وَجَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ .

«و جهاد زن، خوشرفتاری با شوهر و اطاعت از اوست» (3)

اگر واقعاً زن بر این اعتقاد باشد که جهاد او این مسئله است طبعاً هر چه بیشتر در این راه سعی و کوشش نماید، اجر و پاداش زیادترو بهتری نزد خداوند خواهد داشت.

و با این توجه قطعاً درصدد جلب رضایت شوهر برآمده و با برخوردهای مهربانانه و خوشرفتاری و همکاری در زندگی، کانون خانواده را محکم تر خواهد کرد. بدون آنکه موجبات اذیت و آزار شوهر را فراهم آورد، در حضور و غیاب آبرو و حیثیت و اسرار و اموال و خلاصه حقوق ظاهری و معنوی او را با روحیه ای بلند و رضایت کامل حفظ نموده و در خانه داری و امور زندگی کمک حال وی و مددکار و دوست واقعی او خواهد بود. و بر اساس حکم خداوند بدون اذن شوهر از منزل خارج نمی‌شود.

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که زنی آمد نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و عرضه داشت حقوق شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمود:

«از جمله آنکه از شوهر اطاعت نماید و مخالفت او را نکند و از مال شوهر جز با اذن او حتی صدقه ندهد و در امر همبستری تمکین نماید...» (4)

ص: 89

1- حلیة المتقین، ص 77

2- من لا یحضره الفقیه

3- نهج البلاغه، حکمت 131، ص 1142

4- وسائل الشیعه، ج 14، ص 112

امام صادق (علیه السلام) فرمود :

در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) مردی از انصار به مسافرت رفت و به همسر خود سفارش نمود تا من برگردم از خانه خارج نشو، پس مسافرت شوهر طول کشید و پدر آن زن مریض شد، هنگامی که زن خبر بیماری پدر را شنید، قاصدی نزد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرستاد تا بدین وسیله به او اجازه بدهد که بدین پدرش برود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) جواب فرمود: در خانه بمان و از اطاعت شوهر سرپیچی مکن اطاعت شوهر از هرکاری بالاتر است. چند روز گذشت و کسالت پدر سخت شد، زن پیغام داد و دوباره اجازه خواست، ولی حضرت اجازه نفرمود، چند روز دیگر سپری شد به زن خبر دادند پدرش از دنیا رفته است.

زن بوسیله قاصدی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اجازه خواست تا در نماز بر جنازه پدر شرکت نماید، باز هم پیامبر (صلی الله علیه و آله) موافقت نکردند، پدر را بخاک سپردند و بالاخره طبق سفارش شوهر، آن زن قدم از خانه بیرون نگذاشت، سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیغام داد، در برابر فرمانبرداری تو از شوهر، خداوند، تورا و پدرت را آمرزید. [\(1\)](#)

به این داستان هم توجه کنید :

«ابو طلحه انصاری» فرزندی خرد سال داشت که از دنیا رفت در حالی که او در منزل نبود. همسر ابوطلحه انصاری هنگامی که بالای سر بچه گریه میکرد متوجه شد که موقع بازگشت شوهرش به خانه می باشد، لذا فرزند را به کناری گذاشت و خود را آماده پذیرائی از او نمود و بدون اظهار هیچ غم و اندوهی مانند همیشه با چهره ای باز و مسرور شوهر خود را ملاقات نمود، هنگام سحر که ابو طلحه برای نماز به مسجد می رفت به او گفت اگر کسی به تو امانتی بدهد و سپس آن را طلب کند آیا آن را پس می دهی یا نه؟ آنگاه اضافه کرد، خداوند سه سال پیش امانتی به ما داد و دیروز هم او را از ما گرفت پس از نماز بیا تا فرزندمان

ص: 90

را بخاک سپاریم، گفت: «الحمد لله رب العالمین» و به مسجد رفت خدمت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) رسید و ماجرا را عرض نمود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مبارک باد دیشب تو، اتفاقاً همان شب همسر او آستن شد و فرزند صالحی نصیب آنان گردید.

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله):

اله

مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يُقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةٌ مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَتَرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ وَقَامَتِ الرَّقَابَ وَأَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَانَتْ أَوَّلَ مَنْ تَرَدَّ النَّارُ ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرِ وَالْعَذَابِ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا. (1)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

هر زنی که شوهرش را اذیت کند اگر چه در طول عمرش روزها را روزه گرفته و شبها را تا صبح به عبادت مشغول گردد و بندگان زیادی را آزاد گرداند و در راه خدا اموال زیادی را انفاق نماید خداوند نه نماز او را می پذیرد و نه هیچ کار خوب دیگر وی را. مگر اینکه شوهرش را از خودش راضی نماید و او اول کسی است که به جهنم واصل می شود. بعد پیامبر فرمود: و برای شوهر نیز اگر زنش را اذیت و ستم نماید همان گناه و عذاب می باشد.

البته ناگفته نماند که اطاعت از شوهر بدین معنی نیست که هر نوع خواسته و انتظاری که او داشت اگر چه غیر شرعی مثلاً عملی شود، پس اگر مرد بخواهد همسر خود را از عمل واجبات و یا در صورت استطاعت زن، از رفتن به مکه معظمه او را باز دارد و یا در شیر دادن بچه و تهیه غذا و نظایر اینها او را مجبور نماید اطاعت شوهر در این امور هرگز واجب نیست.

ص: 91

### 1\_ روزه مستحبی زن

\* احتیاط آن است که زن بدون اذن شوهر روزه مستحبی نگیرد بلکه در صورتی که روزه مزاحم حق شوهر باشد، و بلکه شوهر او را از روزه گرفتن نهی کند مطلقاً (چه مزاحمت با حق شوهر داشته باشد چه نداشته باشد) نباید این احتیاط را ترک کند. امام (تحریر الوسیله، ج 1، ص 304) گلپایگانی (وسیلة النجاة ج 1، ص 288)

### 2\_ نذر زن

\* نذر زن بی اجازه شوهر باطل است. امام (مسئله 2644) گلپایگانی (مسئله 2653)

\* اگر زن با اجازه شوهر نذر کند شوهرش نمیتواند نذر او را بهم بزند یا او را از عمل کردن به نذر جلوگیری نماید.

امام (مسئله 2645) گلپایگانی (مسئله 2654)

تذکر و توضیح :

زن اگر بخواهد بدون اذن شوهر چه از مال خود یا از مال شوهر نذر کند نذر او محقق نمی شود و باطل است البته اتفاق در راه خدا غیر از مسئله نذر می باشد یعنی زن می تواند از مال خود اتفاق نماید.

3\_ مسافرت زن: مسافرت زن بدون اجازه شوهر حرام است مگر سفر واجب. امام (مسئله 1294) گلپایگانی (مسئله 1303، شرط پنجم)

توجه: در سفر حرام و معصیت، نماز تمام است روزه را هم باید گرفت.

### 2\_ تمکین کامل و تمان

یکی دیگر از وظایفی که زن نسبت به شوهر دارد تمکین کردن و همبستری است که در صورت سر پیچی و مخالفت، مرد می تواند نفقه ای که بر او واجب بود در این موقع قطع کند، ناگفته نماند که از جمله وظایف مردان است که نیازمندیهای زندگی زن را از قبیل غذا،

مسکن، پوشاک و کلیه لوازم زندگی را طبق شئوون او تأمین نموده و نیز زن حق دارد در هر چهار شب یک شب در کنار شوهر بوده باشد و نیز، بر مرد واجب است که ترک نکند همخوابی با همسر را در مدت طولانی و در هر چهار ماه یک مرتبه بر شوهر لازم است همسر خود را از نظر جنسی کامیاب سازد.

لا يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتْرِكَ وَطَى امْرَأَتِهِ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ (1) وَيَجِبُ لِلرَّوَجَةِ الْوَاحِدَةِ لَيْلَةٌ مِنْ أَرْبَعٍ. (2)

(البته حق همبستری و آمیزش جنسی با وضعی که ذکر شد در صورتی است که عذر شرعی در کار نباشد).

این نکته قابل توجه است که چنین حکمی با این محکم کاری خاص هیچ نوع عذر و بهانه ای برای مرد باقی نمی گذارد تا چنین فکر کند که اگر مرتکب معصیت شد مجاز بوده باشد اگر چه منهای این دستور، مرد و زن به هیچ عنوان در امور جنسی و غیره اجازه گناه و معصیت را نداشتند لکن این از محکم کاریهای دقیق و عمیق قانونگذاری دین مبین اسلام است.

علاوه بر اینکه از نظر اثر وضعی بدیهی است که اگر زن از شوهر خود بطور کامل و تمام تمکین نماید، شوهر هم با فکری آسوده و با ارضاء و اشباع غریزه جنسی از منزل بیرون می رود و با رضایت و خوشنودی و علاقه به همسر خویش به خانه باز می گردد و با این حال خیلی کمتر ممکن است تحت تأثیر قیافه ها و نمایشهای گوناگون زنانه در بیرون خانه قرار گیرد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد حقوق زنان چنین فرمود:

وَلَا تَمْنَعُهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَإِنْ خَرَجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَ مَلَائِكَةُ الْعُصْبِ وَ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا. (3)

(و منع نکند خود را (مانع نشود) از شوهر (در مسئله لذت بردن) اگر چه بر پشت جهاز

ص: 93

1- شرائع ص 171

2- شرح لمعه ج 2، ص 109

3- وسائل الشیعة، ج 14، ص 112

(پالان شتر) باشد و بدون اجازه او از منزل خارج نگردد و اگر بدون اذن شوهر از منزل بیرون رفت ملائکه آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه اش برگردد.»

و باز در اهمیت این موضوع به زنها چنین می فرماید: **لَا تَطُولَنَّ صَلَوَتُكَ لِيَتَمَنَّعَنَّ أَزْوَاجُكَ**. (1)

(اگر شوهرتان تصمیم بر آمیزش داشت) نماز را طولانی نکنید تا اینکه شوهرتان را منع کنید.

یکی از اصطلاحات حقوقی اسلام که در ابواب فقهی به میان آمده است مسئله «نُشُوز» می باشد. نشوز در لغت به معنای ارتفاع و در اصطلاح نشوز زن، یعنی سرباززدن و سرپیچی نمودن از وظایف زناشویی و نشوز مرد عبارت است از: ترک نفقه و تخلف از دیگر وظایف زناشویی.

بنابر این اگر زن از اطاعت شوهر بیرون رفت در حدی که در برابر تمایل و غریزه جنسی شوهر و روابط همبستری و التذاذات مشروع و حتی زینت کردن و نظافتهایی که شوهر از او خواسته حاضر به تمکین و اطاعت نشد، و یا بدون اجازه شوهر از منزل بیرون رفت اگر چه برای کار خیری هم مانند عیادت مریض و یا زیارت و غیر ذلک باشد، در این مورد زن را ناشزه می گویند.

و چنانچه از روی قرائن و نشانه هایی معلوم گشت که زن بعد از خوشرفتاری، با پرخاش کردن و ترش رویی و بد اخلاقی با شوهر بر خورد خویش را عوض نموده ابتداء شوهر باید او را موعظه و نصیحت کند پس اگر توجه نکرد و به اخلاق ناپسند و خود سرانه خویش ادامه داد این زن ناشزه است و در این صورت است که مرد می تواند بستر خود را از او جدا سازد و.. (2)

ص: 94

---

1- وسائل الشیعه ج 14، ص 117

2- تحریر الوسیله ج 2، ص 305

مرحوم شهید هم در این باره می نویسد :

تَجِبُ نَفَقَةُ الزَّوْجَةِ بِشَرْطِ الْكَامِلِ وَهُوَ:

أَنْ تَخْلَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهَا قَوْلًا وَفِعْلًا فِي كُلِّ زَمَانٍ وَ مَكَانٍ يَسُوعُ فِيهِ الْأَسْتِمْتَاعُ، فَلَوْ بَدَلْتُ فِي زَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ أَوْ مَكَانٍ كَذَلِكَ يَصَّ لِمَحَانٍ لِلِاسْتِمْتَاعِ فَلَا نَفَقَةَ لَهَا. (1)

(نفقه از جانب شوهر برای زن واجب است بشرط تمکین کامل که عبارت باشد از اینکه زن از نظر عمل و حرف در هر موقع و هر جا که پای بهره برداری و لذت شرعی به میان آید از شوهر جلوگیری نکند، پس اگر گاهی در اختیار او قرار گرفت و زمانی با نبودن مانع شرعی حاضر به تمتع و بهره برداری جنسی نشد دیگر نفقه واجب نیست.) (2)

مقام مادر:

مقام مادر و تعلیم و تربیت فرزند در اسلام بسیار عزیز و از اهمیت فراوانی برخوردار است بطوری که از نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت شده که فرمود :

الْبَجْتَةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ. (3)

بهشت زیر پای مادران است.

و در روایتی دیگر شخصی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پرسید کدام کس در میان خلائق نسبت به من به نیکی کردن و حسن معاشرت سزاوارتر است؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

مادرت، پرسیدم پس از مادر؟ فرمود: باز هم مادرت باز پرسیدم پس از مادر؟ فرمود: باز هم مادرت، و چون برای چهارمین بار پرسیدم فرمود: آنگاه پدرت.

ص: 95

1- شرح لمعه ج 2، ص 122

2- برای اطلاع بیشتر به توضیح المسائل مسئله 2412 و 2420 رجوع شود.

3- کافی ج 2، ص 160





بخش سوم : استفتاء

اشاره

ص: 97



1\_ آیا زن هم مانند جنب می شود (البته غیر جماع) و چگونه جنب می شود و منظور از (والمعتبر خروج الی الخارج) (1) در تحریر چیست؟

بسمه تعالی \_ تا یقین به خارج شدن منی پیدا نکند و علامت در رساله هم برای رطوبتی که خارج شده نیست حکم به جنابت او نمی شود.

تذکر: زن هم مثل مرد محتلم می شود.

2\_ آیا اگر دختر یا زن بدون چادر ولی به اصطلاح معروف با حجاب اسلامی و پوشش خاص در بین مردم ظاهر شود تا چه حدی این عمل صحیح بوده و یا واقعاً این حجاب اسلامی است؟

بسمه تعالی \_ اگر غیر از دستها تا میچ و گردی صورت بقیه بدن پوشیده شده حجاب محقق است ولی لباسهای جالب توجه نامحرم نباید بپوشد و پوشیدن چادر بهتر است.

3\_ قبلاً نظر مبارک حضرت امام دام ظلّه براین بود که نگاه کرده مرد نامحرم به دستها تا میچ و قرص صورت زن نامحرم مطلقاً جایز نیست و اخیراً گفته می شود بدون قصد ریبه اشکال

ص: 99

ندارد آیا همینطور است؟

بسمه تعالی \_ بدون ریبه و فساد نظر به وجه و کفین مانع ندارد.

4\_ آیا نگاه کردن مرد نامحرم به زینتهای زنانه ای که مورد استفاده زنی قرار گرفته و هنوز در ملک او بوده و دوباره هم مورد استفاده همان زن قرار خواهد گرفت جایز است؟

بسمه تعالی \_ اگر زینت از بدن او جداست و ریبه و فساد نیست نظر مانع ندارد.

5\_ آیا نگاه کردن زنها به فیلمهایی نظیر ورزش و کشتی و شنا کردن مردها با بدن برهنه جایز است؟

بسمه تعالی \_ چنانچه از روی شهوت نباشد و فساد نداشته باشد نظر به فیلم مانع ندارد.

6\_ سوراخ کردن گوش دختران و زنان برای اینکه گوشواره گوش کنند، مشروع است یا خیر؟

ج\_ اشکال ندارد.

7\_ صحبت کردن با زن نامحرم بطور کلی جایز است یا خیر؟

ج\_ اگر بدون قصد تلذذ و ریبه باشد و خوف فتنه در بین نباشد اشکال ندارد اگر چه احوط ترک است در غیر مقام ضرورت مخصوصاً با زن جوان.

8\_ شرکت دختران، زنان با مردان در ارگانهای انقلابی مانند جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و... و انجام امور محوّل و نشست با هم که ناچار از تماس و برخورد با هم می باشند مشروع است؟

ج\_ با رعایت وظائف شرعیه، شرکت در امور مذکور مانع ندارد ولی از اختلاط و تماس زیاد با نامحرم اجتناب شود.

9\_ آیا بانوان می توانند آموزش فنون نظامی ببینند یا خیر؟

ج\_ آموزش نظامی برای بانوان با مراعات کامل وظائف شرعیه مانع ندارد و اگر موقوف است به اینکه نامحرم آنها را آموزش دهد احتراز نمایند.

10\_ آیا حجاب از ضروریات اسلام است و منکران و کسانی که به این دستور الهی

مخصوصاً در جامعه اسلامی بی اعتنائی می کنند چه حکمی دارد؟

ج\_ اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری، محکوم به کفر است مگر اینکه معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست.

11\_ زنانی که عادت ماهانه خود را می گذرانند و از خواندن نماز معذورند آیا می توانند در نماز جمعه یا جماعت در غیر مسجد شرکت کنند؟

ج\_ می توانند در اجتماع نماز شرکت کنند و صورتاً متابعت نمایند ولی نباید نماز بخوانند.

12\_ آیا مدرسه رفتن و تحصیل کردن دختر، در این زمان مانعی دارد یا خیر؟ و در صورتی که پدر اجازه ندهد چه باید کرد؟

ج\_ اگر از نظر حجاب و غیر آن، مراعات وظیفه شرعی را بکنند مانع ندارد، ولی خوب است رضایت پدر خود را تحصیل نمایند.

13\_ آیا زن می تواند علوم اسلامی را تحصیل نماید و به مقام اجتهاد برسد؟

ج\_ تحصیل علم برای عموم آزاد است.

14\_ حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست و برای این منظور پوشیدن لباس بلند آزاد و شلوار و روسری کفایت می کند و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟

ج\_ واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دستها تا میچ از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانع ندارد ولی پوشیدن چادر بهتر است و از لباسهایی که توجه نامحرم را جلب کند باید اجتناب شود.

15\_ آیا شرکت بانوان در نمازهای جماعت یومیه و نماز جمعه کراهت دارد یا خیر؟

ج\_ کراهت ندارد بلکه در بعض موارد مطلوب است.

16\_ اگر زن جوانی بعد از فوت یا شهادت همسرش ازدواج نکند آیا مرتکب گناه شده است؟

ج\_ گناه نیست ولی بهتر است ازدواج نماید.

17\_ در صورتی که زن درآمد مکفی داشته باشد آیا شوهر می تواند از پرداختن نفقه به همسر خود امتناع ورزد؟

ج\_ نفقه زن بر شوهر واجب است گرچه زن درآمد کافی داشته باشد.

18\_ در بعضی کتابها در مورد محرمیت خواهر زن مسئله ای اشتباه چاپ شده است لطفاً حکم صحیح آن را بیان فرمائید؟

ج\_ خواهر زن محرم نیست.

19\_ آیا زوجه می تواند در هنگام عقد ازدواج با شوهر شرط کند که در مواردی خاصی طلاق به دست او باشد؟

ج\_ اگر در ضمن عقد شرط کنند که زن از طرف شوهر وکیل باشد که در موارد خاصی خود را طلاق دهد صحیح است.

20\_ آیا ظاهر کردن عکس های خانوادگی توسط مرد نامحرم جایز است؟

ج\_ اگر صاحب عکس را شناسد و موجب مفسده نشود اشکال ندارد.

21\_ حد حجاب واجب برای بانوان چیست؟

ج\_ پوشاندن تمام بدن به جز وجه و کفین برای زن واجب است.

22\_ در مورد مهریه زن همان مقدار که موقع ازدواج ذکر شده معتبر است یا به میزان ارزش روز باید داده شود؟

ج\_ مقدار مهریه همان است که در عقد قرار داده شده و با اختلاف ارزش پول و قدرت خرید تغییر پیدا نمی کند.

23\_ آیا در تعیین مقدار مهریه توافق دختر و پسر شرط است یا اینکه والدین آنها هم حق اعمال نظر دارند؟

ج\_ بستگی به توافق دختر و پسر دارد.

24\_ دختری که بالغه و عاقله است و می خواهد با جوانی مسلمان و متدین ازدواج کند،

ولی پدر بواسطه امور مادی اجازه نمی دهد آیا دختر بدون اذن پدر می تواند ازدواج کند یا خیر؟

ج\_ اذن پدر در ازدواج دختر باکره شرط است مگر در صورتی که از تزویج به کفو منع کند و دختر نیاز به ازدواج داشته باشد و بترسد که اگر از این ازدواج صرفنظر کند شوهر خوبی برای او پیدا نشود.

25\_ دختری هستم که علاقه دارم بخاطر خدمت به انقلاب در سپاه پاسداران وارد شوم ولی پدرم موافقت نمی کند خواهشمندم حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج\_ پاسدار شدن خواهران هم با مراعات وظائف شرعیه مانع ندارد ولی شما مراعات رضایت پدرتان را بکنید.

26\_ رانندگی اتومبیل برای بانوان چه صورتی دارد؟

ج\_ با حفظ حجاب و وظائف شرعیه مانع ندارد.

27\_ طلاقهائی که در رژیم گذشته توسط دادگاههای حمایت خانواده با حکم عدم سازش انجام گرفته است چه حکمی دارد؟

ج\_ اگر طلاق از روی اکراه زوج واقع شده یا بدون اذن او بوده صحیح نیست.

28\_ شخصی چند ماه پیش در حمله فتح المبین توسط بعثیان به آرزوی دیرینه خود (یعنی شهادت) رسید، همسر وی نیز دختر باکره می باشد که هنوز به خانه شوهر نیامده و در منزل پدر بسر می برد، حال خواستیم ببینیم آیا به چنین همسر از حقوق شهید چیزی می رسد و همچنین می خواستیم ببینیم که از مهر چقدر می رسد و همچنین از اموال شهید ارث می برد؟ و اگر اموالی از شهید و خانواده او نزد عروس و خانواده اش به رسم امانت سپرده شده که موقع عروسی بمنزل داماد بیاورد می توانیم مطالبه و استرداد نماییم؟

ج\_ نصف مهریه را حق دارد و از اموال شهید ارث می برد و آنچه را شهید به او بخشیده ملک اوست و نمی توانند پس بگیرند و دیگران اگر چیزی به او داده اند تا عین آن باقی است میتوانند پس بگیرند و حقوقی که به خانواده شهید داده می شود از کسی است که بحسب مقررات به او می رسد.

29\_ اگر از روی میل جنسی بغیر زوجه خود نگاه کند و بداند که به حرام نمیافتد آیا باز هم حرام است؟ یا مثلاً نظر به حیوانات یا مجسمه و یا حجم بدن از روی پوشش، حرام است؟

ج\_ نظر به ربه حرام است و احوط ترک نظر شهوت است به مجسمه .

30\_ زنی که می خواهد به تحصیل خود ادامه دهد که بعدها شغلی انتخاب کند (البته شغل حلال) ولی فعلاً ادامه تحصیل ملازم با این است که با مرد نامحرم روبرو شود مثلاً در دانشگاه نزد مرد درس بخواند یا اینکه با مردها در یک کلاس باشد همچو تحصیل جایز است یا خیر؟

ج\_ ادامه تحصیل در رشته های حلال اشکال ندارد و لیکن تستر از اجانب و خودداری از اختلاط با آنها لازم است و اگر ادامه تحصیل مستلزم اختلاط با اجانب باشد و مفسد دینی و اخلاقی در برداشته باشد ترک کند.

31\_ دختر و پسرهای امروزه که در مدارس و دبیرستانها و دانشگاهها و مؤسسات با هم معاشر هستند و برای محرمیت صیغه برای خودشان یا پدر و فرزندانشان قصد دارند جاری کنند که این معاشرتها حرام نباشد، چون حضرت عالی اذن پدر را در باکره احتیاط واجب می فرمائید و در این موارد چه بسا هست که پدرها راضی نمی شوند و یا آنکه نمی شود اذن گرفت اجازه می فرمایید که این احتیاط ترک شود و بدون اذن ولی صیغه جاری گردد یا خیر؟ و دیگر آنکه بعضی موارد هست که پسر و دختر بهم علاقه دارند و تحصیل اذن از پدر بواسطه شرم و حیاء و موانع دیگر مشکل است آیا ترک این احتیاط در این صورت جایز است یا خیر؟

ج\_ اذن پدر ساقط نمی شود بلکه اخیراً اذن پدر را شرط می دانم بحسب فتوی است.

32\_ وظیفه زنان مسلمان در امر جهاد حق علیه باطل چیست؟

ج\_ جهاد بر زنها واجب نیست ولی دفاع بر هر شخصی «چه مرد چه زن» در حد توانائی و امکانات واجب است.

33\_ در موقع ازدواج با شوهر پاسدارم به او قول داده بودم که بعد از شهادت او ازدواج نکنم حال که امام دستور دادند همسران شهدا ازدواج کنند آیا وظیفه شرعی من چیست؟

ج\_ اختیار با خودتان است، می توانید ازدواج نکنید.

34\_ زنی که معمولاً حیض می شود ولی از قرص جلوگیری استفاده کرده تا روزه اش را نخورد آیا صحیح است یا خیر؟



ج\_ اگر با خوردن قرص حیض بند آمده روزه صحیح است.

35\_ تعلیم رانندگی را برای زن در چه صورت مشروع می دانید و در چه صورت نامشروع است؟

ج\_ بسمه تعالی\_ زن وظایف دیگری دارد که لازم است اهتمام به آن وظایف واجبه داشته باشد و رانندگی اتومبیل از وظایف زن نیست.

36\_ زیارت رفتن زن را به مشاهد مشرفه یا امام زاده ها یا عتبات عالیات اجازه می فرمایید یا خیر؟

ج\_ بسمه تعالی\_ با رعایت مقررات شرعیه اشکال ندارد.

37\_ نگاه کرن مرد بموی سر زن نامحرم که جدا شده و بالعکس مشروع است؟

ج\_ بسمه تعالی\_ احوط ترک است گر چه مانع ندارد مگر در صورتی که وصل شود به موی زن دیگر.

38\_ در مسئله حجاب از نظر حضرت آیت الله آیا حجاب بشره کافی است یا حجاب حجمی لازم است؟

ج\_ بسمه تعالی\_ در صورت خوف فتنه و فساد پوشاندن حجم نیز به مقدار و نحو متعارف لازم است.

39\_ قرآن خواندن زن به صدای بلند یا سخنرانی خواهران در حضور نامحرمان و شرکت مردان در اینگونه جلسات و نظائر آن مشروع است؟

ج\_ بسمه تعالی\_ میزان در مشروع بودن و نبودن نداشتن مفسده و داشتن آن است.

40\_ ازدواج زن مسلمان با مرد بهائی چه صورت دارد؟

ج\_ ازدواج با فرقه ضاله بهائیه باطل است.

41\_ از قدیم در مساجد حائلی مثل پرده بین زنان و مردان بوده و اکنون عده ای می گویند پرده و دیوار بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزوم ندارد، نظر امام در این باره چیست؟

ج\_ در صورتی که مفسده ای نیست، پرده لزوم ندارد بلی در نماز احتیاط مستحب آن است که زن عقب تر از مرد باشد مگر در صورتیکه بین آنها حائلی مثل پرده باشد.

42\_ در بعضی از مناطق ایران در مورد ازدواج برنامه ای دارند و آن این است که از طرف مقامات مسئول دستور می دهند که ورقه آزمایش خون تهیه کنند، چنانچه دکتر زن برای این آزمایش وجود نداشته باشد دکتر مرد می تواند این وظیفه را انجام دهد یا خیر؟ و نیز اگر دکتر زن وجود دارد ولی در اثر بی توجهی یا غیره دکتر مرد انجام می دهد. اشکال دارد یا خیر؟

ج\_ اگر آزمایش مستلزم لمس یا نظر حرام باشد جایز نیست.

43\_ آیا بعد از انعقاد نطفه از بین بردن آن جایز است یا نه؟

ج\_ بعد از انعقاد نطفه جایز نیست

44\_ بفرمائید زن شوهردار چگونه باید تقلید کند؟ و میتواند مجتهد دیگری داشته باشد؟ و اگر می تواند منافاتی با لزوم اطاعت زن از شوهر دارد یا نه؟

ج\_ زن در تقلید مستقل است ولی در امور زناشوئی باید از شوهر اطاعت کند و بدون اجازه شوهر نمی تواند از منزل خارج شود.

45\_ آیا بستن رحم به منظور جلوگیری از حمل چه حکمی دارد؟

ج\_ در صورتی که موجب عقیم شدن نیست اشکال ندارد.

46\_ با عرض معذرت از گرفتن وقت جنابعالی خواهشمند است بفرمائید شنیدن صوت قرآن خواهران بصورت ترتیل یا قرائت چه حکمی دارد با توجه به زیبایی که در اینصورت صدا پیدا می کند و شنیدن آن توجه خواهران دیگر را هم جلب می کند چه رسد به برادران؟

ج\_ بسمه تعالی\_ اگر خوف فتنه در بین نباشد بر خواننده اشکال ندارد و شنیدنش برای مرد اجنبی هم بدون قصد تلذذ و ریبه مانع ندارد.

احکام حیض و استحاضه و نفاس

س 269 \_ زن حامل در حامل گاهی یک لحظه خون می بیند حکم آن خون چیست؟

ج \_ اگر در ایام عادت است و یا اوصاف خون حیض دارد آن خون را حیض قرار دهد تا خلاف آن معلوم شود و الا جمع کند بین تروک حائض و اعمال مستحاضه تا وقتی که یقین به استحاضه پیدا کند مثل اینکه قبل از سه روز قطع شود.

س 270 \_ زنی یک مرتبه چند روز تلفیقی خون حیض دیده، و مرتبه دیگر بمقدار همان عدد معین، چند روز غیر تلفیقی خون دیده که ایام تلفیقی ممکن است یک شب از ایام غیر تلفیقی مقدارش زیادت باشد در این صورت عادت عددیه برای آن زن به دیدن این دو خون حاصل می شود یا نه؟

ج \_ میزان در تحقق عادت اتحاد ایام آن است و توافق در شب اول و آخر لازم نیست.

س 271 \_ زنی برای اینکه حیض نشود هر شب قرص می خورد یک شب فراموش کرد قرص نخورد، روزش خونریزی کرد شب بعد که قرص خورد خون قطع شد و خلاصه از ایام عادت همان یک روز را خون دید تکلیف او چیست؟

ج \_ یک روز حیض نیست.

س 272 \_ هر گاه زنی در ایام عادت ماهانه بوسیله خوردن قرص از آمدن خون حیض

ج - تا موقعی که خون خارج نشده به حکم طاهر عمل کند.

س 273 - گاهی زن بعد از ایام عادت و پس از اینکه غسل کرد باز یک قطره خون می بیند آیا آن خون چه حکمی دارد؟

ج - تا ده روز اول زمانی که خون دیده هر وقت خون ببیند محکوم به حیض است و لو یک قطره باشد و اگر بعد از یک قطره قطع شود واجب است ثانیاً غسل کند.

س 274 - زنی که هر ماه بصورت عادت پنج روز یا شش روز از دُبر خون می بیند و از قُبَل اصلاً خون نمی بیند آن خون محکوم به حیض است یا نه؟

ج - در فرض مسئله اگر بداند همان خون حیض است و از این مجری خارج می شود اشکال ندارد و تمام احکام حیض بر آن مترتب است و اگر یقین ندارد اعتبار صفات در خون خارج از دُبر مشکل است و احتیاط در واجد صفات جمع بین تروک حائض و افعال مستحاضه است.

س 275 - خونی که زن بر اثر ضربه یا حمل نمودن بار سنگین در غیر ایام عادت می بیند حیض است یا استحاضه و اگر در ایام عادت بر اثر تصادم و پیش آمدی خونریزی کرد چه صورت دارد؟

ج . در هر صورت اگر دارای صفات حیض است و با حیض سابق ده روز فاصله دارد حکم حیض را دارد و اگر صفات حیض را ندارد و در عادت هم نیست احتیاط کند به جمع بین تروک حائض و اعمال مستحاضه.

س 276 - زنی که در نفاس عادت عرفیه پیدا کرده اگر اتفاقاً خون او از ده روز تجاوز کند باید رجوع به عادت می کند یا به عادت می کند که در نفاس دارد؟

ج - باید ر نوع به عادت حیض نماید.

س 277 - زنانی که با عمل جراحی اطفال را از رحم ایشان خارج می کنند بعد از آن خون از مجرای طبیعی بیرون می آید آیا این خون با آنکه منشأش را نمی دانند فقط می دانند بواسطه اخراج طفل بیرون آمده است محکوم به نفاس است یا نه؟

ج - خون مفروض که بعد از ولادت از محل ولادت خارج می شود خون نفاس است و فرق نیست که طفل

بنحو طبیعی خارج بشود یا به جراحی . بلی خون موضع جراحی که بواسطه بریدن محل خارج می شود خون نفاس نیست.

س 278 \_ زن حامل ترسید و یا صدمه ای به او رسید، چند ساعت و یا چند روز خون دید و بعد سقط کرد آن خون چه حکمی دارد؟

ج \_ خون قبل از سقط محکوم به استحاضه است مگر آنکه شرائط حیض را واجد باشد مانند استمرار سه روز و فصل اقل طهر و واجد بودن صفات حیض یا در عادت بودن، که در این صورت محکوم به حیض است و بعد از سقط تا ده روز خون نفاس است مگر اینکه بیشتر از ده روز خون ببیند که در این صورت به مقدار ایام عادت حیض خود، نفاس قرار می دهد و بقیه استحاضه است.

حکم نظر کردن و صحبت نمودن مرد و زن نامحرم و خنثی با یکدیگر.

س 644 - اگر مرد سر برهنه باشد و زن نامحرم او را با این وضع نگاه کند در این صورت مرد هم کمک به گناه کرده و برای او سر برهنه بودن حرام است یا نه؟ و همچنین پیراهن آستین کوتاه که کمی بالاتر از آرنج تانوک انگشتان پیدا باشد در صورتی که زن به مرد نگاه کند برای مرد حرام است یا نه؟

ج \_ احتیاط این است که مرد غیر از مواضعی را که پوشیدن آن در بین مردها متعارف و معمول نیست در صورتی که بداند زن اجنبیه با التذاذ به آن نظر می کند بپوشاند.

س 645 \_ زن نامحرمی نسبت فامیلی با مردی دارد آیا می تواند بدون قصد لذت با هم صحبت کنند در حالی که همدیگر را نگاه کنند یا نه؟

ج \_ بدون قصد التذاذ و با وجود حاجب عرفی مانعی ندارد.

س 646 \_ اگر کسی بمیرد و مجلس عزای زنانه و مردانه در یک حیاط تشکیل شود چنانچه زنی با سواد در مجلس عزای زنانه قرآن و روضه و مصیبت و نوحه بخواند که صدای او

را مردها که در آنجا هستند بشنوند چه صورت دارد؟

ج \_ با اینکه خداوند متعال می فرماید: «فاسئلوهن من وراء حجاب» خوب است که مجلس زنانه طوری باشد که کاملاً مراعات عفت بشود. س 647 \_ نگاه کردن به زن اجنبیه حرام است ولی در موقع ازدواج با زن چه دائم و چه انقطاعی، می شود او را نگاه کرد یا نه؟

ج \_ زن مخصوصی را که قصد دارد ازدواج کند جایز است نگاه کند به مقداری که زشتی و زیبایی او را تشخیص دهد و اما اگر بخواهد زنهای متعدد را نگاه کند که هر کدام را پسندید انتخاب کند جایز نیست.

س 648 \_ برای کسی که می خواهد ازدواج کند جایز است نگاه کردن به زن و بالعکس یا نه؟

ج \_ جهت ازدواج یکمرتبه بصورت نگاه کردن برای زن و مرد بدون قصد ربه و التذاذ جایز است.

س 649 \_ در اجتماع آلوده ما معمولاً از موی سر زنها کلاه گیسو درست می کنند و خرید و فروش می نمایند کسی که عیال او از چنان گیسوانی استفاده می کند تکلیفش چیست؟ آیا می تواند چنان مویی را که مربوط به زن اجنبیه است لمس و یا نگاه کند یا نه؟ و در صورت منع شرعی گناهکار، زن اولیه است که گیسوانش را به بازار عرضه کرده یا خریدار یا هر دو؟

ج \_ پس از جدا شدن مو از سر زن، نگاه اجنبی به آن مانعی ندارد و همچنین دست کشیدن مرد اجنبی به آن و خرید و فروش و سرگذاشتن زن دیگر اشکال ندارد.

س 650 \_ اشخاصی که در یک خانه و یک طبقه عمارت باشند از حیث محرم و نامحرم ولی اقوام هستند و هیچگونه خطری از جهت ربه و غیرها در کار نیست و همیشه با هم نشست و برخاست دارند و از لحاظ خورد و خواب و خرید لوازم منزل مخلوط هستند دست و صورت باز و از حیث حجاب محجوب نیستند و چون از این حیث برایشان دشوار است آیا ترخیصی هست و یا باید مثل خارج منزل وظیفه نامحرم که اجنبیه باید از اجنبی مستور باشد در اینجا هم جاری است؟

ج \_ دلیلی بر تفاوت حکم بین غیر محارم بنظر نرسیده است.

ص 651\_ آیا زن اجنبیه می تواند قرائت نماز و احکام دینی و مسائل واجبه اش را نزد مرد عالمی فراگیرد و در این قبیل موارد هم اذن شوهر شرط است یا خیر؟

ج - یاد گرفتن مسائل مورد ابتلاء و حاجت بر زن و مرد هر دو واجب است و اذن شوهر در صورتی لازم است که یاد گرفتن مسائل متوقف بر خروج از خانه نباشد به اینکه در خانه نیز تعلیم امکان داشته باشد و فرا گرفتن آن از مرد اجنبی در صورتی جایز است که: معرض فساد و گناه نباشد.

س 652\_ آیا مرد می تواند در یک جلسه ای که گروهی از بانوان و دختران مسلمان هستند قرآن را تعلیم کند و همچنین خود استاد که با صوت قرآن را می خواند در موقع پس گرفتن درس آیا بانوان و دختران می توانند با صوت قرآن را برای این استاد بخوانند تا اینکه اشکالات آنها را از لحاظ اعراب و قواعد تجوید بر طرف کند و یا اینکه خواندن خانمها و دختران با صوت اشکال شرعی دارد.

ج - چنانچه تعلیم قرآن مجید مستلزم ارتکاب محرم نباشد اشکال ندارد ولی بانوان و دختران نزد نا محرم قرآن را با صدا نخوانند و همچنین با صدا خواندن مرد چنانچه موجب تلذذ بانوان باشد اشکال دارد خوب است معلم بانوان زن باشد تا موجب ارتکاب خلاف شرع نشود و ارتکاب خلاف شرع به عنوان تعلیم قرآن خلاف شرع دیگر است.

س 653\_ خنثی از نظر محرم و نامحرم بودنش با مردان چه حکمی دارد؟

ج - اگر خنثی مشکل باشد باید احتیاط کند یعنی نسبت به مردها خود را زن محسوب دارد و از نامحرم خود را بیوشاند و نسبت به زنها خود را مرد حساب کند و به زن نامحرم نگاه نکند.

حکم نظر به زن نامحرم در تلویزیون و نظر به عکس او

س 654\_ نظر کردن بر بدن زن شناس و ناشناس از مسلمان و کافر از طریق تلویزیون چه صورت دارد؟

ج - مشکل است.

س 655\_ در رساله عملیه می فرمایید مرد اگر زنی را بشناسد و نامحرم باشد نباید به

عکس او نگاه کند آیا با قصد لذت حرام است یا بدون قصد لذت هم حرمت دارد و نیز عکس زنی را در جایی می بیند و اسمش را هم در مجلات و روزنامه دیده ولی او را نمی شناسد نظر کردن به او چه صورت دارد؟

ج\_ در فرض اول احوط ترک است مطلقاً و در مسئله دوم اگر مورد ابتلاء و معرض ریه نباشد حرمت معلوم نیست و احتیاط به ترک است.

س 656\_ نگاه کردن مرد به عکس زن نامحرمی که فوت شده در صورتی که مرد او را بشناسد جایز است یا خیر؟

ج\_ نگاه کردن مرد نامحرم بعکس زن مرده خالی از هتک نیست و محل اشکال است. (1)

ص: 112

---

1- برای اطلاع بیشتر از این قبیل مسائل به مجمع المسائل، ج 2، صفحات ذیل رجوع شود. ص 149، مسئله 399\_ 401 ص 173، مسئله 485\_ 489 ص 178، مسئله 540\_ 940. ص 204، مسئله 574\_ 104 ص 220، مسئله 621\_ 635 ص 228، مسئله 642\_

643



## احکام بانوان از متن توضیح المسائل حضرت آیه الله العظمی اراکی «دامت افاضاته»

استحاضه

یکی از خونهایی که از زن خارج می شود خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه، مستحاضه می گویند.

مسئله 389\_ خون استحاضه در بیشتر اوقات زردرنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ هم نیست ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

مسئله 390\_ استحاضه سه قسم است: قلیله و متوسطه و کثیره. استحاضه قلیله آن است، که خون، فقط روی پنبه ای را که زن داخل فرج می نماید آلوده کند و در آن فرو نرود. استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود، اگرچه در یک گوشه آن باشد، ولی به دستمالی که معمولاً زنها برای جلوگیری از خون می بندند، جاری نشود. استحاضه کثیره آن است که خون از پنبه به دستمال جاری شود.

احکام استحاضه

مسئله 391\_ در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده، آب بکشد و پنبه را عوض کند یا آب بکشد.

مسئله 392\_ اگر پیش از نماز یا در بین نماز خون استحاضه متوسطه ببیند باید برای آن نماز غسل کند.

مسئله 393\_ در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسئله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند، یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد، و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد، و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشا فاصله بیندازد باید برای نماز عشا دوباره غسل نماید.

مسئله 394\_ اگر خون استحاضه، پیش از وقت نماز هم بیاید اگر چه زن برای آن خون، وضو را انجام داده باشد، باید در موقع نماز وضو و غسل را به جا آورد.

مسئله 395\_ مستحاضه متوسطه و کثیره که باید وضو بگیرد و غسل کند هر کدام را اول به جا آورد صحیح است، ولی بهتر آن است که اول وضو بگیرد.

مسئله 396\_ اگر استحاضه قلیله زن، بعد از نماز صبح، متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند، و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

مسئله 397\_ اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل، و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری به جا آورد و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

مسئله 398\_ مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز برای نماز غسل کند، غسل او باطل است، مگر آن که بخواهد نماز شب بخواند که در این صورت غسل کردن قبل از وقت نماز صبح مانع ندارد.

مسأله 399\_ زن مستحاضه، برای هر نمازی چه واجب باشد و چه مستحب، باید وضو بگیرد و نیز اگر بخواند نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند، یا بخواند نمازی را که تنها خوانده است دوباره باجماعت بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد. ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً به جا آورد لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد.

مسأله 400\_ زن مستحاضه بعد از آن که خونس قطع شد، فقط برای نماز اولی که می خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست.

مسأله 401\_ اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است، موقعی که می خواهد نماز بخواند، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و

ص: 113

بعد از آن که فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد، ولی اگر بداند تا وقتی که می خواهد نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی کند پیش از داخل شدن وقت هم می تواند خود را واری نماید.

مسأله 402\_ زن مستحاضه اگر پیش از آن که خود را واری کند، مشغول نماز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آن که استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده، نماز او باطل است.

مسأله 403\_ زن مستحاضه اگر نتواند خود را واری نماید، باید به آنچه مسلماً وظیفه اوست عمل کند مثلاً اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد، و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره، باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد، ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.

مسأله 404\_ اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید، وضو و غسل باطل نمی شود و اگر بیرون بیاید هر چند کم باشد، وضو و غسل را به تفصیلی که گذشت باطل می کند.

مسأله 405\_ زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واری کند و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می آید، با وضویی که دارد می تواند نماز بخواند.

مسأله 406\_ زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و تا بعد از نماز هم خون در داخل فرج نیست و بیرون نمی آید، می تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد.

مسأله 407\_ اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز بکلی پاک می شود، یا به اندازه خواندن نماز، خون بند می آید، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند.

مسأله 408\_ اگر بعد از وضو و غسل، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد، به مقداری که وضو و غسل و نماز را به جا آورد، بکلی پاک می شود، باید نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که بکلی پاک شد، دوباره وضو و غسل را به جا آورد و نماز را بخواند. نماز عصر وقت داشته باشد باید برای نماز عصر غسل نماید و اگر برای نماز عصر و غسل را به جا آورد و نماز را بخواند. و اگر وقت نماز تنگ شد لازم نیست وضو و غسل را دوباره به جا آورد، بلکه با وضو و غسلی که دارد می تواند نماز بخواند.

مسأله 409\_ مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی بکلی از خون پاک شد باید غسل کند، ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش، مشغول غسل شده دیگر خون نیامده لازم نیست دوباره غسل نماید.

مسأله 410\_ مستحاضه قلیله بعد از وضو، مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو، باید فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد و در نماز هم می تواند کارهای مستحب مثل قنوت و غیر آن را به جا آورد.

مسأله 411\_ زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود، ولی اگر خون در داخل فضای فرج نیاید غسل لازم نیست.

مسأله 412\_ زن مستحاضه باید بعد از وضو غسل بوسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید، و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند و وضو هم بگیرد و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند.

مسأله 413\_ اگر در موقع غسل، خون قطع نشود، غسل صحیح است، ولی اگر در بین غسل، استحاضه متوسطه کثیره شود، واجب است چنانچه مشغول غسل ترتیبی (یا ارتماسی) بوده همان را از سر بگیرد.

مسأله 414\_ احتیاط واجب آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه تست به مقداری که می تواند از بیرون آمدن خون جلوگیری کند.

مسأله 415\_ روزه زن مستحاضه ای که غسل بر او واجب می باشد در صورتی صحیح است که در روز غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است، انجام دهد، و نیز باید غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می خواهد فردای آنرا روزه بگیرد به جا آورد.

مسأله 416\_ اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند روزه او صحیح است.

مسأله 417\_ اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد. و اگر استحاضه متوسطه، کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه، کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد فایده ندارد و باید دوباره برای کثیره غسل کند.

مسأله 418\_ اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه زن کثیره شود، باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد و کارهای دیگر آن را انجام دهد و همان نماز را بخواند. و اگر برای هیچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد. باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل، دیگر بدل از وضو، و اگر یکی از آنها دو تیمم کند، یکی بدل از غسل، و دیگر بدل از وضو، و اگر برای یکی از آنها وقت ندارد باید عوض آن تیمم کند و دیگری را به جا آورد، ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارد و نمی تواند نماز را بشکند، و باید نماز را تمام کند، و بنا بر احتیاط واجب قضا نماید، و همچنین است اگر در بین نماز استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود.

مسأله 419\_ اگر در بین نماز، خون، بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یا نه، چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شده بوده، باید وضو و غسل و نماز را دوباره به جا آورد.

مسأله 420\_ اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود، باید برای نماز اول کثیره و برای نمازهای بعد عمل متوسطه را به جا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشاء فقط وضو بگیرد ولی اگر برای نماز ظهر غسل نکند و فقط به مقدار نماز عصر وقت داشته باشد، باید برای نماز عصر غسل نماید، و اگر برای نماز عصر هم غسل نکند باید برای نماز مغرب غسل کند. و اگر برای آن هم غسل نکند و فقط به مقدار نماز عشاء وقت داشته باشد باید برای عشاء هم غسل نماید.

مسأله 421\_ اگر پیش از هر نماز، خون مستحاضه کثیره، قطه شود دوباره بیاید، برای هر نماز، باید یک غسل به جا آورد.

مسأله 422\_ اگر استحاضه کثیره قلیله شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد، و نیز اگر استحاضه متوسطه قلیله شود باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد عمل قلیله را به جا آورد.

مسألة 423\_ اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می باشد حتی عوض کردن پنبه را ترک کند، نمازش باطل است.

مسألة 424\_ مستحاضهٔ قلیله اگر بخواهد غیر از نماز کاری انجام دهد، شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند باید وضو بگیرد و وضویی که برای نماز گرفته کافی نیست، بنابر احتیاط واجب.

مسألة 425\_ اگر مستحاضه غسلهای واجب خود را به جا آورد، چنانچه بین غسل و نماز فاصله نینداخته باشد، رفتن به مسجد و توقّف در آن و خواندن سوره ای که سجدهٔ واجب دارد، و نزدیکی شوهر با او، حلال می شود ولی اگر بین غسل و نماز فاصله انداخته باشد، احتیاط واجب آن است که برای هر یک از این اعمال غسل جداگانه ای انجام دهد، و اگر غسلهای واجب خود را انجام ندهد، بنابر احتیاط واجب، نمی تواند اعمال ذکر شده را انجام دهد.

ص: 114

مسأله 426\_ اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند و وضو هم بگیرد.

مسأله 427\_ نماز آیات بر مستحاضه واجب است. و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیه گفته شد انجام دهد.

مسأله 428\_ هر گاه در وقت نماز یومیه نماز آیات بر مستحاضه واجب شود اگر چه بخواهد هر دو را پشت سر هم به جا آورد، باید برای نماز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز یومیه او واجب است انجام دهد.

مسأله 429\_ اگر زن مستحاضه بخواهد نماز قضا بخواند، باید برای هر نماز کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است به جا آورد.

مسأله 430\_ اگر زن بداند خونی که از او خارج می شود خون زخم نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد، باید به دستور استحاضه عمل کند، بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر، چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

حیض:

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض می گویند. به جا آورد.

مسأله 431\_ خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ مایل به سیاهی یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید.

مسأله 432\_ زنها سیده بعد از تمام شدن شصت سان یا سببه می شوند خون حیض نمی بینند و زنها می که سیده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال یا سببه می شوند.

مسأله 433\_ خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال و زن بعد از یا سببه شدن می بیند حیض نیست.

مسأله 434\_ زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد، ممکن است حیض بیند.

مسأله 435\_ دختری که نمی داند نه سالش تمام شده یا نه اگر خونی بیند که نشانه های حیض را نداشته باش حیض نیست. و اگر نشانه های حیض را داشته باشد حیض است و معلوم می شود نه سال او تمام شده است.

مسأله 436\_ زنی که شک دارد یا سببه شده یا نه، اگر خونی بیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که یا سببه نشده است.

مسأله 437\_ مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد، حیض نیست.

مسأله 438\_ باید سه روز اول، حیض، پشت سر هم باشد، پس اگر مثلاً دو روز خون بیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون بیند حیض نیست.

مسأله 439\_ لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در فرج خون باشد (بدین معنی که اگر پنبه بگذارد و کمی صبر کند و بیرون آورد، خونی شود، هر چند به مقدار سر سوزنی باشد) کافی است، و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود و مدت پاک شدن بقدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج خون بوده، باز هم حیض است.

مسأله 440\_ لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود، پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر خون بیاید، یا در وسطهای روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود در شب دوم و سوم هم هیچ خون قطع نشود، حیض است.

مسأله 441\_ اگر سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است.

مسأله 442\_ اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل است یا خون حیض، چنانچه نداند دمل در طرف چپ است یا طرف راست در صورتی که ممکن باشد مقداری پنبه داخل کند و بیرون آورد پس اگر خون از طرف چپ بیرون آید، خون حیض است و اگر طرف راست بیرون آید خون دمل است، و اگر ممکن نباشد که واریسی کند در صورتی که می داند خون خون سابق حیض و ده حیض قرار دهد و اگر دمل قرار دهد، و اگر نمی داند خون حیض بوده یا دمل بنا بر احتیاط واجب باید همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و همه عبادتهایی را که زن غیر حائض انجام می دهد به جا آورد.

مسأله 443\_ اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر باشد و از ده روز زیادتر نباشد و نداند خون حیض است یا زخم، اگر قبلاً حیض بوده حیض، و اگر پاک بوده پاک، قرار دهد، و چنانچه نمی داند پاک بوده یا حیض، همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و همه عبادتهایی که زن غیر حائض انجام می دهد به جا آورد.

مسأله 444\_ اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس، چنانچه شرایط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.

مسأله 445\_ اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت، باید خود را واریسی کند، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند، بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده، حیض می باشد.

مسأله 446\_ اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد از سه روز خون بسند خون اول اگر چه در روزهای عادتش باشد حیض نیست، و خون دوم اگر دارای شرایط حیض است، حیض می باشد.

## احکام حائض

مسأله 447\_ چند چیز بر حائض حرام است:

اول: عبادتهایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، ولی به جا آوردن عبادتهایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد.

دوم: دوم تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد.

سوّم: جماع کردن در فرج که هم برای مرد حرام است و هم برای زن اگرچه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکند و در دُبُر زن حائض، وطی کردن، محلّ اشکال است.

مسأله 448\_ جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است. پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

مسأله 449\_ اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن، با زن خود در قُبُل جماع کند، بنابر احتیاط واجب باید هیجده نخود طلا کفّاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوّم جماع کند، نخ نخود و اگر در قسمت سوّم جماع کند، باید چهار نخود و نیم طلا بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوّم با او جماع کند باید هیجده

ص: 115



نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم بدهد.

مسأله 450\_ بنا بر احتیاط واجب، وطی در دُبُر زن حائض هم کفاره دارد.

مسأله 451\_ اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد باید قیمت وقتی را که می خواهد به فقیر بدهد حساب کند.

مسأله 452\_ اگر کسی هم در قسمت اوّل و هم در قسمت دوّم و هم در قسمت سوّم حیض، با زن خود جماع کند، باید هر سه کفاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم می شود بدهد.

مسأله 453\_ اگر انسان بعد از آن که در حال حیض جماع کرده و کفاره آن را پس داده دوباره جماع کند باز هم باید کفاره بدهد.

مسأله 454\_ اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند و در بین آنها کفاره ندهد احتیاط واجب آن است که برای هر جماع یک کفاره بدهد.

مسأله 455\_ اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود بنا بر احتیاط باید کفاره بدهد.

مسأله 456\_ اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی به گمان این که عیال خود او است جماع نماید، کفاره واجب نیست اگر چه احتیاط مستحب است.

مسأله 457\_ کسی که نمی تواند کفاره بدهد، بنا بر احتیاط واجب باید استغفار کند، و هر وقت توانست باید کفاره را بدهد.

مسأله 458\_ طلاق دادن زن در حال حیض، به طوری که در کتاب طلاق گفته می شود باطل است.

مسأله 459\_ اگر زن بگوید حائضم یا از حیض پاک شده ام، باید حرف او را قبول کرد.

مسأله 460\_ اگر زن ذی بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

مسأله 461\_ اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

مسأله 462\_ بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، غسل کند. و دستور آن مثل غسل جنابت است، ولی برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است.

مسأله 463\_ بعد از آن که زن از خون حیض، پاک شد، اگر چه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است، و شوهرش هم می تواند با او جماع کند، ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از جماع با او خودداری نماید. اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده بجز مسّ خط قرآن و اسم خداوند و مانند آن، پس از قطع خون هر چند غسل نکرده باشد حرام نمی باشد ولی مسّ خط قرآن و اسم خداوند و مانند آن چون بدون طهارت جائز نیست باید غسل کند.

مسأله 464\_ اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه ای باشد که بتواند یا غسل کند یا وضو بگیرد، باید غسل کند و بدل از وضو تیمم نماید. و اگر فقط برای وضو کافی باشد. به اندازه غسل نباشد، باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

مسأله 465\_ نمازهای یومیه ای که زن در حال حیض نخوانده، قضا ندارد، ولی روزه های واجب را باید قضا نماید.

مسأله 466\_ هر گاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است، ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر باید ملاحظه حال خود را بکند، مثلاً زنی که مسافر نیست اگر در اول ظهر نماز نخواند، قضای آن در صورتی واجب می شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز به دستوری که گفته شد از اول ظهر می شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز به دستوری که گفته شد از اول ظهر بگذرد و جائز شود، و برای کسی که مسافر است گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت کافی است و نیز باید ملاحظه تهیه شرایطی را که دارا نیست بنماید، پس اگر به مقدار فراهم آوردن آن مقدمات و خواندن یک نماز بگذرد و حائض شود قضا واجب است وگرنه واجب نیست.

مسأله 468\_ اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند باید قضای آن را به جا آورد.

مسأله 469\_ اگر زن حائض به اندازه غسل و وضو وقت ندارد ولی می تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند آن نماز بر او واجب نیست، اما اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمم است، مثل آن که آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند و آن نماز را بخواند.

مستحب است.

مسأله 470\_ اگر زن حائض بعد از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند.

مسأله 471\_ اگر به خیال این که به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را به جا آورد.

مسأله 472\_ مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.

مسأله 473\_ خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و مابین خطهای قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است.

اقسام زنهای حائض

مسأله 474\_ زنهای حائض برشش قسمند:

اول: صاحب عادت وقتیه و عددیه، و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد مثل آن که دو ماه پشت سر هم از اول ماه تا هفتم خون ببیند.

دوم: صاحب عادت وقتیه، و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم، ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود.

سوم: صاحب عادت عددیه، و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم به یک اندازه باشد، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد، مثل آن که ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند.

چهارم: مضطربه، و آن زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش بهم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده است. پنجم: مبتدئه، و آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است.

ششم: ناسیه، و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است. و هر کدام اینها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می شود.

#### 1\_ صاحب عادت وقتیه و عددیه:

مسأله 475\_ زنهایی که عادت وقتیه و عددیه دارند سه دسته اند:

اول: زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه، خون ببیند و روز هفتم پاک شود که عادت حیض این زن از اول ماه تا هفتم است.

دوم: زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز معین مثلاً از اول ماه تا هشتم خونی که می بیند نشانه های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید. و بقیه خونهای او نشانه های استحاضه را دارد که عادت او از اول ماه تا هشتم می شود.

سوم: زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند و بعد از آن که سه روز یا بیشتر خون دید یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد که عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثلاً اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و در ماه دوم بعد از آن که سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و در ماه دوم بعد از آن که سه روز خون دید، سه روز یا کمتر یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از نه روز بیشتر نشود، همه حیض است و عادت این زن نه روز می شود.

مسأله 476\_ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب تر خون ببیند، بطوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون، نشانه های حیض را نداشته باشد باید به احکامی که برای زن حائض گفته شد عمل کند. و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده مثل اینکه پیش از سه روز پاک شتند باید عبادتهائی را که به جا نیاورده قضا نماید.

مسأله 477\_ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده، حیض است و خونی که پیش از آن و بعد از آن دیده استحاضه می باشد، و باید عبادتهائی را که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت به جا نیاورده قضا نماید و اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط روزهای عادت او حیض است و خونی که جلوتر از آن دیده استحاضه می باشد و چنانچه در آن روزها عبادت نکرده باید قضا نماید. و اگر همه روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است، و اگر بیشتر شود فقط روزهای عادت حیض و باقی استحاضه است.

1\_ آن که تمام خونی که دفعه اول دیده، یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می بیند در روزهای عادت نباشد، که باید همه خون اول را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

2\_ آن که خون اول در روزهای عادت نباشد، و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد که باید همه خون دوم را حیض و

خون اول را استحاضه قرار دهد.

3\_ آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد و خون اولی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده از ده روز بیشتر نباشد، که در این صورت همه آنها حیض است و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است، مثلاً اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده، در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند، از سوم تا دهم حیض است و از اول تا سوم و همچنین از دهم تا پانزدهم استحاضه می باشد.

4\_ آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد ولی خون اولی که در روزهای عادت بوده، از سه روز کمتر باشد، که باید از ابتداء خون اول، به تعداد روزهای عادت حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه.

مسأله 480\_ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد، چه پیش از وقت عادت دیده باشد چه بعد از آن.

مسأله 481\_ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خود خون ببیند ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و بعد از پاک شدن، دوباره به شماره روزهای عادت که داشته خون ببیند، باید خونی که در روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های حیض را نداشته باشد، حیض است، و خونی که بعد از روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های حیض را داشته باشد استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است، اگر از اول آن حیض و پنج روز بعد استحاضه می باشد.

2\_ صاحب عادت وقتیه:

مسأله 483\_ زنهایی که عادت وقتیه دارند سه دسته اند:

اول: زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین، خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم، و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود، که این زن باید روز اول ماه را عادت حیض خود قرار دهد.

دوم: زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه های حیض را دارد یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید. بقیه خون های او نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد، در هر دو ماه یک اندازه نیست مثلاً در ماه اول، از اول ماه تا هفتم و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم، خون او نشانه های حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

سوم: زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد، مثلاً در ماه اول هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

مسأله 484\_ زنی که عادت وقتیه دارد، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت، خون ببیند بطوری

که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، اگر چه آن خون نشانه های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زندهای حائض گفته شد رفتار نماید و اگر بعد بفهمد حیض

ص: 117

نبوده، مثل آن که پیش از سه روز پاک شود، باید عبادت‌هایی را که به جا نیاورده قضا نماید.

مسأله 485\_ زنی که عادت وقتی دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را بواسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چه پدری باشند چه مادری، زنده باشند یا مرده. ولی در صورتی می‌تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد که شماره روزهای حیض همه آنان یک اندازه باشد و اگر شماره روزهای حیض آنان یک اندازه نباشد، مثلاً عادت بعضی پنج روز و عادت بعضی دیگر هفت روز باشد نمی‌تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد. مگر کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد بقدری کم باشند که در مقابل آنان هیچ حساب شوند که در این صورت باید عادت بیشتر آنان را حیض خود قرار دهد.

مسأله 486\_ زنی که عادت وقتی دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می‌دهد، باید روزی را که در هر ماه اول عادت او بوده، اول حیض خود قرار دهد، مثلاً زنی که هر ماه، روز اول ماه خون می‌دیده و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می‌شده، چنانچه یک ماه دوازده روز خون ببیند و عادت خویشانش هفت روز باشد، باید هفت روز اول ماه را حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

مسأله 487\_ زنی که عادت وقتی دارد و باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چنانچه خویش نداشته باشد، یا شماره عادت آنان مثل هم نباشد، مخیر است که شش روز یا هفت روز را در هر ماه حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و یا در یک ماه سه روز و در ماه دیگر ده روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و یا در یک ماه سه روز و در ماه دیگر ده روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، و یا عکس این را عمل نماید یعنی ماه اول ده روز حیض قرار دهد، و ماه دوم سه روز.

3\_ صاحب عادت عددیه:

مسأله 488\_ زنهایی که عادت عددیه دارند سه دسته اند:

اول: زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه باشد، ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او می‌شود، مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، عادت او پنج روز می‌شود.

دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی که می‌بیند نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست، که در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می‌شود. مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم، خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شمار روزهای عادت او پنج روز می‌شود.

سوم: زنی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می‌شود و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد. مثلاً اگر ماه اول، از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم، از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیشتر شود، عادت او هشت روز می‌شود.

مسأله 489\_ زنی که عادت عددیه دارد، اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز بیشتر شود، چنانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، و اگر همه خونهایی که دیده یک جور نباشد، بلکه چند روز از آن، نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد اگر روزهایی که خون، نشانه حیض را دارد با شماره روزهای عادت او یک اندازه است، باد همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد، از روزهای عادت او بیشتر است، فقط به اندازه روزهای عادت او حیض، و بقیه استحاضه است، و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او کمتر است باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

#### 4\_ مُضطربه:

مسأله 490\_ مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده یک جور باشد، باید شماره عادت خویشان را حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه، و چنانچه خویشاوندانی نداشته باشد با شماره عادت آنها مثل هم نباشد، هم چنانکه در مسأله 487 بیان شد عمل نماید.

مسأله 491\_ مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است و اگر خونی که نشانه حیض را دارد کمتر از سه روز باشد باید همان را حیض قرار دهد و در تعداد روزها به خویشاوندان خود مراجعه کند و به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید، و همچنین است اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید خون اول را حیض قرار دهد و در بقیه آن به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید.

#### 5\_ مُبتدئه:

مسأله 492\_ مبتدئه یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده یک جور باشد، باید عادت خویشان خود را بطوری که در وقتیه گفته شد حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسأله 493\_ مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه خون حیض داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند باید از اول خون اول، که نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد، رجوع به خویشاوندان خود کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسأله 494\_ مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد، باید از اولی که خون نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد، به خویشاوندان خود رجوع کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.





مسأله 495\_ ناسیه یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است اگر بیشتر از ده روز خون ببیند باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد تا ده روز، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه قرار دهد، و اگر نتواند حیض را بواسطه نشانه های آن تشخیص دهد، مخیر است که شش روز یا هفت روز را در هر ماه حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد و یا یک ماه سه روز و در ماه دیگر ده روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، و یا عکس این را عمل نماید یعنی ماه اول ده روز حیض قرار دهد، و ماه دوم سه روز، و احتیاط مستحب آنست که هفت روز را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

#### مسائل متفرقه حیض:

مسأله 496\_ مبتدئه و مضطربه و ناسیه و زنی که عادت عددیه دارد، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض داشته باشد، یا یقین کنند که سه روز طول می کشد، باید عبادت را ترک کنند، و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده باید عبادت‌هایی را که به جا نیاورده اند قضا نمایند ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می کشد و نشانه های حیض را هم نداشته باشد، باید تا سه روز احتیاط کرده، و کارهای استحاضه را به جا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند و چنانچه پیش از سه روز پاک نشدند باید آن را حیض قرار دهند.

مسأله 497\_ زنی که در حیض عادت دارد، چه در وقت حیض عادت داشته باشد چه در عدد حیض، یا هم در وقت و هم در عدد آن، اگر دو ماه پشت سرهم برخلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن یا شماره روزهای آن یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد، عادتش بر می گردد به آنچه در این دو ماه دیده است. مثلاً اگر از روز اول ماه تا هفتم خون می دیده و پاک می شده چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه، خون ببیند و پاک شود، از دهم تا هفدهم، عادت او می شود.

مسأله 498\_ مقصود از یک ماه، از ابتدای خون دیدن است تا سی روز، نه از روز اول ماه تا آخر ماه.

مسأله 499\_ زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می بیند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند و آن خون نشانه های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

مسأله 500\_ اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض را دارد، بعد ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد و دوباره سه روز خونی به نشانه های حیض ببیند باید خون اول و خون آخر را که نشانه های حیض داشته، حیض قرار دهد.

مسأله 501\_ اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید برای عبادت‌های خود غسل کند، اگر چه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند، ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند نباید غسل کند و نمی تواند نماز بخواند و باید به احکام حائض رفتار نماید.

مسأله 502\_ اگر زن پیش از ده روز پاک شود، و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید قدری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد. پس اگر پاک بود، غسل کند و عبادت‌های خود را به جا آورد و اگر پاک نبود اگر چه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد، چنانچه در حیض عادت ندارد یا عادت او ده روز است باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شد، غسل کند، و اگر سر ده روز پاک شد، یا خون او از ده گذشت، سر ده روز غسل نماید، و اگر عادتش کمتر از ده روز است، در صورتی که بداند پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز پاک می شود، نباید غسل کند و اگر احتمال دهد خون او از ده روز می گذرد واجب است که تا یک روز عبادت را ترک کند و چنانچه خون قطع

نشد مستحب است یک روز

دیگر عبادت را ترک کند و چنانچه بعد از آن هم قطع نشد یک روز دیگر و همچنین تا ده روز عبادت را ترک کند، پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سرده روز از خون پاک شد تمامش حیض است و اگر ده روز گذشت، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادتهایی را که بعد از روعای عادت به جا نیاورده قضا نماید.

مسأله 503\_ اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزه ای را که در آن روزها به جا نیاورده قضا نماید. و اگر چند روز را به گمان این که حیض نیست عبادت کند، بعد بفهمد حیض بوده، چنانچه آن روزها را روزه گرفته باید قضا نماید.

#### نفاس

مسأله 504\_ از وقتی که اولین جزء بیچه از شکم مادر بیرون می آید هر خونی که زن می بیند، اگر پیش از ده روز یا سرده روز قطع شود خون نفاس است، و زن را در حال نفاس، نفساء می گویند.

مسأله 505\_ خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بیچه می بیند نفاس نیست.

مسأله 506\_ لازم نیست که خلقت بیچه تمام باشد، بلکه اگر خون بسته ای هم از رحم زن خارج شود و خود زن بداند، یا چهار نفر قابله بگویند که اگر در رحم کی کاند انسان می شد، خونی که تاده روز ببیند خون نفاس است.

مسأله 507\_ ممکن است خون نفاس، یک آن، بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی شود.

مسأله 508\_ هر گاه شک کند که چیزی ثقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می ماند انسان می شد یا نه لازم نیست واریسی کند، و خونی که از او خارج می شود شرعاً خون نفاس نیست.

مسأله 509\_ توقّف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء هم حرام است و آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه می باشد.

مسأله 510\_ طلاق دادن زنی که در حال نفاس می باشد باطل است و نزدیکی کردن با او حرام می باشد و اگر شوهرش با او نزدیکی کند احتیاطاً مستحب آن است به دستوری که در احکام حیض گفته شد کفاره بدهد.

مسأله 511\_ وقتی زن از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند و عبادتهای خود را به جا آورد، و اگر دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، تمام آن نفاس است، و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باشد باید قضا نماید.

مسأله 512\_ اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند که اگر پاک است، برای عبادتهای خود غسل کند.

مسألة 513\_ اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت داره به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است و اگر عادت ندارد تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می باشد، و احتیاط مستحب آن است کسی که عادت دارد از روز بعد از عادت، و کسی که عادت ندارد بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند.

مسألة 514\_ زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از

ص: 119

روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد، و بعد از آن تا روز دهم می تواند عبادت را ترک نماید یا کارهای مستحاضه را انجام دهد، ولی ترک عبادت، یک روز واجب و دو روز تا ده روز خوب است. پس اگر از ده روز بگذرد روزهای عادتش حیض است و بقیه استحاضه است و اگر عبادت را ترک کرده، باید قضا کند.

مسئله 515\_ زنی که در حیض عادت دارد، اگر بعد از زاییدن تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه پی در پی خون ببیند به اندازه روزهای عادت او نفاس است و ده روز از خونی که بعد از نفاس می بیند اگر چه در روزهای عادت ماهانه اش باشد، استحاضه است، مثلاً زنی که عادت حیض او از بیستم هر ماه تا بیست و هفتم آن است، اگر روز دهم ماه زایید و تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون دید، تا روز هفدهم نفاس و از روز هفدهم تا ده روز حتی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می بیند استحاضه می باشد، و بعد از گذشتن ده روز، اگر خونی را که می بیند در روزهای عادتش باشد، حیض است چه نشانه های حیض را داشته باشد یا نداشته باشد و اگر در روزهای عادتش نباشد اگر نشانه های حیض را داشته باشد حیض وگرنه استحاضه قرار دهد.

مسئله 516\_ زنی که در حیض عادت ندارد، اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه خون ببیند، ده روز اوّه آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است و خونی که بعد از آن می بیند، اگر نشانه حیض را داشته باشد حیض وگرنه آن هم استحاضه می باشد.

### احکام بانوان از متن توضیح المسائل حضرت آیه الله العظمی خوئی «دامت افاضاته»

استحاضه

یکی از خونهایی که از زن خارج می شود خون استحاضه است، و زن را در موقع خون دیدن خون استحاضه، مستحاضه می گویند.

(مسئله 398) خون استحاضه در بیشتر اوقات زردرنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ هم نیست، ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

(مسئله 399) استحاضه سه قسم است: قلیله و متوسطه و کثیره، استحاضه قلیله آن است که خون فقط روی پنبه ای را که زن با خود بر می دارد آلوده کند و در آن فرو نرود، استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود، اگر چه در یک گوشه آن باشد، ولی از پنبه به دستمالی که معمولاً زنها برای جلوگیری از خون می بندند نرسد، استحاضه کثیره آن است که خون پنبه را فرا گرفته و به دستمال برسد.

احکام استحاضه

(مسئله 400) در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد، و بنا بر احتیاط پنبه را عوض کند، و باید ظاهر فرج را اگر خون به آن رسیده باشد آب بکشد.

(مسئله 401) در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود، کارهای استحاضه قلیله را که در مسئله پیش گفته شد انجام دهد و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند، باید برای نماز صبح نماز ظهر و عصر غسل کند. و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند، باید پیش از نماز مغرب و عشاء غسل نماید، چه آن که خون بیاید یا قطع شده باشد.

(مسئله 402) در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسئله پیش گفته شد باید برای هر نماز بنا بر احتیاط دستمال را

عوض کند، یا آب بکشد و لازم است یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشاء بجا آورد و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد، و اگر فاصله بیندازد، باید برای نماز عصر دوباره غسل کند، و نیز اگر بین نماز مغرب و عشاء فاصله بیندازد باید برای نماز عشاء دوباره غسل نماید، و أظهر این است که در استحاضه کثیره غسل از وضو کفایت می کند.

(مسئله 403) اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز هم بیاید چنانچه زن برای آن خون، وضو یا غسل بجا نیاورده باشد، باید در موقع نماز وضو یا غسل بجا آورد اگر چه در آن موقع مستحاضه نباشد.

(مسئله 404) مستحاضه متوسطه که باید وضو بگیرد و غسل کند هر کدام را اول بجا آورد صحیح است ولی بهتر آن است که اول وضو بگیرد و مستحاضه کثیره اگر بخواهد وضو بگیرد باید قبل از غسل وضو بگیرد.

(مسئله 405) اگر استحاضه فسنه زن بعد از نماز صبح متوسطه شود باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند، و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.

(مسئله 406) اگر استحاضه معینه یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشاء غسل دیگری بجا آورد، و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثرت شود باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.

(مسئله 407) مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز برای نماز غسل کند، غسل او باطل است. ولی نزدیک اذان صبح جالز است به قصد رجاء غسل نموده و نماز شب را بخواند، ولی بعد از طلوع فجر برای نماز صبح باید غسل را اعاده نماید.

(مسئله 408) زن مستحاضه برای هر نمازی (غیر از نماز یومیه که حکم آن گذشت) چه واجب باشد چه مستحب، باید وضو بگیرد، ولی اگر بخواهد نماز یومیه ای را که خوانده است دوباره با جماعت بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گناه شد

انجام دهد، اما برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده، اگر آنها را بعد از نماز فوراً بجا آورد و همچنین برای سجده سهو در هر حال، لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد.

(مسئله 409) زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای نماز اولی که می خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعدی لازم نیست.

(مسئله 410) اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است، موقعی که می خواهد نماز بخواند، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید، و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آن که فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد، ولی اگر بداند تا وقتی که می خواهد نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی کند، پیش از داخل شدن وقت هم می تواند خود را واری کند.

(مسئله 411) زن مستحاضه اگر پیش از آن که خود را واری کند، مشغول نماز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه اش قلیله بوده، و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده نماز او صحیح است، و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آن که استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده، نماز او باطل است.

(مسئله 412) زن مستحاضه اگر نتواند خود را واری نماید، باید به آنچه مسلماً وظیفه او است عمل کند، مثلاً اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد، و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد، ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده، باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.

(مسئله 413) اگر خون استحاضه در اول ظهورش در باطن باشد و بیرون نیاید وضو یا غسل را که زن داشته باطل نمی کند، و اگر بیرون بیاید هر چند کم باشد وضو و غسل را باطل می کند.

(مسئله 414) زن مستحاضه که بعد از وضو یا غسل در اثناء آنها خون دیده اگر بعد از نماز خود را واری کند و خون نبیند چنانچه وقت وسعت داشته باشد، بنابر احتیاط لازم است برحسب وظیفه اش وضو گرفته یا غسل نماید و آن نماز را اعاده کند اگرچه بداند دوباره خون می آید.

(مسئله 415) زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده، می تواند خواندن نماز را تا وقتی که می داند پاک می ماند تأخیر بیندازد.

(مسئله 416) اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز به کلی پاک می شود، یا به اندازه خواندن نماز خون بند می آید، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند.

(مسئله 417) اگر بعد از وضو و غسل، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد، به مقداری که وضو و غسل و نماز را بجا آورد کلی پاک می شود، باید نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که به کلی پاک شد دوباره وضو و غسل را بجا آورد و نماز را بخواند. و اگر موقعی که خون در ظاهر قطع شود وقت نماز تنگ باشد، لازم نیست وضو و غسل را دوباره بجا آورد بلکه با وضو و غسلی که دارد می تواند نماز بخواند.

(مسئله 418) مس تحاضه کثیره و متوسطه وقت که به کلی از خون پاک شد باید غسل کند، ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش

مشغول غسل شده دیگر خون نیامده لازم نیست دوباره غسل نماید.

(مسأله 419) مستحاضه قلیله بعد از وضو، و مستحاضه متوسطه بعد از غسل و وضو، و مستحاضه کثیره بعد از غسل باید فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه قبل از نماز اشکال ندارد. و در نماز هم می تواند کارهای مستحب مثل قنوت و غیر آن را بجا آورد.

(مسأله 420) زن مستحاضه اگر بین وظیفه ای که دارد از وضو یا غسل و نماز فاصله بیندازد، باید مطابق وظیفه اش دوباره وضو گرفته یا غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود.

(مسأله 421) اگر خون استحاضه زن جریان دارد و قطع نمی شود، چنانچه برای او ضرر ندارد، باید بعد از غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید، و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند، و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند.

(مسأله 422) اگر در موقع غسل، خون قطع نشود، غسل صحیح است ولی اگر در بین غسل، استحاضه متوسطه کثیره شود، لازم است که غسل را از سر بگیرد.

(مسأله 423) احتیاط مستحب آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است، به مقداری که می تواند، از بیرون آمدن خون جلوگیری کند.

(مسأله 424) بنابر احتیاط روزه زن مستحاضه کثیره، در صورتی صحیح است که غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می خواهد فردای آن روز را روزه بگیرد بجا آورد و نیز در روز غسلهائی را که برای نمازهای روز واجب است انجام دهد ولی اگر مستحاضه متوسطه باشد، بعید نیست که در صحت روزه اش غسل شرط نباشد.

(مسأله 425) اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند روزه او صحیح است.

(مسأله 426) اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد، و اگر استحاضه متوسطه کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد، و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد فائده ندارد، و باید دوباره برای کثیره غسل کند.

(مسأله 427) اگر در بین نماز، استحاضه زن کثیره شود، باید نماز را بشکند، و برای استحاضه کثیره غسل کند، و کارهای دیگر آن را انجام دهد، و همان نماز را بخواند، و بنابر احتیاط استحبایی قبل از غسل وضو بگیرد و اگر برای تیمم نیز وقت ندارد، بنابر احتیاط نماز را نشکند و به همان حال تمام کند، ولی لازم است در خارج وقت قضا نماید، و همچنین است اگر در بین نماز، استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود. مگر اینکه غسل استحاضه متوسطه کفایت از وضو نمی کند چنانکه گذشت.

(مسأله 428) اگر در بین نماز خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در وقت باطن هم قطع شده یا نه، چنانچه بعد از نماز بفهمد به کلی قطع شده بوده، و وقت وسعت این را داشته باشد که در حال پاکی نماز را دوباره بخواند، لازم است برحسب وظیفه اس وضو گرفته یا غسل نموده و نماز را دوباره بجا آورد.

(مسأله 429) اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود، باید برای نمازهای بعدی عمل متوسطه را بجا آورد، مثلاً اگر پیش از نماز ظهر



استحاضه کثیره متوسطه شود، باید برای نماز ظهر وضو گرفته و غسل کند، و برای نماز عصر و مغرب و عشاء فقط وضو بگیرد. ولی اگر برای نماز غسل نکند و فقط به مقدار نماز عصر وقت داشته باشد، باید برای نماز عصر غسل نماید، و اگر برای نماز عصر هم غسل نکند بید برای نماز مغرب غسل کند، و اگر برای آن هم غسل نکند و فقط به مقدار نماز عشاء وقت داشته باشد، باید برای نماز عشاء غسل نماید.

(مسأله 430) اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره قطع شود و دوباره بیاید بنا بر احتیاط برای هر نماز باید یک غسل بجا آورد.

(مسأله 431) اگر استحاضه کثیره قلیله شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعدی عمل قلیله را انجام دهد. و نیز اگر استحاضه متوسطه قلیله شود، باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعدی عمل قلیله را بجا آورد.

(مسأله 432) اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می باشد ترک کند نماز باطل است.

(مسأله 433) مستحاضه ای که برای نماز وضو گرفته یا غسل کرده بنا بر احتیاط نمی تواند در حال اختیار جانی از بدن خود را به خط قرآن برساند، و در حال اضطرار جائز است ولی بنا بر احتیاط باید وضو بگیرد.

(مسأله 434) مستحاضه ای که غسلهای واجب خود را بجا آورده رفتن او در مسجد و توقف در آن و خواندن آیه ای که سجده واجب دارد و نزدیکی شوهر با او

حلال است، اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز انجام می داد، مثل عوض کردن پنبه و دستمال، انجام نداده باشد، و بعید نیست که این کارها بدون غسل نیز جائز باشد اگر چه در ترک است.

(مسأله 435) اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز، آیه ای را که سجده واجب دارد بخواند یا مسجد برود، بنا بر احتیاط مستحب باید غسل نماید، و همچنین است اگر شوهرش بخواهد با او نزدیکی کند.

(مسأله 436) نماز آیات بر مستحاضه واجب است. و باید برای نماز آیات وضو بگیرد، و بنا بر احتیاط در استحاضه متوسطه و کثیره غسل نیز بنماید.

(مسأله 437) هرگاه در وقت نماز یومیه نماز آیات بر مستحاضه واجب شود، اگر چه بخواهد هر دو را پشت سرهم بجا آورد، نمی تواند هر دو را با یک غسل و وضو بخواند.

(مسأله 438) اگر زن مستحاضه بخواهد نمازی را که قضای آن مضیق شده بخواند، باید برای هر نماز، کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است بجا آورد.

(مسأله 439) اگر زن بداند خونی که از او خارج می شود خون زخم نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد، باید به دستور استحاضه عمل کند بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر، چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

#### حیض:

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض حائض می گویند.

(مسأله 440) خون حیض در بیشتر اوقات غلیظ و گرم و رنگ آن، سیاه یا سرخ است و با فشار و کمی شوزش بیرون می آید.

(مسأله 441) زنهایی که سیده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند بنا بر مشهور، و لکن واجب است بر زنهای غیر سیده، و زنهای سیده بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال چنانچه با نشانه های حیض یا در روزهای عادت خون ببینند احتیاط کنند.

(مسأله 442) خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال و زن بعد از یائسه شدن میبیند حیض نیست.

(مسأله 443) زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد، ممکن است حیض ببیند و حکم زن حامله و غیر حامله یکسان است فقط زن حامله در صورتی که بعد از گذشتن بیست روز اول عادتش اگر خونی ببیند کع صفات حیض را دارد لازم است بنا بر احتیاط بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نماید.

(مسأله 444) دختری که نمی داند نه سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند چه دارای نشانه های حیض باشد چه نباشد حکم به حیض بودن آن نمی شود کرد.

(مسأله 445) زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که یائسه نشده است.

(مسأله 446) مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست.

(مسأله 447) باید سه روز اول حیض پشت سر هم باشد پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست.

(مسأله 448) ابتداء حیض لازم است خون بیرون بیاید ولی لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در باطن فرج خون باشد کافی است و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود به نحوی که در بین زنهای تماماً یا بعضاً متعارف است باز هم حیض است.

(مسأله 449) لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود، پس اگر از اول صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون بیاید و هیچ قطع نشود، حیض است و همچنین اگر در وسطهای روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع گردد.

(مسأله 450) اگر سه روز پشت سر هم با نشانه های حیض یا در روزهای عادت است ببیند، و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود، روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است.

(مسأله 451) اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل و زخم است یا خون حیض، نباید آن را خون حیض قرار دهد.

(مسأله 452) اگر خونی ببیند که نداند خون زخم است یا حیض، باید عبادتهای خود را بجا آورد مگر این که حالت سابقه اش حیض باشد.

(مسأله 453) اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا استحاضه چنانچه شرائط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.

(مسأله 454) اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت باید خود را واریسی کند، یهنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده، حیض می باشد.

(مسأله 455) اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد از روز خون در عادت یا با نشانه های حیض ببیند، خون دوم حیض است و خون اول اگرچه در روزهای عادتش باشد، حیض نیست.

احکام حائض:

(مسأله 456) چند چیز بر حائض حرام است: «اول» عبادتهائی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، ولی بجا آوردن عبادتهایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت مانعی ندارد. «دوم» تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد. «سوم» جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، بلکه احتیاط واجب آنست که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکند و بنا بر احتیاط لازم و طی زن در دبر چه حائض باشد چه نباشد حرام است.

(مسأله 457) جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است، پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می شود روزهای عادت خویشان خود حیض قرار دهد، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

(مسأله 458) اگر مرد با زن خود در حال حیض نزدیکی کند چه از قبل باشد چه از دبر لازم است استغفار کند، و احتیاط مستحب آنست که کفاره بدهد و کفاره آن بعداً بیان می شود.

(مسأله 459) غیر از نزدیکی کردن با زن حائض سایر استمتاعات مانند بوسیدن و ملاعبه نمودن مانعی ندارد.

(مسأله 460) کفاره نزدیکی در حال حیض در قسمت اول آن، هیجده نخود طلای سکه دار و در قسمت دوم، نه نخود، و در قسمت سوم چهار نخود و نیم است. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند، هیجده نخود طلا و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود، و در شب یا روز پنجم و ششم چهار نخود و نیم بدهد.

(مسأله 461) اگر طلای سکه دار ممکن نباشد، قیمت آن را بدهد و اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، قیمت وقتی را که می خواهد به فقیر بدهد حساب کند.

(مسأله 462) اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض با زن جماع کند، هر سه کفاره را روی هم سی و یک نخود و نیم می شود بدهد.

(مسأله 463) اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند بهتر آنست که برای هر جماع یک کفاره بدهد.

(مسأله 464) اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود نیز احتیاط مستحب این است که کفاره بدهد.

(مسأله 465) گر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی به گمان این که عیال خودش است جماع نماید، نیز احتیاط مستحب این است که کفاره بدهد.

(مسأله 466) کسی که از روی نادانی یا فراموشی با زن در حال حیض نزدیکی کند کفاره ندارد.

(مسأله 467) اگر مرد به اعتقاد این که زن حائض است با او نزدیکی کند و بعداً معلوم شود که حائض نبوده است کفاره ندارد.

(مسأله 468) طلاق دادن زن در حال حیض، به طوری که در احکام طلق گفته می شود باطل است.

(مسأله 469) اگر زن بگوید حائضم یا از حیض پاک شده ام، باید حرف او را قبول کرد.

(مسأله 470) اگر زن در بین نماز حائض شود نمازش باطل است.

(مسأله 471) اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نمازش صحیح است. ولی اگر بعد از نماز بفهمی که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

(مسأله 472) بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا نیمم بجا آورده شود غسل کند و دستور آن مثل غسل جنابت است، و بهتر آنست که پیش از غسل وضو هم بگیرد.

(مسأله 473) بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد اگر چه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است، و شوهرش هم می تواند با او جماع کند و اولی اینست که جماع پس از شستن فرج باشد، ولی احتیاط مستحب آنست که پیش از غسل از جماع با او خودداری نماید. اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن تا غسل نکند بر او حلال نمی شود.

(مسأله 474) اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه ای باشد که بتواند غسل کند باید غسل کند و بهتر آنست که بدل از وضو تیمم نماید و اگر فقط برای وضو کافی باشد و به اندازه غسل نباشد باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم کدام نماید و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد، باید دو تیمم نماید، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

(مسأله 475) نمازهایی که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد، ولی روزه های واجب را که در حال حیض نگرفته باید قضا نماید.

(مسأله 476) هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند یا احتمال دهد که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می شود، باید فوراً نماز بخواند.

(مسأله 477) اگر زن نماز را تأخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه خواندن یک نماز با تحصیل طهارت از حدث بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است، ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر، باید ملاحظه حال خود را بکند، مثلاً زنی که مسافر نیست اگر در اول ظهر نماز نخواند، قضای آن در صورتی واجب می شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز با تحصیل طهارت از حدث از اول ظهر بگذرد و حائض شود، و برای کسی که مسافر است گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت با تحصیل طهارت

کافیست.

(مسأله 478) اگر زن در آخر وقت نماز، از خون پاک شود و به اندازه غسل و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند، باید قضای آن را بجا آورد.

(مسأله 479) اگر زن حائض بعد از پاکی به اندازه غسل وقت ندارد، ولی می تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند، احتیاط واجب آنست که آن نماز را با تیمم بخواند، ولی در صورتی که نخواند قضا بر او واجب نیست، اما اگر گذشته از تنگی وقت از جهت دیگر تکلیفش تیمم است، مثل آن که آب برایش ضرر دارد، بعد تیمم کند و آن نماز را بخواند. و در صورتی که نخواند لازم است قضا نماید.

(مسأله 480) اگر زن بعد از پاک شدن از حیض شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند.

### اقسام زنهای حایض

(مسأله 484) زنهای حایض بر شش قسمند:

«اول» صاحب عادت وقتی و عددیه، و آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل آن دو ماه پشت سرهم از اول ماه تا هفتم خون ببیند.

«دوم» صاحب عادت وقتی و آن زنیست که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند، ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود.

«سوم» صاحب عادت عددیه و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم به یک اندازه باشد، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد. مثل آن که ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند.

«چهارم» مضطربه و آن زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده، یا عادتش بهم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده است.

«پنجم» مبتدئه و آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است.

«ششم» ناسبه و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است. و هر کدام اینها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می شود.

### 1\_ صاحب عادت وقتی و عددیه

(مسأله 485) زنهایی که عادت و هنیه و عددیه دارند د به دو دسته اند:

«اول» زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون خاص ببیند و در وقت معین هم پاک شود، مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند و روز هفتم پاک شود، که عادت حیض این زن از اول ماه تا هفتم است.

«دوم» زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند، و بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید یک روز یا بیشتر پاک شود و

دوباره خون ببیند و نماز روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود، و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد که عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بود است، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثلاً اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند. و در ماه دوم بعد از آنکه سه روز خون دید، کمتر از سه روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم نه روز شود در این صورت همه نه روز حیض است و عادت این زن نه روز میشود.

(مسأله 486) زنی که عادت وقتی دارد، اگر در وقت عادت یک یا دو روز جلوتر خون ببیند، اگر چه آن خون نشانه های حیض را نداشته باشد،

باید احکامی که برای زن حائض گفته شد عمل کند، و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده مثل اینکه بیش از سه روز پاک شود، باید عادت‌هایی را که بجا نیاورده قضا نماید.

(مسأله 487) زنی که عادت وقتی و عددی دارد اگر همه روزهای عادت و چند روز پیش از عادت و بعد از عادت خون ببیند و روی هم از دو روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده، حیض است و خونی که پیش از آن و بعد از آن

دیده استحاضه میباشد. و باید عبادتهائی را که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت خود بجا نیاورده قضا نماید، و اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت با نشانه های حیض خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است، و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط روزهای عادت او حیض است، و خونی که جلوتر از آن دیده استحاضه می باشد و چنانچه در آنروزها عبادت نکرده باید قضا نماید و اگر همه روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت با نشانه های حیض خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است. و اگر بیشتر شود فقط روزهای عادت حیض و باقی استحاضه است.

(مسأله 488) زنی که عادت وقتی و عددیه دارد اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت با نشانه های حیض خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود روزهایی که در عادت خون دیده چنانچه کمتر از سه روز باشد یا چند روز پیش از آن که روی هم عادت او شود، حیض، و روزهای اون را استحاضه قرار میدهد و چنانچه سه روز یا بیشتر باشد آنخون را حیض قرار دهد و روزهای قبل از زمان عادت را تا باندازه ای که بمقدار عادت برسد احتیاط کند، و اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت با نشانه های حیض خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر بیشتر شود، باید روزهایی که در عادت خون دیده چنانچه کمتر از سه روز باشد یا چند روز بعد از آن که روی هم بمقدار عادت او شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. و در صورتی که خونی را که در عادت دیده سه روز یا بیشتر باشد در مقدار زیادی تا مقدار عادت احتیاط کند.

(مسأله 489) زنی که عادت دارد، اگر بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهاییکه در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشد مثل آنکه پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند، چند صورت دارد:

1\_ آنکه تمام خونی که دفعه اول دیده، در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می بیند در روزهای عادت نباشد، در این صورت باید همه خون اول را حیض، و خون دوم را استحاضه قرار دهد. و همچنین است اگر مقداری از خون اول را در عادت و مقداری از آن را قبل از عادت بیک یا دو روز ببیند یا اینکه دارای نشانه های حیض باشد چه قبل از عادت باشد چه بعد از آن.

2\_ آنکه خون اول در روزهای عادت نباشد، و تمام خون دوم یا مقداری از آن بطوری که در صورت اول گفته شد در روزهای عادت باشد که باید همه خون دوم را حیض، و خون اول را استحاضه قرار دهد.

(مسأله 490) زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت بشماره روزهای حیضش با نشانه های حیض خون ببیند باید همانرا حیض قرار دهد چه پیش از وقت عادت دیده باشد چه بعد از آن.

(مسأله 491) زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خود خون ببیند ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و بعد از پاک شدن، دوباره بشماره روزهای عادت که داشته با نشانه های حیض خون ببیند، چنانچه مجموع این دو خون با یکی مابین آنها از ده روز بیشتر نشود همه را حیض قرار دهد. و در صورتی که بیشتر شود خونی را که در عادت دیده حیض و خون دیگر استحاضه است، و چنانچه خون اول بیشتر از عادت عادت بوده و مقدار زیادی نشانه های حیض را داشته همه آن خون حیض است.

(مسأله 492) زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، خونی که در روزهای عادت دیده اگرچه نشانه های حیض را نداشته باشد حیض است، و خونی که بعد از روزهای عادت دیده اگرچه نشانه های حیض را داشته باشد استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است، اگر از اول ماه تا دوازدهم خون ببیند، هفت روز اول آن حیض و پنج روز بعد استحاضه میباشد.



(مسأله 493) زنهایی که عادت وقتیه دارند دو دسته اند: «اول» زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند، و بعد از چند روز پاک شود ولی شماره روزهای آن در هر دوماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سرهم روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود، که این زن باید روز اول ماه را عادت حیض خود قرار دهد. «دوم» زنی که دوماه پشت

سرهم در وقت معین سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد، مثلاً در ماه اول هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت چند حیض خود قرار دهد.

(مسأله 494) زنی که عادت وقتیه دارد و شماره روزهای او بیک اندازه نیست چنانچه خونی ببیند که مقداری از آن نشانه های حض داشته و مقداری نداشته باشد، در صورتی که خون نشانه دار از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد لازم است آنرا حیض، و خونی که نشانه های حیض ندارد استحاضه قرار دهد، ولی چنانچه در وقت عادتش خون ببیند داشتن نشانه های حیض در حیض بودن آن معتبر نیست، پس خونی که در وقت عادتش دیده چنانچه ممکن است حیض باشد لازم است حیض قرار دهد. مثلاً در وقت عادت خود سه روز خون دید اگرچه نشانه حیض را نداشته باشد حیض است. و همچنین است اگر در عادت خود مثلاً یکروز و پیش از عادت دو روز خون ببیند یا اینکه در عادت خود مثلاً یکروز و پس از آن با نشانه های حیض دو روز خون ببیند در این دو صورت نیز لازم است آن سه روز را حیض قرار دهد پس اگر خون نشانه دار قبل از ده روز از اول خون دیدن قطع شد تمام آن خون حیض است و اگر بعداً نیز خون دید چنانچه آن خون دارای نشانه های حیض و فصل بین آن و آخر خون اول ده روز یا بیشتر باشد آن خون نیز حیض است والا استحاضه است.

(مسأله 495) زنی که عادت وقتیه دارد، اگر در غیر وقت عادت با نشانه های حیض بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را بواسطه نشانه های آن تشخیص دهد باید تا شش یا هفت روز حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

(مسأله 496) زنی که هر ماه، روز اول ماه مثلاً خون میدیده و گاهی روز پنجم و گاهی روز هفتم پاک می شده، چنانچه یک ماه دوازده روز خون ببیند و نتواند با نشانه های حیض مقدار او را معین نماید، باید از اول ماه تا شش یا هفت روز حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

(مسأله 497) صاحب عادت اگر وسط یا آخر عادت او معلوم است چنانچه خون او از دوازده روز تجاوز کند شش یا هفت روز را طوری قرار دهد که آخر یا وسط آن موافق با آن وقت باشد.

(مسأله 498) زنهایی که عادت عددیه دارند دو دسته اند: «اول» زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم یک اندازه باشد، ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او میشود. مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند عادت او پنج روز میشود. «دوم» زنی که دو ماه پشت سرهم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یکروز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون، در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود، و شماره روزهای آن هم بیک اندازه باشد، تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می شود، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه بیک اندازه باشد. مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند احتمال بقاء عادتش در بیشتر از هفت تا ده روز باشد پس از روز هفتم احتیاط و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند، و روی هم هشت روز بشود، عادت او هشت روز میشود. و اگر در یک ماه مثلاً هشت روز خون ببیند و در ماه دوم چهار روز خون دیده و پاک شود و دوباره خون ببیند و مجموع ایام خون با پاکی وسط هشت روز باشد، عادت او هشت روز خواهد بود.

(مسأله 499) زنی که عادت عددیه دارد، اگر با نشانه های حیض کمتر یا بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز تجاوز نکند تمام آنها را حیض قرار هد اگر چه خون قطع نشود و بدون داشتن نشانه های حیض از ده روز تجاوز کند، و اگر با نشانه های حیض از ده روز تجاوز کرد باید از موقع دیدن آن خون بشماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

## 4\_ مضطربه

(مسأله 500) مضطربه \_ یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده\_ اگر بیش از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده دارای نشانه های حیض باشد شش یا هفت روز را حیض قرار دهد و بقیه استحاضه است.

(مسأله 501) مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد. چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد همه آن حیض است. و اگر همه آنرا که نشانه حیض دارد نشود حیض قرار دهد، مثل آنکه پنج روز به نشانه های حیض و پنج روز به نشانه های استحاضه و پنج روز دوباره به نشانه های حیض ببیند، پس اگر آنچه به نشانه های حیض است هر کدام را بشود حیض قرار دهد باینکه هر کدام کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد باید در هر دو خون احتیاط کند، و آنچه در وسط است و به نشانه های حیض نیست استحاضه قرار دهد و اگر فقط یکی از آنها را بشود حیض قرار داد همان را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

## 5\_ مبتدئه

(مسأله 502) مبتدئه یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن او است اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده دارای نشانه های حیض باشد، باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر خویشی نداشته یا عادت خویشانش مختلف باشد ماه اول را شش یا هفت روز حیض قرار داده و تا ده روز احتیاط کند و در ماههای بعد سه روز حیض قرار داده و تا شش یا هفت روز احتیاط کند.

(مسأله 503) مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چندروز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است، ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه خون حیض داشته باشد. مثل آنکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید خون وسطی را استحاضه قرار دهد و در دو طرف آن احتیاط کند چنانکه در مضطر به گذشت.

(مسأله 504) مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد، ولی خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر باشد همه خونهای که دیده استحاضه است.

## 6\_ ناسیه

(مسأله 505) ناسیه یعنی زنی که مقدار عادت خود را فراموش کرده است. اگر خونی بنشانه حیض ببیند که کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد آنرا حیض قرار دهد، و اگر آن خون بیشتر از ده روز باشد تا هر زمانی که احتمال عادت را می دهد حیض قرار داده و بقیه استحاضه است، ولی در صورتی که احتمال بقاء عادتش در بیشتر از هفت تا ده روز باشد پس از روز هفتم احتیاط کند.

## مسائل متفرقه حیض:

(مسأله 506) مبتدئه و مضطر به و ناسیه وزنی که عادت عدویه دارد، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض را داشته باشد، باید 10 ترک کنند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده باید عبادتهائی را که بجا نیاورده اند قضا نمایند.

(مسأله 507) زنی که رحیض عادت دارد چه در وقت حیض عادت داشته باشد چه در عدد حیض یا هم در وقت و هم در عدد آن، اگر دو ماه پشت سر هم . برخلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن با شماره روزهای آن، یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد، عادتش برمیگردد بآنچه در این دو ماه دیده است. مثلاً اگر از روز اول ماه تا هفتم خون میدیده و پاک می شده چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه خون ببیند و پاک شود از دهم تا هفدهم عادت او می شود.

(مسأله 508) مقصود از یکماه، گذشتن سی روز از ابتدای خون دیدن است نه از روز اول ماه تا آخر ماه.

(مسأله 509) زنی که معمولاً ماهی یکمرتبه خون می بیند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند و آن خون نشانه های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

(مسأله 510) اگر سه روز یا بیشتر خون ببیند که نشانه حیض را دارد بعد ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد و دوباره سه روز خونی به نشانه های حیض ببیند، باید خون اول و خون آخر را که نشانه های حیض داشته حیض قرار دهد.

(مسأله 511) اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید برای عبادتهای خود غسل کند، اگرچه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند، ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند نباید غسل کند.

(مسأله 512) اگر زن پیش از ده روز پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید قدری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و

بیرون آورد، پس اگر پاک بود، غسل کند و عبادت‌های خود را بجا آورد و اگر پاک نبود چنانچه در حیض عادت ندارد یا عادت او ده روز است، باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شد، غسل کند و اگر سرده روز پاک شد، یا خون او از ده روز گذشت، سرده روز غسل نماید، و اگر عادتش کمتر از ده روز است، در صورتی که بداند پیش از تمام شدن ده روز یا سرده روز پاک میشود نباید غسل کند و اگر احتمال دهد که خون او از ده روز میگذرد باید یکروز عبادت را ترک کند، و بعد جائز است احکام مستحاضه را جاری کند، و احوط اینست که تا روز دهم بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند، و این حکم مختص زنی است که قبل از عادات مستمره الدم نبوده، والا بعد از گذشتن عادت جائز نیست عبادت را ترک کند.

(مسأله 513) اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزه ای که در آنروزها بجا نیاورده قضا نماید. و اگر

ص: 125

چند روز را بگمان اینکه حیض نیست عبادت کند، بعد بفهمد حیض بوده، چنانچه آنروزها را روزه نیز گرفته باشد باید قضا نماید.

## نفاس

(مسأله 514) از وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون میآید، خونی که زن می بیند، اگر پیش از ده روز یا سرده روز قطع شود، خون نفاس است وزن را در حال نفاس، نفساء میگویند.

(مسأله 515) خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می بیند نفاس نیست.

(مسأله 516) لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد، بلکه اگر ناتمام نیز باشد در صورتی که زائیدن صدق کند، خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است.

(مسأله 517) ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید، ولی بیشتر ده روز نمیشود.

خونی که بعد از نفاس تا ده روز می بیند اگر چه در روزهای عادت ماهانه اش

(مسأله 518) هرگاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده بچه است یا نه، لازم نیست واریسی کند، و خونی که از او خارج میشود شرعاً خون نفاس نیست.

(مسأله 519) بنا بر احتیاط توقف در مسجد و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء هم حرام است. و آنچه بر حائض واجب است بر نفساء هم واجب میباشد.

(مسأله 520) طلاق دادن زنی که در حال نفاس است و نزدیکی کردن با او حرام میباشد، ولی اگر شوهرش با او نزدیکی کند، بدون اشکال کفاره ندارد.

(مسأله 521) وقتی زن از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند، و عبادتهای خود را بجا آورد. و اگر دوباره خون ببیند، چنانچه روزهایی را که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد تمام آن نفاس است، و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باشد لازم است قضا نماید.

(مسأله 522) اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند، که اگر پاک است، برای عبادتهای خود غسل کند.

(مسأله 523) اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد باندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است. و اگر عادت ندارد بمقدار عادت خویشان خود نفاس قرار داده و تا ده روز احتیاط کند، و احتیاط مستحب آنست که کسی که عادت دارد از روز بعد از عادت و کسی که عادت ندارد بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان، کارهای استحاضه را بجا آورد، و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند.

(مسأله 524) زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون ببیند، باید باندازه روزهای عادت خود نفاس

قرار دهد، و بعد از آن واجب است یک روز عبادت را ترک نماید، و بعد جائز است احکام مستحاضه را جاری یا اینکه عبادت را تا ده روز ترک نماید، و اگر خون از ده روز بگذرد، باید روزهای بعد از عادت تا روز دهم را هم استحاضه قرار دهد، و عبادتهائی را که در آنروزها بجا نیاورده قضا نماید، مثلاً زنی که عادت او شش روز بوده اگر بیشتر از شش روز خون ببیند، باید شش روز را نفاس قرار دهد و روز هفتم نیز عبادت را ترک کند و روز هشتم و نهم و دهم مخیر است بین اینکه عبادت را ترک کند یا کارهای استحاضه را بجا آورد، و اگر بیشتر از ده روز خون دید، از روز بعد از عادت او استحاضه می باشد.

(مسأله 425) زنی که در حیض عادت دارد، اگر بعد از زائیدن تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه پی در پی خون ببیند، باندازه روزهای عادت او نفاس است، و خونی که بعد از نفاس تا ده روز می بیند اگر چه در روزهای عادت ماهانه اش باشد، استحاضه است، مثلاً زنی که عادت حیض او از بیستم هر ماه تا بیست و هفتم آن ماه است، اگر روز دهم ماه زائید و تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون دید، تا روز هفدهم نفاس است، و از روز هفدهم تا ده روز حتی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می بیند، استحاضه کییاشد و بعد از گذشتن ده روز، اگر خونی را که می بیند در روزهای عادتش باشد حیض است، چه نشانه های حیض را داشته چه نداشته باشد و همچنین است اگر در روزهای عادتش نباشد ولی نشانه های حیض را داشته باشد، اما اگر خونی که بعد از گذشتن ده روز از نفاس می بیند، در روزهای عادت حیض او نباشد و نشانه های حیض را هم نداشته باشد استحاضه است.

(مسأله 526) زنی که در حیض عادت عددیه ندارد، اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه خون ببیند، حکم ده روز اول آن در مسأله (523) گذشت و ده روز دو مآل استحاضه است. و خونی که بعد از آن می بیند، اگر نشانه حیض را داشته باشد یا در وقت عادتش باشد حیض، و گرنه آن هم استحاضه میباشد.

1\_ زنان بیش از پیش آزادی خود را در پوششی که اسلام می گوید یافته اند. (1)

2\_ مردها در دامن شما تربیت شده اند، شما تربیت کننده مردها هستید، قدر خودتان را بدانید اسلام قدر شما را می داند. (2)

3\_ زن آدم ساز است، مربی انسان است. (3)

4\_ زنها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می کنند. (4)

5\_ تربیت و تعلیم شما و تمام بانوان اسلام از حقی وافر برخوردار است. دامن ها باید دامنهای تربیتی باشد یعنی علاوه بر اینکه بچه را بزرگ می کند او را تربیت انسانی هم بکند، بنابر این توجه داشته باشید که یک بچه خوبی به جامعه تحویل بدهید. (5)

6\_ از خداوند متعال توفیق بانوان و دختران را خواستارم. امید است تحت تأثیر مخالفتن اسلام و انقلاب اسلامی واقع نشوند که اسلام برای همه مفید است. (6)

7\_ در دامن مادر، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استادان، علاقه ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد... مادرها باید توجه به این معنی کنند که بچه ها را خوب تربیت کنند، دامن هایشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد. (7)

8\_ زن یکتا موجودی است که میتواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند. (8)

9\_ زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند مبدأ همه سعادتها از دامن زن بلند می شود. (9)

10\_ زنهای ما بخاطر ادب اسلامی که دارند چادر را انتخاب کرده اند. (10)

ص: 127

---

1- صحیفه نور ج 2، ص 259

2- صحیفه نور ج 5، ص 178

3- صحیفه نور ج 11، ص 253

4- صحیفه نور ج 11، ص 253

5- خط امام \_ کلام امام ج 2، ص 294

6- خط امام - کلام امام ج 2، ص 11

7- صحیفه نور ج 8، ص 162

8- صحیفه نور ج 16، ص 125

9- صحیفه نور ج 16، ص 125





بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

